

شماره ۱۹

۱۳۸۱

۵۷۶۳

مارس ۲۰۰۳

سال چهارم

آذر - اسفند

کیسلو - ادار دوم

دسامبر ۲۰۰۲

אֶפֶק
פִּינָה

رنگ
سبز

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

ملامه

آرامگاه ملا مشه هسلوی
הרב משה הלוי
روحانی بزرگ یهودی اندلسی بانی مدارس
نیهی יהודי در ایران
قرن دهم پیشه ۵۳۶۰ عبری

افتتاح بارگاه بازسازی شده
حاکم ملا مشه هسلوی
در کاشان



نامه سرگشاده انجمن کلیمیان به
رئیس قوه قضاییه درباره موج اخیر
توهین به مقدسات یهود

טוב שם
יום המוח

یهودیان اسپانیا
تقویم عبری - فارسی

سال ۱۳۸۲ خورشیدی

آیاتی از تلمود

درباره نועدوستی

فارسی یهود :

میراث ایرانیان یهودی

פהטמוז
הרב משה הלוי
שנפטר בשנת ה'שס'
ת'נ'צ'ב'ה



دیدار هیئت کلیمی با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

دی ۸۱



سرمقاله: بار دیگر ... دادخواهی! / هارون یشایایی / ۲
نامه سرگشاده انجمن کلیمیان تهران به رئیس قوه قضائیه درباره موج اخیر توهین مطبوعات و
نشریات علیه مقدسات یهودیان / ۲
اخبار و رویدادها / ۷

فرهنگی، دینی
آیاتی از تلمود و کتب مقدس یهود درباره تعاون و نועدوستی / رحمن دلرحیم / ۱۹
استعمال دخانیات از دیدگاه شرع یهود (هلاخا) / سیما مقتدر / ۲۷
عبری بیاموزیم / دینا رفائیل / ۵۰
ادبی، هنری
ادبیات فارسیهود، میراث فرهنگی یهودیان ایران (بخش یکم) / ناهید پیرنظر / ۲۲
شعر / پرویز نی داوود / ۳۷

نگاهی دوباره به ایمره کرتز / مرجان ابراهیمی / ۳۱
معرفی کتاب / ۳۸
هانا آرنست (فیلسوف یهودی) / ۴۰

اجتماعی
یهودیان اسپانیا / سیما مقتدر / ۳۴
چاپ آثار اقلیت‌های دینی (گفت‌گو با مجید صیادی) / ۳۹
رادیو صدای داوود / ۴۲
زنان اسرائیلی: «صداقتی که در گفتار ما است، پذیرد» / ۴۳
صفحه دانشجو: رشد نزولی و جای خالی پژوهش / ماهیار کهن‌باش / ۴۴
افتخارآفرینان سال ۴۴/۸۱

گونگون
تقویم عبری - فارسی سال ۱۳۸۲ خورشیدی / ۲۷
ارزش زمان (آلبرت اینشتین) / ۴۷
بخش نوجوانان / سارا حی / ۴۸
بخش کودکان / سارا حی / ۴۹
گزیده مقالات (انگلیسی) / ۵۶

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال چهارم - شماره ۱۹
آذر - اسفند ۱۳۸۱ شمسی
کیسلو - ادار دوم ۵۷۶۳ عبری
دسامبر ۲۰۰۲ - مارس ۲۰۰۳ میلادی

مدیر مسئول: هارون یشایایی
سردبیر: آرش آبائی
دبیران سرویس:
دینی: دکتر یونس حمامی لاله‌زار
اخبار: فرهاد افرامیان
فرهنگی: سیما مقتدر
ادب و هنر: ماهیار کهن‌باش
اجتماعی: مرجان ابراهیمی
گونگون: لیورا سعید
کودکان، نوجوانان: سارا حی
امور مالی و اشتراک: فرهاد افرامیان
پشتیبانی رایانه‌ای - نظارت و کنترل
صفحه‌آرایی: فرید طویبان
(مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران)
حروفچینی و صفحه‌آرایی:
نسترن جاذب
رأیین همدانی کهن (عبری)
طراحی جلد: کادوس نگاره
عکس‌ها: داوود گوهریان
لیتوگرافی: رامین
چاپ: ابلاغ

نشانی نشریه: تهران

خیابان شیخ‌هادی

شماره ۳۸۵ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۱۷۳

تلفن: ۶۷۰۲۵۵۶ - نمابر: ۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیکی:

BINA@IRANJEWISH.COM

♦ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.
♦ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده
بلامانع است.

בִּינָה - در عبری به معنای

آگاهی و بصیرت است

تقاضای اشتراک نشریه افق بینا

نام / موسسه:
آدرس دقیق پستی:
کد پستی:
شماره فیش پرداختی:
برای اشتراک ۶ شماره مبلغ ۲۴۰۰۰ ریال و برای اشتراک ۱۲ شماره مبلغ ۴۸۰۰۰ ریال را به حساب جاری
شماره ۲۴۸۹ بانک ملی - شعبه ملک (شیخ‌هادی) کد ۴۵۶ به نام «انجمن کلیمیان تهران» (قابل پرداخت در
تمام شعب بانک ملی) واریز کرده و فیش بانکی را به همراه تقاضای اشتراک به نشانی: تهران - خیابان
جمهوری اسلامی - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۳۸۵ - طبقه سوم - کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۱۷۳ ارسال نمایید.
هرگونه تأخیر در ارسال مجله را با تلفن ۶۷۰۲۵۵۶ اطلاع دهید.



بار دیگر دادخواهی...!

اخیراً هر کس دستش به جایی نمی‌رسد...! یا می‌خواهد دستش به جایی بند شود...! در هر فرصتی با دلیل و بی‌دلیل انواع و اقسام اتهامات و ناسزاها را نثار یهودیت و به‌طور کلی اعتقادات دینی یهودیان و مخصوصاً نثار کلیمیان ایران می‌کند. دو مثل «دیوار کوتاه» و «سنگ زدن به درسته»، می‌تواند نشانگر وضعیت امروز جامعه کلیمی ایران باشد.

گفتیم دیوار کوتاه...! برای اینکه ظاهراً در هر موقعیتی و در هر موردی که سخنران یا برنامه‌ساز رادیو، تلویزیون و یا نویسندگان بعضی جراید مطلب کسر می‌آورند و می‌خواهند خود و دیگران مبارزات ضد امپریالیستی، ضد امریکایی و ضد صهیونیستی مردم منطقه را فراموش کنند و به جای آن جنگ مذهبی راه بیندازند، به یاد تحریف اعتقادات و تاریخ یهودیان می‌افتند و به تصور اینکه کسی نیست که از این مردم دفاع کند، آسمان و ریسمان را به هم می‌بافند تا عقده دل خالی کرده باشند...!

و اما سنگ به درسته...! مصداق حملاتی است که اخیراً به جامعه کلیمیان ایران و به طور مشخص به سازمان مرکزی کلیمیان ایران یعنی انجمن کلیمیان تهران در بعضی کتب و جراید آغاز شده است. البته نویسندگان سعی می‌کنند با تغییر زمان، موضوع را متوجه نسل گذشته سازند، ولی هر آدم بی‌غرضی می‌فهمد که حضرات...! کل موجودیت جامعه کلیمی ایران و سازمان مرکزی آن را نشانه گرفته‌اند و سعی دارند با فریب دادن افراد ساده‌دل در شرایط بسیار حساس کنونی و حادثه‌آفرینی‌های ریاکارانه، امنیت جامعه کوچک کلیمیان ایران را به خطر بیندازند و آشوب به پا سازند.

اما اینها چون خود جدای از ملت بزرگوار ایران، هستند و اصالتاً با فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی ارتباط صادقانه ندارند، پژواک ناله‌های خود را باور می‌کنند و هر روز نغمه‌ای تازه ساز می‌کنند. اخیراً نماینده کلیمیان ایران و هیئت مدیره انجمن کلیمیان در نامه‌ای سرگشاده به ریاست محترم قوه قضائیه و سایر مسئولین جمهوری اسلامی (که در این شماره نشریه بینا درج شده است) شکوایه خود را از بعضی عناصر بی‌تعمد به اطلاع مسئولین محترم رسانده و با یادآوری بعضی موارد، تقاضای رسیدگی به اقدامات خلاف قانون و حقوق انسانی علیه کلیمیان ایران را نموده و تقاضای رفع تعرض کرده‌اند.

هارون یشایایی

نامه سرگشاده

تاریخ: ۸۱/۱۱/۷
شماره: ۹۹۴۲

انجمن کلیمیان تهران به رئیس قوه قضائیه

حضرت آیت الله آقای سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس محترم قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

با سلام و احترام

چندی است شیوه برخورد با یهودیت و یهودیان در رسانه‌های عمومی کشور چون بعضی مطبوعات، کتب و رسالات گوناگون، شب‌نامه‌های مجعول، برخی برنامه‌های رادیو، تلویزیون، تهدیدهای تلفنی، فحش‌نامه‌های ارسالی و گاه حضوری به شکلی درآمد که موجب اضطراب و نگرانی جامعه کلیمیان ایران شده است. جدای از موضوع مبارزه با صهیونیست‌ها و اقدامات ظالمانه آنها که جامعه کلیمیان ایران خود پیشقدم این مبارزه بوده و در آن سهم می‌باشد، هر روز به نحوی مقالات تحریک‌آمیز با استفاده سلیقه‌ای و برداشت‌های جعلی و گزینشی از کتب دینی و نوشته‌های انبیای یهود منتشر می‌شود که نه فقط با اصول اعتقادی یهودیان و سایر ادیان الهی مطابقت ندارد بلکه عنوان نمودن و تاکید بر آن با شعارها، هدف‌ها و عملکرد نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیز در تضاد و معارضه می‌باشد و جامعه کلیمی ایران را با سابقه دیرپا و تاریخی زندگی در میهن خود و مشارکت مجدانه در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) و هشت سال دفاع مقدس، مأیوس و سرخورده می‌کند. در این نوشته‌های مغرضانه مبارزه ضد صهیونیستی مسلمانان و مردم شرافتمند جهان رفته رفته به شکل یک جنگ مذهبی بی‌حاصل تعریف می‌شود.

نویسندگان و ناشرین این گونه مطالب، گوئی از مبارزه با طاغوت و امپریالیست‌های امریکا و صهیونیست‌ها خسته شده و یا به دلایلی مایلند آن را به فراموشی سپارند و از این طریق نیروهای مبارز و انقلابی و افکار عمومی را به بیراهه و برخورد‌های تعصب‌آمیز افراطی دینی و فرقه‌ای بکشانند.

حضرت آیت‌الله شاهرودی!

مسئولین جامعه کلیمیان ایران برای این که درج این گونه مطالب از طرف مغرضین، دست‌آویز تبلیغاتی دشمنان ملت ایران قرار نگیرد، به گواهی ملاقات‌های متعدد با مسئولان نهادهای جمهوری اسلامی و ارسال نامه‌های متعدد به جرایدی که خود را مجاز به نوشتن هر مطلب دروغ و فتنه‌انگیزی دانسته و هرگز هیچکدام از جوابیه‌های کلیمیان را در صفحات خود درج نکرده و ابتدائی‌ترین حقوق این جامعه توحیدی را در پاسخگوئی نادیده گرفته‌اند، همواره شکیبائی خود را حفظ کرده‌اند.

ولی دروغ‌گویان و سفسطه‌بازان همچنان قصه‌های کهنه و ساختگی و سرا پا جعلی چون «ریختن خون در نان فطیر»، «زنای با محارم» و هزاران تهمت ناروای دیگر را در نشریات خود نثار یهودیان می‌کنند و مردم را به انتقام‌جویی و کشت و کشتار دعوت می‌نمایند.

همگان می‌دانند که این قصه‌های جعلی علیه یهودیان ساخته و پرداخته تفکر قرون وسطانی در اروپا است و هیچ مبنای حقیقی و منطقی ندارد و ملت بزرگوار ایران پذیرای خشم و نفرت قومی، نژادی و مذهبی نخواهد شد. تردید نیست که ما این مغرضین را از جمله نیروهای وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نمی‌دانیم، ولی نگرانی جامعه کوچک کلیمیان ایران هر روز بیشتر می‌شود که نکند خدای ناکرده این واکوردگان زمان بتوانند با تمهیداتی، اعتبار، نجات و آبروی ملت ایران را خدشه‌دار نمایند و با ایجاد محیط ناامن و رعب‌انگیز برای کلیمیان ایران، اهداف شوم دشمنان را عملی سازند.

حضرت آیت‌الله شاهرودی!

این نامه، ترجمان نگرانی شدید جامعه کلیمیان ایران نسبت به تعرضات و تبلیغات ضد فرهنگی و ضد یهودی برخی رسانه‌های کشور در سال‌ها و مخصوصاً در چند ماه اخیر است که متأسفانه حد و مرزی نمی‌شناسد و با گذشت زمان، نه تنها از حجم آنها کاسته نشده است، بلکه شدت نیز یافته و جهت حملات رسانه‌ها و برخی افراد بی‌مسئولیت و ستیزه‌جو متوجه اساسی‌ترین مقدسات دینی یهودیان شده و حتی حق حیات این جامعه به جرم «یهودی بودن» زیر سؤال رفته است.

این نوشته، نتیجه لبریز شدن صبر جامعه کلیمیان ایران در اثر توهین‌های روزمره اینگونه افراد و نهادهای ستیزه‌جو و فحاش می‌باشد، و ضمن دفاع از اصول و مبانی حقیقی اعتقادات دینی و فرهنگی یهودیت

وقتی که تاریخ مسلم یک دین
توحیدی، نادیده گرفته می‌شود،
وقتی که اسناد غیرقابل انکار
بزرگترین جنایت تاریخ معاصر به
وسیله نازی‌های هیتلری در روانه
ساختن میلیون‌ها نفر به اردوگاه‌های
مرگ، تماماً انکار شده و پوچ
انگاشته می‌شود، چگونه می‌توان
احترام به حقوق اقلیت‌های دینی
صاحب کتاب را یادآور شد؟

برای یهودیان، که طبعاً بخشی از آن مورد پذیرش غیریهودیان نمی‌باشد اما احترام به آنها - طبق تعالیم دینی اسلام، قانون اساسی و تمام اصول شناخته‌شده بشری - ضروری دانسته شده است، می‌خواهد روشن سازد که چرا اخیراً در کشور ما، بعضی افراد و جریان‌ها دفاع از حقوق مردم فلسطین را - که یکی از اصلی‌ترین مباحث و از اهم سیاست‌های نظام است - با نفی اعتقادات دینی یهودیان و زیر سؤال بردن حقوق شهروندان ایرانی کلیمی همراه ساخته‌اند...؟ مگر نه این است که گفتار امام راحل چراغ راه مسلمانان و مردم آزاده ایران و جهان است، مگر نه این که ایشان به صراحت فرموده‌اند «ما حساب جامعه یهود را از حساب صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم، آنها جزء اهل مذهب نیستند» (۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) و مگر نه این که تاکید فرموده‌اند «ما

همه در تحت لوای توحید مجتمع هستیم. ایران مال همه است و توحید مذهب همه است و مبداء و معاد ایده همه است و ما این مشترکات را داریم و ملت واحده هستیم و لازم است در مسائل ایران همه در صحنه باشیم» (۱۳۶۱/۸/۲۷).

پس چگونه است که سیل افتراهای و بی‌حرمتی‌ها به طرف یهودیان جهان به طور کلی و ایرانیان یهودی از طرف بعضی افراد سرازیر شده است؟

واقعاً چگونه است افرادی که نقل‌قول‌های مجعول را از کتاب‌های ناشناخته و بی‌اعتبار به عنوان برهان قاطع بازگو می‌کنند، اعتراض روزافزون یهودیان شرافتمند جهان را علیه بیدادگری ارتش اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی که هر روز در جهان و از جمله در خود کشور اسرائیل رخ می‌دهد و رسانه‌های خبری از جمله رسانه‌های میهنمان آن را منتشر می‌کنند، نادیده گرفته و سعی می‌کنند همه چیز را تیره و تاریک درون خود منعکس نمایند؟

مگر نه این که هر شهروندی موظف است خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی و قوانین مورد قبول آن متعهد سازد؟ گفتنی است که مواد ۱ و ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۱، ۳ و ۴ اعلامیه امحای تمامی اشکال ناپردياری و تبعیض مذهبی، به لزوم رعایت حقوق ملی و مذهبی یهودیان (صرفنظر از ملیت و تابعیت آنها) تاکید دارند و اصول ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۰ و ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) علاوه بر حقوق جهانی، بر حقوق ایرانیان یهودی نیز مهر تایید زده‌اند. به پاسخ حضرت امام راحل به یک روزنامه‌نگار خارجی توجه فرمائید:

- سؤال: ایرانی بودن یک موقعیت ملی مستحکمی را به وجود آورده است که تناقضات چندانی را بین اقلیت‌های مذهبی از قبیل یهودی‌ها، مسیحی‌ها و یا روحانیون اقلیت‌ها در ایران به وجود نیاورده است. در حکومت مورد نظر شما روابط بین این اقلیت‌ها چگونه خواهد بود؟

جواب: اسلامی بودن بیش از ایرانی بودن بین افراد ملت ایران روابط مستحکم برقرار کرده است. اقلیت‌های مذهبی نه تنها آزادند بلکه دولت اسلامی موظف است از حقوق آنان دفاع کند و دیگر این که هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد، مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذهب دیگر فرق ندارد.

(مصاحبه امام با روزنامه آلمانی ۵۷/۸/۲۴)

واضح است که محتوی و اساس اعتقادات یهود از زمان پیامبر اسلام، دچار تغییر اساسی نشده است و با توجه به علم پیامبر اسلام به ماهیت یهود، آن حضرت هرگز حکم به نابودی یا توهین و هتک حرمت یهودیان نفرمودند و کسانی که امروز پس از ۱۴۰۰ سال، تفسیر جدیدی از آیات قرآنی مبنی بر وعده الهی بر نابودی یهودیان ارائه می‌کنند، قاعداً نباید سختی با تعالیم پیامبر اسلام داشته باشند.

این نامه، ترجمان نگرانی شدید جامعه کلیمیان ایران نسبت به تعرضات و تبلیغات ضد فرهنگی و ضد یهودی برخی رسانه‌های کشور در سال‌ها و مخصوصاً در چند ماه اخیر است که متأسفانه حد و مرزی نمی‌شناسد و با گذشت زمان، نه تنها از حجم آنها کاسته نشده است، بلکه شدت نیز یافته و جهت حملات رسانه‌ها و برخی افراد بی‌مسئولیت و ستیزه‌جو متوجه اساسی‌ترین مقدسات دینی یهودیان شده و حتی حق حیات این جامعه به جرم «یهودی بودن» زیر سؤال رفته است

روش عملی پیامبر اسلام و ائمه و علمای شیعه در رابطه با یهودیان و مسیحیان که در وضعیت جنگ با آنها نبودند، نمونه بارز و آشکاری در آزادی برخورداری آنان از حقوق و مزایای اجتماعی است. پیامبر اسلام علاوه بر عقد پیمان‌های معروف با یهودیان مدینه (پیمان عمومی با مردم مدینه و پیمان عدم تجاوز با یهود یثرب)، با ایشان داد و ستد می‌کرد و از آنان وام می‌گرفت (بحارالانوار- ج ۱۸ - ص ۱۵). پیامبر در زراعت زمین‌های خبیر با یهودیان شریک شد (احکام اهل‌الذمه- ج ۱ - ص ۱۸۳).

سیره حضرت علی و سایر ائمه نیز همین بود. امیرمومنان در امور کشاورزی، شریک زمین می‌شد و در سایر روابط اقتصادی نیز فرقی میان زمین و مسلمانان قائل نمی‌شد (حقوق اقلیتها - ص ۱۹۸). امیر مومنان به عاملان خراج توصیه می‌کرد مبادا مسلمان یا یهودی یا نصاری را برای درهمی خراج مورد ضرب و شتم قرار دهند (بحارالانوار- ج ۴۱ - ص ۱۲۸). امام باقر و امام صادق توصیه می‌کردند: اگر با یهودی همنشین شدی، با او به نیکی معاشرت کن (بحارالانوار- ج ۴ - ص ۱۵۹).

از پیامبر نقل شده که فرمود: «کسی که فردی از زمین را بیازارد از من و پیروان من نیست».

نیز از رسول اسلام روایت شده است که فرمود: «احفظونی فی ذمتی» - «خاطر مرا در پیمانهایم با اهل ذمه حفظ نمایید» (الاحکام السلطانیه، ماوردی، ص ۱۳۸).

اما وقتی که کتب آسمانی و تعلیمات شرعی پیروان پیامبر اولوالعزم الهی به تمسخر و توهین آلوده شود، چگونه می‌توان رعایت حرمت مقدسات دینی و پیروان توحید را انتظار داشت؟

وقتی که تاریخ مسلم یک دین توحیدی، نادیده گرفته می‌شود، وقتی که اسناد غیرقابل انکار بزرگترین جنایت تاریخ معاصر به وسیله نازی‌های هیتلری در روانه ساختن میلیون‌ها نفر به اردوگاه‌های مرگ، تماماً انکار شده و پوچ انگاشته می‌شود، چگونه می‌توان احترام به حقوق اقلیت‌های دینی صاحب کتاب را یادآور شد؟

هنگامی که تورات، کتاب مقدس یهود و مسیحیت، با بدترین الفاظ، بازیچه قلم و زبان خشک‌اندیشان به ظاهر متدین قرار می‌گیرد، آیا می‌توان سخنان امام علی (ع) را به یاد نیاورد که فرمودند:

«من در میان پیروان تورات به توراتشان... قضاوت می‌کنم» ؟

از سوی دیگر، نسبت دادن تمام صفات و خصایص خاص، منفی، به یک قوم و جامعه، هیچگونه تفاوتی با نژادپرستی یا نژادستیزی ندارد. نمی‌توان از یک سو، هرگونه آپارتاید و نژادپرستی را محکوم و تقبیح کرد و از سوی دیگر، تمام اعضای یک جامعه دینی - مثل یهود - را واجد خصوصیات قبیح و در عین حال ذاتی و غیرقابل تغییر دانست. در یک کلام، یهودستیزی، ترجمان دیگر نژادپرستی است، در حالی که به فرموده خداوند در قرآن افراد به ایمان و عملشان قضاوت می‌شوند:

« لیسوا سواء من اهل الکتاب امه قائمه یتلون ایت الله اناء اللیل و هم یسجدون. یومنون بالله والیوم الآخر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یسرعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین »

« همه اهل کتاب، یکسان نیستند، گروهی از آنان درست گردانند که آیات الهی را در دل شب می‌خوانند و سر به سجده می‌نهند. به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند و در کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنان از شایستگانند » (آل عمران - آیات ۱۱۳ و ۱۱۴)

دروغگویان و فسفسطه‌بازان

همچنان قصه‌های کهنه و ساختگی و سرا پا جعلی چون «ریختن خون در نان فطیر»، «زنای با محارم» و هزاران تهمت ناروای دیگر را در نشریات خود نثار یهودیان می‌کنند و مردم را به انتقام‌جویی و کشت و کشتار دعوت می‌نمایند

«... لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجا ولو شاء الله لجعلکم امه واحده ولکن

لیلوکم فی ما آتیکم فاستبقوا الخیرات الی الله مرجعکم جمیعاً فینبئکم بما کنتم فیہ تختلفون »

« برای هر یک از شما امت‌ها شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد، ولی خواست تا شما را در آنچه به شما داده‌است بیازماید. پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت بگیرید. بازگشت همه شما به سوی خداست. آنگاه درباره آنچه در آن اختلاف می‌کردید، آگاهتان خواهد کرد » (مائده - ۴۸)

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی!

جامعه یهودی ایران، ضمن اعلام مجدد وفاداری به ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران و سعی در انجام وظایف شهروندی خود و آمادگی خدمت به کشور، با پاسداشت ارزش‌های ملی ایران و مذهبی یهود، با در نظر داشتن اقدامات مثبت و چشمگیر انجام شده در زمینه استقرار و نهادینه شدن حقوق اساسی شهروندان ایرانی، و در کنار نگاه واقع‌بینانه به مشکلات متعدد سیاسی - اجتماعی موجود در عرصه‌های ملی و بین‌المللی پیش روی میهن عزیز، مصرانه خواهان رفع تعرضات تبلیغاتی مغرضانه علیه جامعه یهودی و پیگیری مطالب مندرج در این نامه و اقدام سریع و جدی نسبت به رفع توهین و هجمه فرهنگی علیه مقدسات دینی خود بوده و بر این باور است که چشم‌پوشی یا تعلل در برابر مسئولان، تهیه‌کنندگان و نویسندگان چنین مطالبی - حداقل در موارد مشخصی که ذکرشان در نامه پیوست آمده است - امنیت اجتماعی شهروندان کلیمی را شدیداً و بیش از پیش به خطر خواهد انداخت.

جامعه کلیمیان ایران تمام حقوق قانونی خود را برای دفاع از حق شهروندی و زیستن در میهن عزیز خود ایران محفوظ می‌دارد. ما یهودی هستیم و می‌خواهیم یهودی باقی بمانیم ولی این یهودی بودن با عشق به ایران و ایرانیان عجین شده است. ما می‌خواهیم هجوم تبلیغاتی علیه دین یهود و یهودیان ایران متوقف گردد، افتخار ما این است که تسلیم توطئه‌های صهیونیستی برای کوچیدن به امریکا و اسرائیل نشده‌ایم و مسلماً بی‌خردان کم‌مایه نخواهند توانست ما را از میهنمان نفی بلد کنند و به گوشت دم توپ ارتش اسرائیل تبدیل نمایند.

به پیوست، مواردی از هجوم بی‌سابقه بعضی مطبوعات و نوشته‌ها که مصداق توهین به یهودیان و اعتقادات آنها و موجب تحریک و تهدید شهروندان ایرانی کلیمی هستند، تقدیم می‌گردد.

با احترام

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران:

یهودا آصاف - پرویز اهویم - جهانگیر جواهری - کاوه دانیالی - فیض‌اله ساکت‌خو - آقاجان شادی - پرویز شب‌بوئی - فریدون طوبی - اسحق کهن‌صدق - حمیده مسجدی - اسکندر میکائیل .

نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی:

موریس معتمد

رئیس انجمن کلیمیان تهران:

هارون یشایایی

پیوست: برخی نمونه‌های تبلیغات سوء علیه یهودیان

- ۱- روزنامه جمهوری اسلامی در خبری کذب در ستون «جهت اطلاع» مورخ ۸۱/۲/۱۴ اظهار داشت که یهودیان، خون انسان را در غذای شب عید خود می‌ریزند و آن را یک عادت قدیمی یهودیان دانست.
- ۲- روزنامه نوروز مورخ ۸۱/۴/۱۶ در ستون «پرسش و پاسخ‌های اینترنتی» برپایی رستاخیز را منوط به نابودی یهودیان به دست مسلمانان اعلام کرد.
- ۳- روزنامه جام جم مورخ ۸۱/۹/۵، به دروغ چنین نوشت که «متون یهودی از ملت‌های غیریهود، با عنوان «گویم» یاد می‌کند که در زبان عبری معانی گوناگونی چون [...] دارد» (از ذکر نام آنها خودداری شده است). لازم به ذکر است که تنها معنای این لغت که در تمام فرهنگ‌های لغت عبری مندرج است و متن تورات نیز طبق آن معنا ترجمه می‌شود، «امت‌ها» و «قوم‌ها» می‌باشد و مابقی عبارات، باورهای بی‌پایه و اساس نویسنده مقاله است.
- ۴- هفته نامه یالتارات الحسین، ارگان انصار حزب‌الله، در شماره ۲۰۴ مورخ ۸۱/۹/۶، در گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابوالفتح دعوتی، این عبارت تحریک‌آمیز را تیتیر نمود: «برطبق وعده الهی، فلسطین جهنم قوم یهود خواهد شد». وی ضمن بیان انواع توهین‌ها به ملت یهود، اظهار می‌دارد که: «وعده هلاکت نهایی یهود در سوره اسراء، فردای معراج پیامبر داده شده است». همین هفته‌نامه در شماره ۲۱۲ مورخ ۸۱/۱۱/۲ در تشریح دوباره موضوع، اعلام نموده است: «... صهیونیست‌ها، برای اینکه برادران یهودی خود را از عواقب کارهای خود در امان بدارند و اقلیت‌های یهودی بتوانند در سایر ممالک، آزادانه آمد و رفت کنند و فعالیت کنند، حساب خودشان را از یهودیان جدا کردند و نام صهیونیست را برای خود انتخاب کردند، که این یک حيله و ترفند می‌باشد...» و با این اظهار نظر، همه یهودیان را جزء صهیونیست‌ها محسوب کرده و حتی کلام حضرت امام (ره) را درباره تفکیک صهیونیسم و یهودیت، نفی می‌نماید.
- ۵- روزنامه کیهان در سرمقاله مورخ ۸۱/۹/۷ خود اعلام می‌دارد: «آنان [یهودیان صهیونیست] را در هر کجا که یافتید، بکشید و از آنجا که شما را رانده‌اند، اخراجشان کنید» که موجب تشویش افکار خوانندگان خود می‌شود.
- از اینکه ملاک تفاوت میان یهودی و صهیونیست چیست و مسلمانان چگونه بدون تحقیق و مراجعه به دادرگاه عادل، باید، طبق حکم خدا، امنیت یهودیان را در هر نقطه جهان و در هر شغل و منصبی که هستند به خطر اندازند، هیچ ذکری به میان نمی‌آید. روشن است که زدن برجسب صهیونیست، امری است آسان و دستمایه‌ای برای تسویه حساب‌های شخصی و اعمال جنایت علیه پیروان دین حضرت موسی که بعضی افراد موذیان آن را تشویق می‌کنند.
- همین روزنامه در مقاله‌ای با عنوان «سنت‌های الهی و قداس‌های دینی» (مورخ ۸۱/۹/۱۹) اظهار امیدواری می‌کند که خداوند به زودی قوم یهود را «به سختی مجازات» خواهد نمود.
- ۶- هفته‌نامه حریم چندین ماه است که در سلسله باورقی‌های هفتگی خود تحت عنوان «با یهود و تورات آشنا شویم»، از صدر تا ذیل مقدسات و مندرجات کتب مقدس یهود را جمل نموده و انواع توهین‌ها و عبارات ناروا را به کلام خدا در این متون نسبت می‌دهد و به تمسخر جمله به جمله آیات آن می‌پردازد. این نشریه در شماره اخیر خود (شماره ۶۷ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۳۰) در باورقی مذکور با تیتیر «بنی اسرائیل: قوم جنایت و کشتار»، با گستاخی تمام اعلام کرده است که: «... مکتب بنی اسرائیل بیش از آنکه مکتب دینی و اعتقادی باشد، مکتب جنایت، خشونت، کشتار، غارت و سوزاندن است. مکتبی است که صلح، آشتی، تعهد، احترام به حقوق دیگران و ... در آن یافت نمی‌شود...». این مقاله، در پایان دوباره به نقل قصه کذب «ریختن خون انسان در غذای شب عید یهودیان» پرداخته است.
- ۷- در بولتنی که اخیراً توسط بسیج دانشجویی دانشگاه شیراز با عنوان «تلمود، سند نژادپرستی یهود» تهیه، تکثیر و در مدارس مختلف شهر شیراز توزیع گشته است، بدترین عبارات و صفات از قول یهود بنابر برداشت و سلیقه شخصی نویسنده به خداوند و پیامبران نسبت داده شده است.
- مواردی از توهین‌های مذکور در این بولتن نسبت به پیامبران یهود عبارتند از:
 - «با زنان نامحرم زنا می‌کنند» - «با دختران خود زنا می‌کند» - «مردم را قریب می‌دهند و آنها را می‌کشند و زنان آنها را به همسری درمی‌آورند» - «قلیهایشان به جانب بت متمایل می‌شود» - «برای پرستش بت‌ها، خانه می‌سازند» - «ستمکار هستند و به کشتار کودکان و افتادگان و گاووان و گوسفندان فرمان می‌دهند»، که تمام موارد فوق، درک شخصی نویسنده است.
- همچنین در این بولتن به دروغ از قول تلمود به مسلمانان توهین شده است (در حالی که تلمود قبل از اسلام تدوین شد). نیز، اتهام بی‌اساس و غیرقابل قبول خوردن خون انسان‌ها در اعیاد مذهبی به یهودیان نسبت داده شده است.
- ۸- در بروشوری که تحت عنوان «تلمود؛ تعلیم دیانت و آداب یهود» با آرم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سطح وسیع توزیع گشته است، همانند بند ۷، با شکلی دیگر انواع تهمت‌ها و نقل قول‌های کذب و تحریک‌آمیز به تلمود و آیین یهود نسبت داده شده است. به عنوان مثال گفته شده است که از میان صفحات تلمود، «بوی خون، بوی رذالت و زوال عقل به مشام می‌رسد»، و یا «دین یهود پایه‌گذار ظلم و فساد در جهان است». یادآوری این نکته ضروری است که تلمود بر خلاف آنچه که گفته شده است، کتاب آسمانی یهودیان نیست، بلکه مجموعه‌ای عظیم از مباحثات فقهی، کلامی و گفتگوهای آزاد علمای دین یهود طی حداقل ۴۰۰ سال است که در مواردی متعدد، آرای گروهی از علما توسط گروهی دیگر، نقی شده است.
- ۹- در نمایشگاه «زیتون سرخ» که به مناسبت روز قدس از ۸۱/۹/۸ به مدت یک هفته در محل سفارت سابق آمریکا برپا شد، تمام تاریخ یهود و بیت‌المقدس جعل و تحریف شد، هویت یهودی از آن کاملاً زدوده شد و تمام نسبت‌های ناروا به قوم یهود نسبت داده شد. تمام علائم مقدس یهود مانند پستاره حضرت داوود و شمعدان هفت شاخه (که سمبل قداس‌ت معبد بیت‌المقدس است) مورد استهزا و توهین قرار گرفته‌اند.
- ۱۰- در سریال معروف مریم مقدس که فیلم سینمایی آن نیز اکران گسترده یافت، روحانیون یهودی افرادی خبیث و بی‌انصاف نموده شدند و از کلیه سمبل‌های مقدس یهود در جهت کریه جلوه دادن این شریعت سوءاستفاده شد. در سریال دیگری با نام «چشمان آبی زهرا» که تابستان ۸۱ از شبکه سوم سیما پخش شد، پزشکان و مردم یهودی، همگی جنایتکارانی تلقی می‌شوند که چشمان یک دختر فلسطینی را از حلقه درمی‌آورند و در تمام صحنه‌های وقیح این سریال، علامت‌ها و نشانه‌های یهودی، مرتب به نمایش گذارده می‌شوند تا ارتباط میان این مقدسات و آن جنایت‌ها کاملاً در اذهان عمومی نهادینه گردد. در حالی که به روایات گوناگون، پزشک یهودی همیشه مورد اعتماد مسلمانان و اولیای دین اسلام بوده است.
- ۱۱- چاپ مجدد کتاب «پروتکل‌های سران صهیون»؛ در حالی که اکثر اندیشمندان و محققان جهان، این متن را جعلی و دست ساخته پلیس روسیه تزاری جهت سرکوب یهودیان می‌دانند و نیز باور کردن مندرجات آن، بسیار ساده‌لوحانه می‌نماید، در سال‌های اخیر چندین بار این کتاب در تیراژهای بالا به چاپ رسیده است و اخیراً نام آن به «پروتکل‌های رهبران یهود برای تسخیر جهان» تغییر یافته است که ماهیت ضدیهودی آن کاملاً آشکار می‌گردد. ■

اخبار و رویدادهای داخلی

افتتاح بارگاه بازسازی شده ملا مُشه هَلوی در کاشان



حاجام مُشه هَلوی، از روحانیون و علمای برجسته یهودیان ایران در حدود ۴۰۰ سال پیش بوده است که از اسپانیا به ایران آمد و در سال ۵۳۶۰ عبری (حدود ۱۶۰۰ میلادی) در کاشان درگذشت. وی که به عنوان پایه‌گذار مکاتب مذهبی نوین یهودی در ایران شناخته می‌شود، در نظر کلیمیان ایران و به ویژه یهودیان کاشانی از ارج و احترام ویژه‌ای برخوردار است و هر ساله عده کثیری از کلیمیان متدین کاشان جهت ادای نذر و برآورده شدن حاجات بر سر مزار آن روحانی بزرگوار می‌روند.

بارگاه ملا مُشه هَلوی تاکنون از وضعیت مناسبی برخوردار نبود و در یک فضای باز قرار گرفته بود. از سال گذشته و با اختصاص بودجه‌ای از طرف یکی از خانواده‌های ایرانی یهودی و خیر مقیم خارج از کشور به نام خانواده الیاهو بن داود آلیانس کاشانی، انجمن کلیمیان تهران اقدام به بازسازی و احداث آرامگاهی شایسته مقام آن حاجام عالیمرتبه نمود. تجدید بنای این زیارتگاه با همت آقایان شادی (عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان و شورای کنیسای یوسف‌آباد تهران) و همکاری شهرداری کاشان، آذرماه گذشته به پایان رسید.

به همین مناسبت، هیئتی از مسئولان کلیمی با همراهی رئیس انجمن کلیمیان و نماینده کلیمیان در مجلس، در سفری به کاشان، مراسم افتتاح ساختمان جدید این زیارتگاه را برگزار کردند.

هیئتی از مسئولان آموزش دینی یهودیان اصفهان نیز به سرپرستی شاهرخ پاکنهاد، در این مراسم حضور یافتند و به اجرای آیین ویژه مذهبی و قرائت دعای آمرزش برای «هاراو ملا موشه هَلوی» پرداختند.

در ملاقات هیئت کلیمی عنوان شد رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: مسئولین نظام اصلاً راضی به توهین علیه کلیمیان نیستند

روز یکشنبه ۱۰ دی ماه با هماهنگی نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی، یک هیئت کلیمی به همراه جناب حاجام یوسف همدانی کهن، با آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام دیدار و گفتگو کرد.



در این دیدار، ابتدا مهندس موریس معتمد، نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی، ضمن ارائه تاریخچه مختصر حضور و فعالیت‌های کلیمیان ایران، مواردی از مشکلات جاری جامعه یهودی ایران را برشمرد و به ویژه بر هجمه تبلیغاتی اخیر رسانه‌ها و مطبوعات کشور علیه مقدسات کلیمیان تأکید نمود. در ادامه، هارون یشایایی، رئیس انجمن کلیمیان، مواردی از مصادیق توهین به یهودیت را عنوان و پس از ذکر اثرات آن بر رابطه میان جامعه مسلمان و یهودی ایران، به نظر امام خمینی (ره) درباره تفکیک صهیونیسم و پیروان دین حضرت موسی اشاره کرد.

آیت‌الله رفسنجانی نیز، پس از معارفه با اعضای هیئت کلیمی و گفتگویی دوستانه با حاجام کهن، از وضعیت پیش آمده درباره توهین به یهودیان و مقدسات آنها اظهار تأسف کرد و اعلام داشت که مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه تحقیر و توهین به ادیان، از جمله یهودیت و پیروان آن، را نمی‌پذیرند و این جزء مبانی اصلی ارکان نظام است. وی اظهار داشت که در ابتدای انقلاب و در زمانی که احساسات انقلابی به اوج خود رسیده بود و علیرغم برخی فشارها، با پافشاری مسئولان نظام، حفظ حقوق اقلیت‌های دینی در اصول قانون اساسی گنجانده شد و تا امروز نیز ملاک عمل قرار می‌گیرد.



مذهبی» برگزار کردند. همچنین دانش‌آموزان اقلیت برنامه‌های هنری و نیایش برگزار کردند.

* حضور کلیمیان در جشن دهه فجر وزارت ارشاد

به دعوت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جمعی از مسئولان و شخصیت‌های دینی و فرهنگی جامعه کلیمی در ضیافت جشن دهه فجر این وزارتخانه حضور یافتند. در این مراسم که بعدازظهر دوشنبه ۱۴ بهمن ماه در هتل انقلاب برگزار شد، علاوه بر وزیر و معاونان وزارت ارشاد، روحانیون اقلیت‌های دینی و مسئولان نهادهای فرهنگی کشور نیز حضور داشتند.

در ابتدای مراسم، پس از خوشامدگویی سعید تقوی، مسئول اداره امور اقلیت‌های دینی، علی‌اصغر رمضانپور، معاونت فرهنگی وزارت با اشاره به اعتقادات توحیدی که نقطه اشتراک اقلیت‌ها با ملت ایران است، تلاش برای ایجاد رابطه نزدیک فرهنگی وزارتخانه با هموطنان سایر ادیان را از اقدامات این معاونت برشمرد و خواستار فعالیت نهادهای فرهنگی برای شناسایی و گفتگوی میان آیین‌های ادیان مختلف و پیروان آنها شد. سپس، دکتر دبستانی، نماینده زرتشتیان در مجلس، از طرف کلیه نمایندگان اقلیت‌های دینی، بیست و چهارمین سالگرد انقلاب را تبریک گفت و ضمن تقدیر از رئیس جمهور برای تشکیل کمیته ویژه پیگیری مشکلات اقلیت‌ها به ریاست حجت‌الاسلام ابطی، اظهار داشت که اقلیت‌های دینی همانند نیاکان خود، کمر همت برای خدمت و آبادانی ایران بسته‌اند.

هارون یشایایی، سخنران دیگر این مراسم، پس از بررسی اجمالی فراز و نشیب‌های هر انقلاب، تنوع فرهنگی مذهبی و روحیه تحمل و مدارا را شاخصه ملت ایران دانست. رئیس

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در بخشی از صحبت‌های خود گفت: طبیعی است که شدت مبارزات ضد اسرائیلی، تبعاتی به دنبال دارد که فشار بر جامعه یهودی ایران نمونه‌ای از آن است. وی افزود: ما واقعا نمی‌خواستیم که اقلیت‌ها از ایران مهاجرت کنند یا به آنها ستم شود و اکنون هم نمی‌خواهیم، اما این از تبعات انقلاب است و امیدواریم روزی شرایط چنان شود که همه ایرانیان به کشور بازگردند.

هاشمی رفسنجانی در ادامه، دربارهٔ موارد حقوقی مطرح شده از سوی نماینده کلیمیان در مجلس و رئیس انجمن کلیمیان، قول مساعدت و پیگیری داد و در پایان صحبت‌های خود، اظهار امیدواری کرد که مسئله فلسطین به زودی حل شود.

دکتر ابراهیم برال، دکتر منصور شاریم، دکتر جهانگیر جواهری، دکتر رحمت‌اله رفیع، فیض‌اله ساکت‌خو، فرنگیس حصیدیم، حمیده مسجدی، فرح داورپناه، ادموند معلمی و آرش آبانی از دیگر حاضرین این جلسه بودند.

یهودیان زندانی در شیراز آزاد شدند

آخرین یهودیان زندانی در شیراز، از سوی مقام معظم رهبری مورد عفو قرار گرفتند.

روز پنجشنبه اول اسفند ماه ۸۱ همزمان با عید غدیر خم پنج تن زندانی یهودی باقیمانده در زندان شیراز به طور مشروط آزاد شدند. این پنج یهودی از سال ۷۸ در زندان به سر می‌بردند.

برنامه‌های ستاد دهه فجر جامعه کلیمیان

* دیدار با رئیس مجمع تشخیص مصلحت و ریاست جمهور: در تاریخ‌های ۲ و ۹ بهمن ماه با حضور مسئولین ستاد دهه فجر کشور، هارون یشایایی، اسکندر میکائیل، فرهاد افرامیان، جهانگیر جواهری و بیژن آصف از طرف جامعه کلیمیان با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و حجت‌السلام محمد خاتمی ملاقات کردند.

* اهدای تاج‌گل و ادای احترام به امام خمینی (ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

* در این مراسم که روز جمعه ۱۱ بهمن، برگزار شد، نمایندگان همه اقلیت‌های دینی ایران حضور داشتند و جامعه کلیمیان نیز به همراه هیئت متشکل از مسئولین جامعه و جمعی از روحانیون مذهبی در این مراسم شرکت کرد. همچنین شاهرخ پاکنهاد و پرویز زرینکام به نمایندگی از روحانیون دینی اصفهان و شیراز این هیئت را همراهی کردند.

* روز شنبه ۱۲ بهمن ماه در مدرسه فیروزبهرام همزمان با مدارس سراسر کشور دانش‌آموزان کلیمی نیز در کنار دیگر دانش‌آموزان مراسم زنگ انقلاب را، با عنوان «زنگ انقلاب و اقلیت‌های

* حضور کلیمیان اصفهان در جشن دهه فجر

کلیمیان اصفهان با برپایی مراسم و جشن‌های مختلف سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را جشن گرفتند. در مراسمی که از سوی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان و با حضور کلیمیان اصفهان به همین مناسبت برگزار شد سید محمود حسینی استاندار اصفهان با اشاره به سابقه حضور ادیان مختلف در اصفهان گفت: همزیستی پیروان ادیان الهی در شهر اصفهان که با صلح و دوستی در کنار یکدیگر به زندگی ادامه می‌دهند، می‌تواند بهترین الگو برای همزیستی دینی در سطح جهانی باشد. استاندار اصفهان در ادامه گفت: در اصفهان اقوام گوناگون و پیروان ادیان الهی با تسامح و تحمل بیشتر از سایر نقاط کشور کنار یکدیگر به زندگی پرداخته‌اند. حسینی یادآور شد: میراث فرهنگی گرانها و آثار تاریخی ارزشمندی که امروزه از آن برخوردار هستیم حاصل دانش، تجربه، فن و همت همه اقوام و پیروان الهی در این شهر است.

وی افزود: در این شهر پرستشگاه‌های ادیان زرتشتی، کلیمی، مسیحی و مسلمان وجود دارد که برای کشور به عنوان یک الگو مطرح بوده است. در ادامه مراسم شاهان ساهاکیان و سلیمان ساسون به عنوان نمایندگان دو اقلیت مسیحی و کلیمی اصفهان بیست و پنجمین سالگرد انقلاب اسلامی را تبریک گفتند. این مراسم، هر ساله توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان با حضور اقلیت‌های دینی کلیمی، مسیحی و زرتشتی برگزار می‌شود. هم‌اکنون کلیمیان و مذاهب زرتشتی و ارمنی به عنوان اقلیت‌های رسمی در شهر اصفهان زندگی می‌کنند.

* دیگر برنامه‌ها :

مراسم جشن سازمان بانوان یهود (دوشنبه ۱۴ بهمن)، جشن کمیته جوانان کلیمی (شنبه ۱۹ بهمن) در تالار محبان، مراسم کانون فرهنگی هنری اجتماعی در مجتمع سرابندی، مراسم جشن سازمان دانشجویان یهود ایران (پنجشنبه ۱۷ بهمن) در محل سازمان و برگزاری مسابقات ورزشی از جمله برنامه‌های نهادهای کلیمیان تهران بوده است. انجمن‌های کلیمیان شهرهای اصفهان و شیراز نیز در بزرگداشت بیست و چهارمین سالگرد انقلاب مراسمی برگزار کردند. حضور مسئول ستاد دهه فجر کلیمیان در مراسم بزرگداشت شهدای اقلیت‌ها در گورستان ارامنه (پنجشنبه ۱۷ بهمن)، مراسم دعا و نیایش برای سرافرازی و موفقیت مسئولین نظام و سربلندی ملت ایران در کنیسه‌های ایران (جمعه و شنبه ۱۸ و ۱۹ بهمن) و شرکت در مراسم روز ۲۲ بهمن در میدان آزادی تهران، پایان‌بخش فعالیت‌های ستاد دهه فجر کلیمیان (با همت بیژن آصف و قریه افرامیان) بود.

انجمن کلیمیان تهران به فشار محافل صهیونیستی از خارج و فشار متحجرین از داخل بر جامعه یهودی ایران اشاره کرد و اظهار داشت که یهودیان ایران - برخلاف جوامع یهودی کشورهای عربی که پس از تحولات مشابه انقلاب ایران، کاملاً ریشه‌کن شدند - علیرغم کاهش جمعیت، انسجام و تشکل خود را حفظ کرده و حتی بیش از گذشته به ارزش‌های دینی خود روی آوردند. یشایایی سخنان خود را با کلام امام در سال ۱۳۶۱ خطاب به نماینده کلیمیان به پایان رساند که فرمودند: «... توحید مذهب همه ماست و ما ملت واحد هستیم».



در ادامه مراسم، احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با اظهار خوشوقتی از حضور در میان فرهیختگان اقلیت‌های دینی، در بخشی از سخنان خود اعلام کرد که سیاست‌های دولت بر استفاده از نخبگان - صرف‌نظر از دین و قومیت - قرار دارد و اظهار امیدواری کرد که در آینده، همه نخبگان ایرانی - به ویژه در حوزه ادیان توحیدی - به وطن بازگردند.

مسجدجامعی در ادامه، گزارشی از فعالیت‌های فرهنگی وزارت ارشاد در حوزه فرهنگی ادیان ارائه و بر این نکته تاکید نمود که اگر موفقیتی در حوزه فرهنگ حاصل می‌گردد، مسلماً نتیجه مشارکت همه ایرانیان - در هر گروه قومی و عقیدتی - است. در این مراسم، گروه کر مشترک اقلیت‌ها، در چند نوبت به اجرای سرود پرداخت. همچنین، فرنگیس حصیدیم، مدیر بیمارستان دکتر سپهر و رئیس سازمان بانوان یهود، به عنوان زن نمونه کلیمی جایزه ویژه‌ای از وزیر ارشاد دریافت کرد.



دوره آموزشی حقوق بشر ویژه جوانان را در روز جهانی حقوق بشر برگزار کرد.

در این مراسم که سه‌شنبه ۱۹ آذر با حضور دکتر محمدرضا تاجیک، مشاور سیاسی رئیس‌جمهور و رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، برگزار شد، یک هیئت کلیمی نیز حضور داشت.



کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد، در پیامی که به این مناسبت ارسال داشت اعلام کرد:

«...یکی از برجسته‌ترین میراث‌های سده گذشته، گسترش پیکره حقوق بین‌الملل در زمینه‌های بشردوستانه، پناهندگان، قوانین حقوق کیفری و حقوق بشر بود که اگر در کنار هم به گونه‌ای مناسب درک و اجرا شوند، می‌توانند در خدمت حفاظت از فرد علیه بی‌عدالتی، رفتار مستبدانه و نقض امنیت اساسی درآیند...»

«در این روز حقوق بشر، از تمامی دولت‌ها، جوامع و افراد می‌خواهم تا به اعمال جهانی حاکمیت قانون متعهد گردند. اجازه دهید تا تضمین نمایم هرگز به این میراث ارزشمند بی‌توجهی نخواهیم کرد. اجازه دهید تا با پرورش، توسعه و تقویت این میراث از آن دفاع کنیم. در این روز، اجازه دهید تا بار دیگر خود را وقف این رسالت کنیم.»

همچنین، اقلیت‌های مذهبی ایران در قالب کمیته‌ای از سازمان دفاع از قربانیان خشونت، بیانیه مشترکی را صادر کردند که توسط هارون یشایایی، رئیس انجمن کلیمیان تهران قرائت شد. متن این بیانیه بدین شرح است:

روز دهم دسامبر مصادف با ۱۹ آذر روز جهانی حقوق بشر را در حالی گرامی می‌داریم که هنوز در اقصی نقاط جهان حقوق انسان‌ها به انحاء گوناگون مورد تهدید و تعرض قرار می‌گیرد.

همچنین انجمن کلیمیان تهران به مناسبت ۲۲ بهمن سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران بیانیه‌ای صادر کرد که در آن آمده است:

جامعه کلیمیان ایران با گرامیداشت بیست‌و‌چهارمین سالگرد انقلاب و با درود به روان پاک امام راحل (ره) و شهدای انقلاب و به ویژه شهدای اقلیت‌های دینی با شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن ماه به سیل خروشان سایر هموطنان خود می‌پیوندد.

جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز کلیمی

مراسم تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز کلیمی به همت و تلاش کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان در محل تالار مجبان برگزار شد. به علت بالا بودن آمار دانش‌آموزان ممتاز، مراسم امسال در چهار شب (۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۳۰ آبان‌ماه) به تفکیک مقاطع سنی برگزار گردید.



در این مراسم علاوه بر اولیای دانش‌آموزان، هیئت مدیره انجمن کلیمیان، اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان و کادر مدارس اختصاصی کلیمیان به همراه معلمان دینی و نیز نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی نیز حضور داشتند.

از نکات قابل توجه در این مراسم، اجرای برنامه توسط دانش‌آموزان بود که با استقبال حاضرین در سالن روبرو گردید. نسترن اقبالی، سبا گرامی و نوید هایگانی مجریان مراسم دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و سارا حی مجری مراسم تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز دوره دبیرستان بودند.

مدیریت و برنامه‌ریزی این مراسم به عهده فرهاد افرامیان بود. ضمن آن که کلیه پرسنل انجمن کلیمیان و کمیته فرهنگی، کتابخانه، اعضای نشریه بینا و نیز اعضای خانه جوانان یهود تهران در ثبت‌نام، تهیه جوایز، تنظیم تقدیرنامه‌ها و نیز انتظامات همکاری کردند.

همایش روز جهانی حقوق بشر

سازمان دفاع از قربانیان خشونت با همکاری مرکز اطلاعات همگانی ملل متحد و فرهنگسرای قانون (ابن‌سینا)، مراسم افتتاحیه

جلسه کمیسیون حقوق بشر اسلامی

پنجمین گردهمایی تخصصی «بررسی وضعیت حقوق بشر در قوه مجریه جمهوری اسلامی» روز شنبه ۳۰ آذر ماه در هتل مرمر تهران برگزار شد.

به دعوت محمدحسن ضیایی فر، دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی، یک هیئت کلیمی نیز در این گردهمایی حضور یافتند. در این جلسه که نمایندگان وزارتخانه‌ها گزارش فعالیت‌های خود را در حوزه رعایت حقوق بشر ارائه دادند، مهندس معتمد کلیمیان نیز در نشست‌های مختلف این گردهمایی، موارد متعدد نقض حقوق شهروندی یهودیان ایران را تشریح کرده و با نمایندگان وزارتخانه‌های مربوطه و نیز دبیر کل کمیسیون و سایر حقوق‌دانان حاضر به بحث و تبادل نظر پرداختند و مواردی نیز جهت پیگیری، مشخص شدند. در این جلسه، هیئت کلیمی اعتراض شدید خود را درباره بی‌حرمتی و توهین به مقدسات دینی خود ابراز نمود.

اورشلیم: شهر صلح

کشتار بی‌گناهان را متوقف کنید

جامعه کلیمیان تهران به منظور اعلام انزجار از هرگونه رفتار خشونت‌آمیز در سرزمین مقدس روز جمعه ۸ آذرماه همراه با آحاد مردم ایران در راهپیمایی روز قدس شرکت کردند.

در این راهپیمایی که به همراه نماینده جامعه کلیمیان در مجلس شورای اسلامی برگزار شد، جمعی از جوانان کلیمی نیز حضور داشتند و با حمل پلاکاردهایی با مضمون «اورشلیم شهر صلح: کشتار بی‌گناهان را متوقف کنید» (به سه زبان فارسی، انگلیسی و عبری) و «جامعه کلیمیان ایران روز قدس را گرامی داشته و اعمال شارون را محکوم می‌کنند»، اعمال جنایتکارانه را در اسرائیل و فلسطین محکوم کردند.

همچنین در آستانه روز قدس، جامعه کلیمیان ایران، بیانیه‌ای در محکومیت اعمال زور و ریختن خون بی‌گناهان صادر کردند که در تریبون نماز جمعه تهران نیز به آن اشاره شد. در این بیانیه آمده است:

«جامعه کلیمیان ایران همراه با سایر هموطنان و مسلمانان و مردم آگاه و شرافتمند جهان با شرکت در راهپیمایی روز جهانی قدس، یکبار دیگر وظیفه و تعهد خود را در دفاع از حقوق مردم فلسطین، مسلمانان جهان و قداست قدس شریف اعلام می‌دارد.

...قدس نگین انگشتی موحدین جهان است، اورشلیم شهر صلح، شهر توحید و پایتخت جاودانه خداوند تبارک و تعالی است. این کانون الهی و شهر آسمانی، امروز به محیط خشونت و

اقلیت‌های مذهبی ایران، به عنوان شهروندان جمهوری اسلامی ایران با یادآوری و استقبال از تلاش‌های اخیر دولت و مجلس برای تحقق حقوق قانونی شهروندی اقلیت‌های مذهبی و ضمن اظهار خشنودی از گشوده شدن باب گفتگوی ادیان و ایجاد فضای عرضه و تبادل افکار و اعتقادات دینی و فرهنگی جوامع توحیدی ایرانی غیرمسلمان، و با استناد به مواد ۱ و ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۱، ۳ و ۴ اعلامیه امحای تمامی اشکال نابردباری و تبعیض مذهبی و نیز اصول ۱۳، ۱۴ و ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که همه این مواد دلالت بر برابری و آزادی عقیده و مذهب دارند، خواستار برخورد قاطع مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران و کلیه مدافعین حقوق بشر با موارد نقض حقوق فرهنگی، مذهبی و به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی کلیه اقلیت‌های مذهبی ایرانی هستیم. در مراسم روز جهانی حقوق بشر که سال گذشته توسط سازمان دفاع از قربانیان خشونت و جمعی دیگر از سازمان‌های غیردولتی برپا شد، بیانیه چهار ماده‌ای توسط اقلیت‌های مذهبی ایران که در آن چهار موضوع اصلی مسئله دیه، ارث، نحوه استخدام و مدیریت مدارس اقلیت مطرح گشت که کماکان پیگیری آن را از مسئولین محترم درخواست می‌نماییم.

متأسفانه در سالی که گذشت، چند برنامه تلویزیونی، و برخی مقالات مطبوعات و کتب منتشره، گاه تحت پوشش مبارزه با صهیونیسم و دولت اسرائیل و گاه به طور مستقیم علیه کلیمیان داخل کشور سخن گفته‌اند. جامعه اقلیت‌های مذهبی ایران با عنایت به تاریخ تمدن و فرهنگ چند هزار ساله ایران و همزیستی ادیان آسمانی، خواستار عدم تبلیغ رسمی و غیررسمی علیه اقلیت‌های مذهبی کشور در رسانه‌ها، مطبوعات و مراسم خصوصی و عمومی می‌گردد. همچنین جامعه اقلیت با اعتقاد به بشریت و صلح، هرگونه اعمال خشونت‌بار تروریستی فردی، گروهی و دولتی را در سراسر جهان محکوم می‌کند.

دولت جمهوری اسلامی ایران و اتباع آن طبق قانون اساسی مکلفند نسبت به افراد مسلمان و غیرمسلمان با اخلاق حسنه و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. و این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

فرهنگ حقوق بشر به همه تعلق دارد و «همه حقوق بشر برای همه» است. ولی در این راه تنها حرف کافی نیست. ما نیاز به اقدامات عملی داریم که برای هر فرد در هر جامعه‌ای، آرمان‌های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را تحقق بخشد. این چالش مستلزم تلاش مداوم فردی و دستجمعی و به طور خلاصه یک مشارکت جهانی برای حقوق بشر است.

با امید جهان عاری از خشونت.



نیز، روز چهارشنبه ۲۰ آذرماه به دعوت انجمن کلیمیان تهران، «سلیم هازیبویچ» (معاون اسلامی انجمن مشترک کاتولیک‌ها و مسلمانان لهستان)، «زیچسلاو بیلینسکی» (معاون مسیحی انجمن مشترک کاتولیک‌ها و مسلمانان لهستان) و «ویتهودل شمیدوفسکی» (سفیر لهستان در ایران) به همراه دبیر اول آن سفارت و نیز نماینده اداره کل امور فرهنگی وزارت امور خارجه در کنسای یوسف‌آباد تهران حضور یافتند و با حاخام کهن مرجع دینی کلیمیان، مهندس معتمد، نماینده کلیمیان در مجلس و نیز اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران دیدار و گفتگو کردند. در این جلسه، مسئولان جامعه کلیمی وضعیت کلیمیان ایران را تشریح کردند و هیئت لهستانی نیز ضمن ارائه گزارش از فعالیت‌های فرهنگی دینی خود در لهستان و اشاره به تاریخچه و وضعیت یهودیان لهستانی، خواستار ارتباط فرهنگی تهران و لهستان در حوزه گفتگوی ادیان و تفاهم اقلیت‌های دینی دو کشور شدند.

همایش‌های روزه در ادیان توحیدی

همایش «روزه در ادیان توحیدی» با هدف بحث و بررسی این فریضه دینی مشترک میان ادیان آسمانی، در سالن هفت گنج بوستان نظامی گنجوی در تهران برگزار شد.

این همایش را سازمان غیردولتی «جمعیت تخت جمشید» بعدازظهر جمعه ۸ آذر برگزار کرد و نمایندگان از جامعه آشوریان، کلیمیان، زرتشتیان و صاحب‌نظران مسلمان در آن حضور داشتند. «محمد رضا ایمانی» دبیر این همایش، شناخت و فهم ضرورت گفت‌وگو و مباحثه میان فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و مذاهب جامعه ایرانی را از اهداف برگزاری این همایش برشمرد.

«دکتر یونس حمامی لاله‌زار» که به عنوان نماینده جامعه کلیمیان در این همایش حضور یافته بود، گفت: کلیمیان در سالروز بازگشت حضرت موسی (ع) از کوه طور (سینا) پس از یک دوره ۴۰ روزه، «روزه کپور» را به جای می‌آورند که آن به معنی «کفاره گناهان و بخشش» است.

ظلم و بیدادگری مبدل شده و خون انسان‌های بی‌گناه، زمین‌های مقدس آن را رنگین می‌سازد...

ما اعلام می‌کنیم که صهیونیست‌ها سال‌ها است به کمک محافل ارتجاعی غرب و شرق، مخصوصاً نظام جهانی اقتدار سلطه‌گر امپریالیسم امریکا، بخش عمده‌ای از جهانیان را فریب داده و افکار آنها را به انحراف کشیده‌اند. آنها با ادعای یهودی بودن و زیر پوشش یهودیت، قبل از همه به نظام ارزش‌های توحیدی دین یهود و تعالیم آسمانی حضرت موسی کلیم‌الله ستم می‌کنند و با این دستاویز خون فلسطینی‌ها و یهودیان بی‌گناه را بر زمین می‌ریزند...

...در این میان نقش نخبگان و روشنفکران یهودی در اعتراض به اقدامات صهیونیست‌ها جایگاهی برجسته و اهمیت ویژه‌ای دارد. هم‌اکنون سرشناس‌ترین نخبگان یهودی خود را در صف مردم فلسطین می‌دانند و هر روز مطبوعات و رسانه‌های گروهی جهان شاهد اعتراضات یهودیانی چون «نوام چامسکی» و سایرین به اقدامات سرکوبگرانه ارتش صهیونیستی هستند، دفاع از حقوق فلسطینی‌ها را در دادگاه‌های مختلف وکلای یهودی به عهده می‌گیرند و لابی صهیونیست‌ها در جهان هر روز منزوی‌تر می‌شود...

همایش گفتگوی ادیان با حضور اندیشمندان لهستانی

روز سه‌شنبه ۱۹ آذر ماه، همایش گفتگوی دینی میان اندیشمندان ایرانی و اندیشمندان مسلمان و مسیحی کشور لهستان در مرکز مطالعات فرهنگی وزارت امور خارجه برگزار شد. به دعوت حجت‌الاسلام محمد مسجدجامعی - مدیر کل امور فرهنگی وزارت امور خارجه و رئیس همایش - و نیز سفیر لهستان در ایران یک هیئت کلیمی نیز در این جلسه حضور یافت.

در این جلسه، ضمن ایراد سخنرانی‌های متعدد از طرف اندیشمندان دو کشور ایران و لهستان، که اکثر آنها مبتنی بر نقاط مشترک ادیان توحیدی بودند، به «بنیاد آفرینش عشق» اشاره شد که با هدف نزدیکی پیروان ادیان توحیدی در لهستان تشکیل شده است.

در این جلسه، رئیس انجمن کلیمیان تهران، با یادآوری برگزاری مراسم ویژه درگذشتگان یهودیان لهستانی در قبرستان یهودیان تهران (بهار ۱۳۸۱)، به تاریخچه حضور یهودیان لهستان و تاثیر فرهنگ لهستان بر یهودیان و نیز نقش مهم یهودیان لهستان در تاریخ معاصر یهود اشاره کرد. هارون یشایایی همچنین خواستار مداخله روحانیون کلیه ادیان برای جلوگیری از تجاوزات سیاسی دولت‌ها علیه ملت‌ها شد.

فعالیت‌های اخیر انجمن اولیاء و مربیان مجتمع موسی بن عمران

* به مناسبت هفته کتاب، دانش‌آموزان دبستان موسی بن عمران، از کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان بازدیدی به عمل آوردند که با استقبال فراوان دانش‌آموزان و آموزگاران مدرسه روبرو شد.

* به همت انجمن اولیاء و مربیان دبستان موسی بن عمران، جشنی به مناسبت حنوکا، در سالن کنیسی ابریشمی برپا شد که در ابتدا، یکی از دانش‌آموزان، چند آیه از تورات را قرائت کرد و روبرت خالدار به ایراد سخنرانی درباره حنوکا پرداخت. سپس دانش‌آموزان دبستان و راهنمایی به ترتیب با اجرای سرود و تئاتر به هنرنمایی پرداختند. در این مراسم، آموزگاران کادر دبستان و اولیای دانش‌آموزان نیز حضور داشتند. در خاتمه، دعای سلامت به شکل جاکلیدی، به عنوان یادبود به دانش‌آموزان اهدا شد.

* دانش‌آموزان دبستانی مجتمع موسی بن عمران در آذرماه سال جاری از مجموعه علمی فرهنگی مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران دیدن کردند. در این گردش علمی یک روزه دانش‌آموزان از سالن‌های مختلف این مجموعه از جمله سالن کهکشان راه شیری، و سرگرمی‌های شیمی و فیزیک بازدید کردند.



روژه‌های واجب و مستحب متعددی نیز در این آیین برگزار می‌شوند که ۴ روزه سوگواری برای بیت‌المقدس از آن جمله‌اند. همچنین عروس و داماد کلیمی نیز اندکی قبل از ازدواج خود، در صورت امکان یک روز را روزه می‌گیرند که این روزه‌داری، نماد توبه از گناهان گذشته و آغاز زندگی جدید است.

موبد «کوروش نیک‌نام»، یک اندیشمند زرتشتی، با بیان برخی از آداب و رسوم مربوط به آیین روزه‌داری در جامعه زرتشتیان، گفت: در میان زرتشتیان رسم است که ۴ روز در ماه به ویژه در بهمن ماه روزه می‌گیرند که این روزه به معنای «پرهیز از خوردن گوشت» است. او فلسفه این روزه‌داری را تأکید بر نیک‌اندیشی و جلوگیری از آسیب رساندن به حیوانات اهلی و همچنین جلوگیری از تأثیرات سوء مصرف زیاد گوشت بر بدن و به ویژه رشد خصلت‌های مطلوب انسانی توصیف کرد.

همچنین در نشستی با همین عنوان که به همت «انجمن نواندیشان پادیاوند» (یک سازمان غیردولتی فعال در حوزه فرهنگ، اندیشه و گفتگوی ادیان) روز پنجشنبه ۱۴ آذر در فرهنگسرای بانو برگزار شد، راشین جهانگیری از کانون دانشجویان زرتشتی، دکتر فروزان راسخی از گروه ادیان دانشگاه الزهرا و مهندس آرش آبائی از کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان، به بیان فلسفه و آیین روزه در ادیان توحیدی پرداختند.

مجمع عمومی سازمان جوانان یهود گیشا

اولین مجمع عمومی سازمان جوانان یهود گیشا جمعه ۷ دی ماه با شرکت جوانان همکیش و با حضور اعضاء و مسئولین انجمن کلیمیان تهران برگزار شد.

در آغاز این مراسم شهاب شهابی‌فر و موشه ثانی گزارش عملکرد این سازمان را در خصوص کلاس‌های آموزشی و امور مالی ارائه دادند.

سپس برای تعیین بازرس این سازمان رای‌گیری به عمل آمد، که شهاب شهابی‌فر و کیارش دقیق‌نیک، به ترتیب به عنوان بازرسان اصلی و علی‌البدل انتخاب شدند.



امتحانات سراسری نوبت اول تعلیمات دینی دانش‌آموزان کلیمی تهران
پنجشنبه ۵ دی ماه در مدارس پسرانه موسی بن عمران و دخترانه اتفاق
برگزار شد.

اخبار ورزشی

مسابقات دوستانه تیم‌های گیبور با تیم‌های آارات ارامنه روز شنبه ۲۵ آبان ماه سال جاری به دعوت باشگاه ورزشی آارات تیم‌های والیبال و فوتبال گیبور مسابقاتی را با تیم‌های آارات برگزار کردند.

در این مسابقه موریس معتمد نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی به همراه تعداد کثیری از همکیشان حضور داشتند.

دیدار اول:

تیم والیبال گیبور کلیمیان ۶ - تیم والیبال آارات ارامنه ۱.
این دیدار با برتری تیم کلیمیان در تلفیقی از بازیکنان قدیمی و با تجربه و جوان به پایان رسید. اسامی تیم والیبال گیبور کلیمیان تهران: رابرت قره‌باغی (کاپیتان) - بیژن گل بهاری - رامین اسحاقی - سعید خلیلی - هوشنگ نفیس‌پور - شهرام حوری‌زاده - دیوید حکاکها - شاهرخ حوری‌زاده - شهروز حوری‌زاده - کامران تبریزی (مربی) - سرپرست: رامین اسحاقی (سرپرست).

دیدار دوم: تیم فوتبال گیبور کلیمیان تهران ۳ - تیم فوتبال آارات ارامنه ۳.

گل‌ها: فرزاد یهوداف - بنیامین ریحانیان - آرش اسنادی (مقدم)
در این دیدار داوید آجدان‌پور، فرهاد دانیال مفرد و امید شمیان چهره‌های برتر میدان بودند.

خبرهایی از خانه جوانان

* ۱۲ آذرماه: سالگرد خانه جوانان در تالار محبان. در اجرای این مراسم گروه‌های هنری خانه جوانان از جمله گروه موسیقی به هنرنمایی پرداختند.

* ۱۸ آذرماه: جشن حنوکا در تالار محبان.

* ۱۴ دی ماه: نمایش فیلم‌های «مانی و ندا» و «اتانازی» در تالار محبان.

جشن خانوادگی و جوانان

کانون فرهنگی، هنری و اجتماعی کلیمیان تهران روز پنجشنبه دوازدهم دی‌ماه اقدام به برگزاری جشن خانوادگی و جوانان در تالار اجتماعات خراسانی‌ها نمود. برنامه‌های این جشن شامل موزیک پاپ، موسیقی سنتی و پذیرایی بوفه بود که با استقبال عده زیادی از جوانان و خانواده‌های همکیش مواجه شد.

تور شوش دانیال



روز پنجشنبه ۱۰ بهمن گروهی از همکیشان کلیمی به تعداد ۱۶۰ نفر در قالب ۴ اتوبوس با همکاری خانه جوانان انجمن کلیمیان تهران برای زیارت بارگاه حضرت دانیال نبی به شهر باستانی شوش مسافرت کردند. این تور زیارتی، سیاحتی شامل زیارت بارگاه حضرت دانیال نبی و دیدار از معبد چغازنبیل و کاخ آپادانا بود.

لازم به توضیح است که مسئولین شهرستان شوش همکاری‌های لازم را با همکیشان کلیمی داشتند. ضمن آن که ابوالمشهدی مسئول آرامگاه حضرت دانیال، غفاری رئیس اداره اوقاف شهرستان شوش، بهجنوری ریاست سازمان میراث فرهنگی و مسئولان راه‌آهن در ایستگاه‌های اندیمشک و تهران نهایت تلاش را در هماهنگی با زائران کلیمی به عمل آوردند. همکاران مسئول تور زیارتی و سیاحتی شوش دانیال عبارت بودند از: شهرام فروزانفر، فریدون طوبی و فرزاد طویبان از کمیته جوانان، رامین سخایی از سازمان جوانان شرق تهران (باغ‌صبا)، مهران ساسانی‌فرد و بهادر میکائیل از خانه جوانان و مسئولین سازمان جوانان گیشا.



این مسابقات با هماهنگی روبرت شیرازیان از کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران و روبن کریمیان به نمایندگی از ارامنه برگزار گردید.

اخبار و رویدادهای خارجی

لوح سنگی مربوط به زمان حضرت سلیمان کشف شد

باستان‌شناسان در بیت‌المقدس موفق به کشف یک لوح سنگی قدیمی شده‌اند که به گفته آنان به زمان پادشاهی حضرت سلیمان تعلق دارد.

زمین‌شناسان پس از انجام آزمایشات لازم بر روی این لوح سنگی اعلام کردند که این لوح به طور حتم متعلق به زمان پادشاهی حضرت سلیمان است و بر روی آن بخشی از تعالیم مذهبی نوشته شده است.

آنها همچنین اعلام کردند که این سنگ نیاز به تعمیر دارد چون در اثر مرور زمان قسمت‌هایی از آن از بین رفته است.

(اعتماد ۱۱/۱/۱۵)

تأسیس شورایی برای نظارت بر بیت‌المقدس

روحانیون سه دین توحیدی اسلام، یهودیت و مسیحیت به دعوت اسقف اعظم کاتربری در اوایل دسامبر در منطقه‌ای واقع در حومه لندن گردهم آمدند. شرکت‌کنندگان در این گردهمایی با تأکید بر این نکته که قدس متعلق به هر سه دین اسلام، یهودیت و مسیحیت می‌باشد، با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند که خواستار تشکیل شورایی متشکل از نمایندگان این سه دین هستند تا اداره امور قدس و دیگر اماکن مقدس را به آنها بسپارند.

(بولتن اخبار دین - دی ۸۱)

گردهمایی رهبران ادیان برای صلح

رهبران ادیان و آیین‌های جهان از پیروان خود تقاضا کردند برای جلوگیری از بروز جنگ در عراق تلاش کنند.

به گزارش خبرگزاری رویتر، نمایندگان ادیان و آیین‌های دنیا در پایان سمپوزیومی در واتیکان گفتند: در حالی که مناقشات میان همسایگان کشورها اختلاف می‌اندازد و تهدید جنگ همانند سایه برفراز سرمان است، بسیاری از افراد از دین به عنوان نیروی تفرقه‌افکن استفاده می‌کنند، نه نیرویی برای اتحاد و صلح. در این همایش، نمایندگان مسلمانان، مسیحیان، یهودیان و بوداییان، هندوان، زرتشتیان و سیک‌ها حضور داشتند. در ادامه این بیانیه آمده است انتخاب صلح به منزله پذیرش منفعلانه پلیدی یا عدول از اصول نیست، بلکه مستلزم مبارزه فعال علیه نفرت، سرکوب و چندیستگی است، ولی نه از راه‌های خشونت‌آمیز. ایجاد صلح اقدام خلاق و شجاعانه را می‌طلبد.

(ایران ۱۱/۱۰/۳۰)

مسابقات فوتبال چهارجانبه کلیمیان

کمیته جوانان به مناسبت جشن ایلاتوت اقدام به برگزاری مسابقات چهارجانبه فوتبال با شرکت تیم‌های رجاء راه‌آهن، آرمان و دو تیم از گیبور کلیمیان نمود. این مسابقات در سالن شهید شیخ‌الاسلامی مجموعه ورزشی حیدرنیا و با حضور هارون یشایی رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران، یحیی گل‌محمدی فوتبالیست تیم ملی ایران و باشگاه پیروزی، حسن میرزاآقاییک و محمد فدایی نژاد و رئیس و دبیر هیئت بسکتبال استان تهران برگزار شد.



در پایان این مسابقات تیم‌های گیبور کلیمیان و رجاء به فینال راه پیدا کردند. همچنین هدایایی از سوی انجمن کلیمیان تهران به گل‌محمدی، آقاییک و فدایی نژاد به رسم یادبود اهداء گردید.

بهترین ورزشکار ۸۱ باشگاه گیبور



هر ساله با توجه به نوع بازی، میزان تمرین و اخلاق و رفتار بازیکنان باشگاه گیبور، یک نفر به عنوان بازیکن سال شناخته می‌شود. امسال با توجه به میزان فعالیت و اخلاق «نوید شمیمان» وی به عنوان بازیکن سال این باشگاه شناخته شد.

تصحیح:

جمعیت مبارزه با اعتیاد، در نامه‌ای ضمن اعلام آمادگی برای آموزش و اطلاع‌رسانی پیرامون معضل اعتیاد، متذکر شده است که در مقاله اعتیاد شماره گذشته بینا (صفحه ۱۴۴)، مهندس سهیلا جلودارزاده «دبیر کل جمعیت مبارزه با اعتیاد» می‌باشد که تصحیح می‌گردد. همچنین درگذشت سردار سرتیپ قاسمپور همسر ایشان را تسلیت می‌گوییم.

اسامی همکاران این شماره در تهیه اخبار و سایر مطالب: روبرت شیرازیان - شرکان انورزاده - فریدون طویبی - فرزاد طویبیان - فرشید مرادیان - پریسا حی - ویکتوریا شادی.

رئیس جمهور آلمان :

بنیادگرایان در گفت و گوی فرهنگ ها جایی ندارند

یوهانس رآو، رئیس جمهور آلمان، در گفت و گوی پنجشنبه ۳۰ آبان با خبرنگاران خارجی مقیم این کشور، ضمن رد هرگونه بنیادگرایی مسیحی، اسلامی و یهودی در جهان گفت: بنیادگرایی قادر به گفت و گو و کمک به روند پیشرفت در جهان نیست.

به گزارش ایرنا از برلین، وی افزود: در حالی که ما به نیروهایی نیاز داریم که در این دنیا کاری را به پیش ببرند، بنیادگرایی نمی تواند درست عمل کند.

«رآو» گفت: در مساله گفت و گوی فرهنگ ها نیز زمانی که نمایندگان همه ادیان بر سر میز مذاکره می نشینند، از بنیادگرایان خبری نیست. وی اضافه کرد: آنهایی که در روند گفت و گوی فرهنگ ها اخلال می کنند آنچنان ناتوان هستند که در هیچ گفت و گویی شرکت نمی کنند. «رآو» گفت: اما سؤال اصلی این است که چطور می شود با بنیادگرایی مبارزه کرد بدون اینکه بخواهیم به اصل دین دست بزنیم؟

«رآو» همچنین با اشاره به وضعیت بحرانی در خاورمیانه گفت: خاورمیانه راه حل نظامی ندارد و باید به سمت تحقق طرح دو کشور اسرائیلی و فلسطینی گام برداشت. وی با اشاره به موقعیت آمریکا در تحقق صلح در خاورمیانه گفت: آمریکا باید نقش جدی تری در روند صلح در این منطقه بازی کند.

«رآو» در پایان گفت: آلمان نمی تواند جایگزین نقش ابرقدرت ها در حل بحران خاورمیانه شود.

(مشرقی ۱۱/۹/۲)

شیخ الازهر:

اسلام، مسلمانان را به حفظ جان بی گناهان فراخوانده و خونریزی را ممنوع کرده است

طنطاوی، شیخ دانشگاه الازهر مصر، در پاسخ به نامه یک سیاستمدار سابق حزب دمکرات مسیحی آلمان نوشت: من بلافاصله پس از سوء قصد نیویورک و واشنگتن اعلام کردم که اسلام، مسلمانان را به حفظ جان بی گناهان فراخوانده و خونریزی را ممنوع کرده است.

«دکتر سعید محمد طنطاوی» در پاسخ خود به «یورگون تودن هوفر» افزود: مجموعه تعلیمات اسلامی، همه انسان ها را به همکاری با هم، حفظ جان انسان ها اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی فراخوانده است و این امر صرفا زمانی که یک فرد به شخص دیگری ظلم کند، صدق نخواهد کرد.

شیخ الازهر نوشت: ما حامی کسانی هستیم که از سرزمین و عزت خود دفاع می کنند، اما ما با تروریسم به خاطر این که ظلمی علیه انسانیت است، مبارزه می کنیم. در نامه طنطاوی آمده است: ما گر چه نمی پذیریم که فردی در وسط انسان های بی گناه، زنان و کودکان خود را منفجر کند، اما کسی که خود را در میان سربازانی که قصد کشتن وی را دارند و یا در میان نیروهای نظامی که وطن وی را تصرف کرده اند منفجر کند، شهید است.

شیخ الازهر افزود: هر کس با متجاوز مبارزه کند و از خود و خاک خود دفاع کند، خدا نیز به وی کمک و از وی دفاع خواهد کرد. در این نامه آمده است: اسلام صرفا به جنگ علیه کسانی که خود را برای مبارزه و جنگ، مجهز کرده اند فراخوانده، اما کشتن سالمندان، زنان و کودکان را ممنوع کرده است.

(حیات نو ۱۱/۹/۱۰)

ابومازن خواستار توقف خشونت شد

ابومازن معاون اول یاسر عرفات به اعضای جناح فتح گفت که خشونت علیه اسرائیل برای فلسطین مصیبت به بار آورده است و باید هر چه سریع تر متوقف گردد.

وی گفت: «آنچه در دو سال گذشته اتفاق افتاده، منجر به ویرانی کامل هر چیزی بوده است که ساخته ایم».

اظهار نظر ابومازن، که احتمال می رود جانشین عرفات شود، شدیدترین انتقاد علیه انتفاضه توسط یک مقام ارشد فلسطینی است.

مازن در سخنانی که برای اعضای الفتح در نوار غزه ایراد می کرد، گفت: «بسیاری از افراد انتفاضه فلسطین را از راه طبیعی خود خارج ساختند و با استفاده از سلاح هایی مثل خمپاره، نارنجک و تیراندازی از داخل خانه ها و مناطق پرجمعیت، آن را به راهی انداختند که کنترل آن دیگر امکان ندارد. اما باعث

گردهمایی رهبران زن ادیان مختلف در آمریکا

در روزهای هشتم و نهم ماه نوامبر (۱۷ و ۱۸ آبان) بیش از یکصد شخصیت برجسته زن که همگی از پیروان مذاهب مختلف مسیحی، مسلمان، یهودی، هندو و بودایی بودند در واشنگتن دی سی گردهم آمدند. این مراسم که همه ساله در آمریکا برگزار می شود به بررسی تفاوت ها و مشترکات موجود در زندگی مذهبی زنان می پردازد.

حضور گسترده نویسندگان و خبرنگاران زن و نیز فعالان جنبش زنان در این مراسم، توجه بسیاری را به خود جلب نمود و موضوعاتی از قبیل برقراری صلح، دعا و نیایش، نویسندگی، یوگا و خانواده های مذهبی را در صدر مباحث مطرح شده میان گروه های کاری این گردهمایی قرار داد.

(برنن اخبار دین - دی ۸)

۱۹۲۱ اعلام کرد که این سند جعلی است و به دست ماموران روسیه تزاری ساخته و پرداخته شده، اما ایهام پیرامون صحت یا عدم صحت آن همچنان ادامه یافته و بسیاری هنوز آن را باور دارند. این سند به زبان‌های مختلف دنیا از آلمانی و انگلیسی گرفته تا ژاپنی و عربی ترجمه شده و دست به دست گردیده است.

در این میان برخی از روشنفکران توسل به استادی همچون «پیمان حکمای صهیون» را که سند پرمناقشه‌ای است، سست‌کننده مبارزات اعراب و فلسطینی‌ها و در نهایت به نفع صهیونیست‌ها می‌دانند. مثلاً «سلمه آ سلمه» یکی از نویسندگان هفته‌نامه الاهرام، در یادداشتی پیرامون واکنش آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها به این سریال، می‌نویسد: «واکنش جنون‌آمیز این دو کشور به برنامه تلویزیونی سوار بی اسب (فارس بلاجواد) نشان‌دهنده شیوه دستگاه رسانه‌ای صهیونیست‌ها در دگرگون کردن حقایق و انحراف افکار عمومی از واقعیت‌های موجود است، آنها می‌خواهند توجه همگانی را از جنایاتی که هم‌اکنون با حمایت آمریکا بر ضد مردم فلسطین مرتکب می‌شوند، منحرف کنند». با این حال، این نویسنده مصری معتقد است، سازندگان سریال نباید روی «پیمان حکمای صهیون» تکیه می‌کردند زیرا، «همه می‌دانند که این پیمان هیچ چیز جز تلاشی برای ساده کردن مسایل و کمرنگ کردن نقش امپریالیسم غرب نیست».

(حیات نو ۸۱/۹/۳)

«متأسفانه، علیرغم آن که تحقیقات جهانی بر جعلی بودن این پروتکل با پیمان تأکید دارند، فرهنگسرای ملی (امیرکبیر) وابسته به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، اقدام به چاپ مجدد «پروتکل سران صهیون» نموده است که با اعتراض انجمن کلیمیان تهران مواجه گشت. برای آگاهی از تاریخچه تدوین این سند بی‌پایه، به شماره یکم مجله «بینا» (مقاله‌ای با قلم هارون یشایایی) مراجعه شود.

دعوت به بردباری

«توماس فریدمن» نویسنده نیویورک تایمز در پایان ماه رمضان پیغامی نمادین از سوی جورج بوش برای رهبران کشورهای اسلامی فرستاده است که در آن آمده: برخی از رهبران اسلامی اندونزی بمب پالی را بمب مقدس نامیدند، بمبی که ۲۰۰ توریست را یک‌جا در یک کلوپ کشت، یک میسیونر مسیحی در لبنان هدف گلوله افراط‌گرایان قرار گرفته است، مادر نائل به کشته شدن پسرش در یک عملیات شهادت‌طلبانه در اسرائیل افتخار کرده و آن را ستوده است. فریدمن در نامه خود آورده: «می‌دانم که سربازان اسرائیلی کودکان فلسطینی زیادی را کشته‌اند

واکنش شدید اسرائیلی‌ها شد و در نتیجه شهرهای کرانه باختری تحت کنترل نظامی اسرائیل قرار گرفتند».

ابومازن گفت: «اگر فایده‌ها و ضررها را محاسبه کنیم، بدون شک خواهیم دید که آن چه از دست داده‌ایم بزرگ و آنچه به دست آورده‌ایم کوچک بوده است».

(همشهری ۸۱/۹/۴)

سرکوب و تهدید

برخی یهودیان ایرانی مقیم آمریکا

خبرگزاری فرانسه گزارش داد: «یهودیان که از ایران فرار کرده‌اند، قربانی غیرمنتظره سرکوب ضد تروریستی آمریکا علیه مهاجران خاورمیانه‌ای شده‌اند و بعضی از آنها به اخراج از آمریکا و تحویل به ایران تهدید شده‌اند». «الیوت بنجامین»، وکیل و رهبر فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی گفت: «بزرگ‌ترین چالشی که ما با آن روبه‌رو هستیم، این اخراج‌ها است، به ویژه آن دسته از یهودیان که دارای گذرنامه ایرانی هستند و به آنها گفته شده است که به سوی ایران اخراج خواهند شد که پیامدهای سخت برای آنها خواهد داشت».

(همشهری ۸۱/۱۰/۱۱)

طرح دوباره سند جعلی

«پروتکل علمای صهیون» در یک سریال مصری

تلویزیون دولتی مصر و یک کانال خصوصی ماهواره‌ای که در سراسر جهان به زبان عربی برنامه پخش می‌کند از ابتدای ماه مبارک رمضان (نیمه آبان ۸۱) یک سریال تلویزیونی به نام «سوار بی‌اسب» را روی آنتن بردند.

با آن که مقامات آمریکایی به صراحت از مقامات مصری خواستند تا مانع پخش این سریال شوند اما وزیر اطلاعات مصر آشکارا اعلام کرد که این سریال به هیچ‌وجه «ضدیهودی» نیست و دولت ابداً قصد ممنوع کردن آن را ندارد.

این سریال چهل و یک قسمتی که ۴۰۰ هنرپیشه، از جمله هنرپیشه‌های معروف و بزرگ مصر، نظیر «محمد صبحی» در آن ایفای نقش می‌کنند، به گفته سازندگان سریال، وقایع‌نگاری مبارزه با اعراب علیه استعمار و تاسیس کشور اسرائیل است.

یکی از نکات بحث‌انگیز در این سریال، طرح دوباره سند یا متن پرمناقشه‌ای موسوم به «پیمان حکمای صهیون» [پروتکل دانشوران صهیون] است. این سند یا متن، ظاهراً شرح جلسه‌ای است که رهبران قوم یهود در پایان قرن نوزدهم در سوئیس برگزار کرده‌اند و در آن جلسه نقشه تسلط بر جهان را ریخته‌اند.

بعدها گفته شد که این سند را ماموران پلیس مخفی روسیه تزاری جعل کرده بودند تا به یهودیان را بلاگردان مشکلات کشور کنند. با آن که روزنامه «تایمز» لندن در سال

تهیه فیلم عقل و وحی در آمریکا

«یعقوب بدر» (Jacob Beder) در حال ساخت یک سریال تلویزیونی مستند به نام «عقل و وحی» در آمریکاست. این کارگردان با الهام از پیامدهای اسلام‌ستیزی حوادث یازدهم سپتامبر آمریکا، علاوه بر تولید یک اثر هنرمندانه، به بازگویی اشکال مختلف تفکرات نامناسب ضداسلامی و ضدعربی در یک سال گذشته در جامعه آمریکا می‌پردازد. این سریال به بررسی تفکرات سه اندیشمند «ابن رشد» (مسلمان)، «توماس اکوینز» (مسیحی) و «مایمونیه یا موسی بن میمون» (یهودی) در قالب یک سریال مستند تاریخی می‌پردازد. بدر می‌افزاید که در راستای تمدن اسلامی بود که علم، دانش، تاریخ، فلسفه، ریاضی، طب، حتی ادبیات محافظت و به ارزش این علوم و معارف اضافه شد و سپس به غرب ارائه گردید. وی همچنین گفت: دین اسلام تمام انسان‌ها را به احترام متقابل و تلاش برای برپایی یک جامعه انسانی سفارش کرده، مردم را از تبعیض نژادی و دینی نهی می‌کند. در این سریال سه قسمتی که قرار است نه تنها در شبکه تلویزیونی آمریکای شمالی، بلکه در مراکز آموزشی، مساجد، کلیساها و کنیسه‌های یهودیان به نمایش درآید. به نقش مؤثر دانشمندان مسلمان در از بین رفتن دوره رنسانس اروپا اشاره می‌شود.

(پگاه حوزه ۱۱/۲۷)

جین فوندا هنرمند صلح طلب

جین فوندا، بازیگر کهنه‌کار سینمای آمریکا هم به سیاست‌های تجاوزگرانه رژیم اسرائیل اعتراض کرد. این بازیگر قدیمی با اعتراض به اشغال ۳۵ ساله نوار غزه، کرانه غربی رود اردن و دیگر مناطق فلسطینی‌نشین، از این رژیم خواست به این اشغال طولانی خاتمه دهد. جین فوندا، دختر هنری فوندا بازیگر قدیمی سینماست. او دو جایزه اسکار را در سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۸ دریافت کرده است. او در اوج فعالیت‌های هنری، به سیاست علاقه‌مند شد و به یکی از جنجالی‌ترین و سیاسی‌ترین چهره‌های عالم سینما تبدیل شد. وی در دوران جنگ ویتنام، سفری به ویتنام شمالی کرد و علیه دخالت نظامی آمریکا در هند و چین موضع‌گیری کرد. فوندا که به خاطر تظاهرات ضدجنگ ویتنام خود در دهه ۷۰ شهرت فراوانی دارد، همراه با یک گروه ضد جنگ به نام «زنان سیاه‌پوش»، در یک تظاهرات شرکت کرد. این تظاهرات هر جمعه در اورشلیم برپا می‌شود. وی به مدت ۱۰ دقیقه در کنار برگزارکنندگان اصلی تظاهرات ایستاد. بازیگر ۶۴ ساله سینما، دی ماه گذشته دست به یک سفر یک هفته‌ای به منطقه خاورمیانه زد. هدف اصلی سفر او، برگزاری چند نشست سیاسی - اجتماعی زنان خاورمیانه است. این سفر بخشی از تلاش بین‌المللی گروه‌های مدافع حقوق زنان، برای متوقف کردن خشونت علیه زنان در کشورهای مختلف جهان است.

(جام جم ۱۱/۱۰/۱ - ایران ۱۱/۱۰/۲۰)

اما من هیچ‌گاه نشنیده‌ام کسی به خاطر کشتن کودکان فلسطینی از آنها تمجید کرده باشد.

در کشورهای خاورمیانه ما را به خاطر حمایت از اسرائیل محکوم می‌کنند و بمب بالی را به خاطر حمایت ما از اسرائیل، مقدس می‌نامند. اما فکر می‌کنم بیش از آن که این درگیری‌ها ناشی از ملاحظات غرب در خاورمیانه باشد ناشی از نداشتن تسامح و تحمل است، ناشی از اجتماعی، سیاسی در کشورهای عربی.

وی می‌افزاید: در مجموع

مداره را تهدید می‌کند.

جوامع مسلمان

اما فراموش نکن

میان جوامع اسد

پایان ماه رمضان، بی‌ی را که آغاز می‌شود با نابردباری و فقدان تسامح به نبرد پردازیم.

(مشرقی ۱۱/۹/۹)

شناسایی نازی‌ها در آمریکا

وزارت دادگستری آمریکا در طول سال جاری ۲۰۰۲ میلادی با شناسایی بیش از ۱۰ نفر از اعضای حزب سابق نازی آلمان، تابعیت آنها را لغو و یا خواستار اخراج آنها شده است. برخی محققان یهودی وزارت دادگستری آمریکا سال‌هاست در حال شناسایی اعضای حزب نازی آلمان در سراسر دنیا هستند. رادیو محلی واشنگتن اوایل دی ماه گفت: دسترسی اخیر کارشناسان آمریکا به بایگانی برخی کشورها نظیر شوروی سابق سبب شناسایی شمار بیشتری از اعضای حزب نازی شده است. این رادیو برای نمونه به حکم اخیر یک قاضی ایالت نیویورک اشاره کرد که خواستار لغو تابعیت یاروسلاو بیلانیوک شهروند ۷۹ ساله آمریکایی شده است.

صهیونیست‌ها می‌گویند: بیلانیوک در اردوگاه‌های کار اجباری یهودیان در لهستان بازجو بوده است. بیلانیوک در سال ۱۹۴۸ به آمریکا مهاجرت می‌کند و مدتی بعد به تابعیت این کشور درمی‌آید. وزارت دادگستری آمریکا بیلانیوک را متهم کرده است که هنگام درخواست روادید، به دروغ گفته که از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴ در لهستان نجار بوده و پس از آن تا سال ۱۹۴۵ در آلمان کشاورزی می‌کرده است.

کارشناسان وزارت دادگستری آمریکا می‌گویند: با دستیابی به بایگانی برخی از کشورهای کمونیست سابق، افراد بیشتری را شناسایی کرده‌اند که در گذشته عضو حزب نازی آلمان بوده و هم‌اکنون در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند.

(حیات نو ۱۱/۱۰/۷)



آیاتی از تلمود و کتب مقدس یهود درباره تعاون و نועدوستی

رحمن دلرحیم

تمام ما، چه زرتشت و چه بودا
کلیمی یا مسلمان یا که ترسا
همه از یک پدر هستیم مردم
چو انگشتان یک دستیم مردم!
همه ادیان به سوی یک اله است
تفاوت در طریق و سیر راه است

مقدمه:

توجه به گوهر ادیان توحیدی، یعنی دعوت به آرامش و همزیستی و همیاری در جامعه، نکته‌ای است که معمولاً پیروان هر دین از آن غافل شده و بیشتر به احکام تعبدی و آیینی آن گرایش می‌یابند، نیز پیروان دیگر ادیان گاه در اثر تبلیغات نادرست، با نادیده گرفتن این بخش اصلی هر دین، به نقاط تنش‌زا و تفرقه‌انگیز می‌نگرند. این مقاله، کوششی است برای نمایاندن گوشه‌ای از گوهر مشترک ادیان از نگاه تورات و تلمود.

«اگر من تنها برای خود باشم،

چه هستم؟»

(تلمود، کنووت، فصل ۱۷، الف)

این سخنی است از هیلل، دانشمند بزرگ یهودی که همچون بیان دیگرش «خود را از جامعه دور نکن» (تلمود- میشنای آووت) بر همراهی، هماهنگی و سعی در سازگاری بین انسان و دیگر هموعانش تأکید می‌کند.

و این تفکر تا به آنجا گسترش می‌یابد که اندیشمندان یهود معتقدند انسان فقط برای خود خلق نشده، بلکه مقصود از آفرینش او، عضویت در جامعه بشری بوده است، و این امر، وظایف زیادی را برای او در قبال دیگران ایجاد می‌نماید. زندگی انسان، نه تنها از آن او نیست، بلکه

بر زندگی دیگران تأثیرگذار است و از آنان نیز تأثیر می‌پذیرد.

در جمله‌ای از تورات (سفر اعداد، فصل ۱۶، آیه ۲۲) به نقل از حضرت موسی در حضور خداوند آمده است: «آیا اگر یک نفر گناه ورزد، بر تمام جماعت غضبناک می‌شوی؟». این گفتار، هر چند در حضور خداوند بیان شده است، بیشتر ناظر به مومنان است که حتی در مورد گناهکاران نیز عدالت را از نظر دور نکنند. در کتاب تلمود (میشنا- رساله آووت، ۱:۲) ذکر شده است: «کدام است راه صوابی که انسان باید برگزیند؟ آن راه که با سیر و سلوک در آن احساس کند در نظر خود محترم بوده و از جانب مردم نیز مفتخر و سرافراز است». این جمله، بیانگر اهمیت نظر مردم و احترام ایشان از دیدگاه تلمود است. همچنین ربی یهودا هناسی (تلمود، آووت ۱:۴) می‌فرماید:

«چه کسی محترم است؟ آن که به دیگران احترام می‌گذارد». در همین کتاب، محبوب هموعان بودن از موجبات تایید و تمجید خداوند قلمداد شده است: «هر کس که مردم از او راضی باشند، خداوند نیز از او شاد است، و هر آن کس که مردم از او رضایت ندارند، خداوند نیز از او راضی و خشنود نیست» (آووت ۳-۱۲).

این گفتار اشاره به این مفهوم دارد که در تفکر و فلسفه دانشمندان یهود، دین و

مذهب صرفاً منوط به روابط میان انسان با آفریدگار نیست، بلکه روابط او با هموعانش نیز مورد توجه قرار می‌گیرد؛ و همین رابطه با هموع، بر رابطه با خداوند و کسب رضایت یا عدم رضایت او تأثیر مستقیم دارد.

در آیه دهم از باب سوم کتاب «یشعیاوی نبی» آمده است: «درباره نیکوکار بگویند که او خوب است». در تفسیر این گفتار سؤال شده: «آیا فرد نیکوکاری وجود دارد که خوب نباشد؟» و پاسخ داده‌اند: «آن کس که به وظایف خود در مقابل خالق خود عمل می‌کند ولی با مردم خوب نیست، نیکوکار کاملاً خوبی شمرده نمی‌شود، اما آن کس که هم به وظایف خود در مقابل خداوند و هم در برابر مردم عمل می‌کند، نیکوکار خوب به معنای واقعی کلام است».

در اهمیت «خدمت به جامعه» روایت شده است فردی که مشغول به حفر چاه آب بود به «ربان یوحانان بن زکای» از دانشمندان برجسته یهودی گفت: «من هم مانند تو شخص بزرگی هستم. کار من هم به اندازه کار تو برای جامعه لازم است، هنگامی که تو به فردی می‌گویی به عنوان فریضه‌ای شرعی در آب استحمام و غسل کند، این من هستم که آب را برای او تهیه می‌کنم...»

انصاف، علاقه به بخشش، نیکوکاری و فروتنی در مقابل پروردگار است». (فصل، آیه ۸) این گفته انسان ایده‌آل را مستلزم انسانی فکر کردن می‌داند.

حضرت موسی شخصیتی که همیشه در برابر بی‌عدالتی مبارزه می‌کرد، با مشاهده تنبیه شدید و بی‌رحمانه کارگری توسط کارفرمای مصری شدیداً خشمگین شد و بر علیه ظلم شورید، و بدین ترتیب نوع دوستی و انسانیت خود را به جهانیان ثابت نمود.

در روز کینور (روژه بزرگ) که روز بخشش گناهان شمرده می‌شود، طبق اعتقادات یهود می‌توانیم از خدای خود در مورد گناهایی که نسبت به او مرتکب شده‌ایم طلب بخشش نماییم. اما گناهایی که نسبت به دیگر انسان‌ها، دوست و یا همسایه خود مرتکب شده‌ایم بخشوده نخواهد شد، مگر آن که ابتدا نزد فرد مذکور به عمل خود اعتراف نموده و از او طلب بخشش نماییم. زیرا قضاوت درباره انسان‌ها، قضاوت درباره اعمال آنها است.

یکی از اصول ده فرمان تورات مقدس آن است که «علیه همנוعت شهادت دروغ نده». تمکین از این فرمان، نوع دوستی در جوامع انسانی را به دنبال دارد. اساسی‌ترین نوع عشق که زمینه‌ساز عشق‌های دیگر است عشق برادرانه شمرده می‌شود؛ منظور از عشق برادرانه همان احساس مسئولیت، دلسوزی، احترام و شناختن همه انسان‌ها و آرزوی بهتر کردن زندگی دیگران است و این همان عشقی است که در کتاب مقدس به آن اشاره شده است: «همنوعت را مانند خودت دوست بدار». در تورات مقدس، موضوع اصلی عشق بشری، عشق به فقرا به ویژه بیگانگان، بیوه‌زنان، یتام و دشمنان‌شان است. در موضوع نوع دوستی آیات متعددی در کتاب مقدس آمده است: «به همنوعت ستم مکن، به حق او تجاوز م‌نما». (کتاب لاویان ۱۳-۱۹)

لحظه، نشان‌دهنده آن است که انسان‌ها نباید قربانی گردند و مفهوم قربانی شدن را می‌توان در معیارهای وسیعی جستجو کرد؛ چنان که در سفر پیدایش آمده: «و خداوند، آدم را به صورت خود آفرید و ایشان را نر و ماده آفرید». (فصل ۲ آیه ۲۷). این آیه نشانگر ارزش والایی است که قادر مطلق برای انسان‌ها قائل است. انسان مقدس است، روح خدا در انسان دمیده شده و انسان‌ها مابین یکدیگر فرقی نمی‌گذارند، زندگی نیز مقدس است زیرا وجود انسان‌ها در آن شکل می‌گیرد.

در آیه‌ای دیگر از کتاب مقدس آمده است: «از افراد قوم انتقام مگیر، کینه‌توزی نکن، همنوعت را چون خودت دوست بدار، من خدا هستم». (سفر لاویان- ۱۸ و ۱۹)

ربان گملینل: «آنان که در راه خدمت به جامعه زحمت می‌کشند، باید برای رضای خدا کار کنند. چون فقط در این صورت، شایستگی اجدادشان (ابراهیم، اسحق و یعقوب) به ایشان کمک خواهد کرد و نیکوکاری ایشان برای همیشه پایدار خواهد ماند»

محبت مردم جهان نسبت به یکدیگر که در آیه فوق به آن اشاره شده، تنها میزان و معیار حقیقی رابطه افراد انسانی با یکدیگر است.

کتاب مقدس علاوه بر اصول اخلاقی، مبانی هماهنگی و صلح بین انسان‌ها را نشان داده است. پیامبران نیز به برقرار کردن صلح قبل از آن که اختلافی میان انسان‌ها بروز کند اندیشیده‌اند و قبل از هر چیز، صلح جهانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. حضرت «میخا»، از پیامبران یهود خطاب به ملت خود می‌فرماید: «ای انسان آنچه خدا از شما می‌خواهد رعایت

در تأیید زیبایی معاشرت با همنوعان در کتاب جامعه حضرت سلیمان آمده است: «دو نفر بهتر از یک نفرند». در مأخذ دیگری با این عبارت روبرو می‌شویم: «اگر تو دربرداشتن بار به من کمک کنی می‌توانم آنرا بگیرم، لکن اگر کمک تو نباشد، به تنهایی از این کار عاجزم». (تلمود- باواقما، ۹۲، ب). مکمل این سخن رهنمودی است از «ربان گملینل»: «آنان که در راه خدمت به جامعه زحمت می‌کشند، باید برای رضای خدا کار کنند. چون فقط در این صورت، شایستگی اجدادشان (ابراهیم، اسحق و یعقوب) به ایشان کمک خواهد کرد و نیکوکاری ایشان برای همیشه پایدار خواهد ماند. همانگونه که خداوند می‌فرماید: «اگر به دلیل اشتغال به امور جامعه و خدمت به همنوعان، از تحصیل تورات و انجام برخی فرایض بازماندید، به حساب شما پاداش شایسته‌ای گذاشته می‌شود، چنانکه گویی تورات را تحصیل کرده‌اید و فرامین آن را انجام داده‌اید». (تلمود- فصول پدران، ۲-۲)

در نظر پیامبران یهود همیشه آینده‌ای درخشان و تابناک برای بشر پیش‌بینی شده است اما این آینده تنها در سایه دوستی، برادری، لطف و مهربانی بین انسان‌ها عملی خواهد شد. بنا به یک روایت در تفسیر تورات، حضرت موسی قبل از انتخاب به مقام پیامبری، در بیابان به دنبال بزغاله‌ای تشنه و خسته که از گله بازمانده بود دوید و آن را بر دوش خود نهاد و به گله باز آورد. خداوند می‌فرماید: «تو که بر گله‌ای که به انسان تعلق دارد ترحم می‌ورزی و عدالت روا می‌داری بنابراین شبان قوم یهود باش».

از آغاز یکتاپرستی و از زمان حضرت ابراهیم، قربانی کردن انسان ممنوع بوده است، زیرا این عمل توهینی به مقدسات شمرده می‌شود. فرمان قربانی شدن حضرت اسحق و منع خداوند در آخرین

توسعه پایدار در سایه اخلاقیات ادیان ابراهیمی

تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی:
استاد تاریخ ادیان و مطالعات دینی
دانشگاه «یونسو» فنلاند گفت: «توسعه
پایدار فقط در سایه پابندی به اخلاقیات
ادیان ابراهیمی میسر است». «ریو هیونین»
- رئیس مرکز مطالعات صلح هلسینکی
فنلاند - افزود: «برای رسیدن به توسعه
پایدار و ادامه حیات بشری و محیط
زیست کره زمین باید به اخلاقیاتی رجوع
شود که ریشه در ادیان ابراهیمی دارد».

وی که تحت عنوان «چالش اخلاقی
اجلاس ژوهانسبورگ و گفتگوی تمدن‌ها»
سخنرانی می‌کرد، اظهار داشت: بازار آزاد،
فن‌آوری اطلاعات و سازمان‌های
غیردولتی، از عمده فاکتورهایی هستند که
بر فعالیت‌های سیاسی جهانی اثر گذارند،
اما باید در چارچوب همان اخلاقیات
جهانی نشأت گرفته از ادیان ابراهیمی
باشند. به گفته وی، هم اکنون پارادوکس
بزرگ فراروی بشریت، مسئولیت فردی
در برابر مسئولیت جمعی است.

استاد تاریخ ادیان و مطالعات دینی
دانشگاه «یونسو» فنلاند در مورد تئوری
گفتگوی تمدن‌ها و راهکارهایی که
می‌تواند برای ایجاد توسعه پایدار کمک
کند، اظهار داشت: همبستگی انسان‌ها
بدون توجه به رنگ، نژاد، مذهب و
فرهنگ و حتی ارزش‌های دینی باید به
نوعی باشد که اجازه گفتگو و برقراری
صداقت و باور به دو طرف گفتگو را
بدهد. هیونین افزود: گفتگوی تمدن‌ها
عملاً مطرح‌کننده این موضوع است که در
یک کنسرت موسیقی بدون توجه به همه
آلات موسیقی ولو اینکه کم صدا باشند،
نمی‌توان از آن یک سمفونی مورد علاقه
همه به دست آورد.

(اطلاعات ۸/۱۰/۲۵)

«نیکوکاری را بیاموزید و انصاف را
بطلبید، مظلومان را رهایی دهید، یتیمان را
دادرسی کنید و بیوه‌زنان را حمایت
نمایید».

«بن‌عزای» یکی از دانشمندان یهود
نوع‌دوستی را بر پایه این اصل کلی قرار
داده است که همه انسان‌ها از یک منشأ
آفریده شده‌اند و از این رو همگی به
واسطه خویشاوندی با یکدیگر و داشتن
ریشه‌ای مشترک به هم پیوسته‌اند. از
جهت دیگر وجود این اشتراک گرانها
میان افراد بشری که همانا آفریده شدن
آنها به شکل خداوند است، خود دلیلی بر
اثبات گفته فوق است. خداوند با فرمان
«همنوخت را مانند خودت دوست بدار»
می‌فرماید من که خدا هستم و همنوخت تو
را آفریده‌ام، اگر تو او را دوست بداری،
من امین هستم و به تو پاداش نیک خواهم
داد. ولی اگر او را دوست نداری، من داور
هستم و تو را مجازات خواهم کرد (آووت
ربی ناتان، ۱۶).

مفهوم نوع‌دوستی از دو اندرز زیر نیز
به وضوح محسوس است: «عزت و
شرافت همنوخت همچون عزت و شرافت
خودت در نظر تو گرمی باشد» (میشنا
آووت فصل دوم) یعنی همان‌گونه که
انسان برای شرافت خود اهمیت و احترام
قائل است، باید برای شرافت همنوخت خود
اهمیت و احترام قائل باشد. در اندرز
دیگری در همان فصل آمده «متعلقات
همنوخت همچون اموال خودت در نظر
تو عزیز باشد».

علاوه بر امر محبت به همنوخت،
هرگونه کینه‌جویی و دشمنی نهی شده
است. «برادرت را در دلت دشمن
مدار» (کتاب لاویان، ۱۹-۱۷) نباید
فراموش کرد که دشمنی با همنوختان «یکی
از گناهان کبیره است که انسان را قبل از
وقت از جهان می‌برد». (تلمود- میشنای
آووت- فصل دوم). ■

«برادرت را در دل دشمن مدار»
(کتاب لاویان ۱۷-۱۹).

«آن غریبی که با شما اقامت دارد چون
تابعی از (سرزمین) خودتان باشد. او را
دوست بدار چون در سرزمین مصر غریب
بودید، من خدایتان هستم». (کتاب لاویان،
۲۰-۱۰)

«هرگاه شخصی بر هموختش قصد بد
کند تا او را با حيله بکشد او را (حتی
اگر) پیش قربانگاه من نیز بست نشسته
باشد برای مجازات ببرید» (کتاب خروج،
۲۱-۱۴)

«هیچ بیوه‌زن و یتیمی را نرنجانید».
(کتاب خروج، ۲۱-۲۰)

«اگر به یکی از افراد قوم من، فقیری
که پیش تو است وام دهی، نسبت به او
چون طلبکار نباش و بر آن بهره تعیین
نکن». (کتاب خروج، ۲۲-۲۴)

«هرگاه الاغ دشمنت را دیدی که زیر
بارش خوابیده است، مباد از کمک کردن
به او خودداری کنی، حتماً با او یاری نما».
(کتاب خروج، ۲۳-۵)

«هرگاه تاکستان خود را میوه‌چینی
کردی و خوشه‌های کم‌دانه را جای
گذاشتی، آن‌ها را نچین، تا برای غریب،
یتیم و بیوه‌زن بماند». (کتاب تثئیه ۲۱-۲۴)

«آن غریبی که با شما اقامت
دارد چون تابعی از (سرزمین)
خودتان باشد. او را دوست بدار
چون در سرزمین مصر غریب
بودید، من خدایتان هستم»

در کتاب یسعیای نبی (فصل ۵۶ آیه ۱)
آمده است:

«خداوند می‌فرماید انصاف را نگاه
دارید، عدالت را جاری نمایید».

آن حضرت در جای دیگر (فصل
یک، آیه ۱۷) می‌فرماید:

ادبیات فارسیهود

میراث فرهنگی یهودیان ایران (بخش یکم)

ناهید پیرنظر

(برگرفته از: نشریه ایران‌شناسی «آمریکا»، دوره جدید، سال چهاردهم،

شماره اول، بهار ۱۳۸۱)



اگر نگاهی به تاریخ مستند ایران باستان بیندازیم نام قوم یهود را در قراز و نشیب‌های تاریخی و فرهنگی این سرزمین و در تکوین آنچه که امروز آن را هویت ایرانی می‌شناسیم، سهم می‌بینیم. ورود قوم یهود به سرزمینی که بعدها جزو قلمرو دولت ماد درآمد در حدود سال ۷۲۲ قبل از میلاد آغاز گردید. پادشاهان آشور ده قبیله از فرزندان یعقوب را از سرزمین اسرائیل به نواحی غرب و شمال ایران کوچ دادند. این امر در زمان کوروش کبیر، با فتح بابل در سال ۵۳۹ قبل از میلاد و آزاد نمودن اسرای یهودی که توسط بخت‌النصر دوم در سال ۵۸۶ قبل از میلاد از اورشلیم به بابل به اسارت آورده شده بودند، ادامه یافت.

پیگیری وقایع تاریخی این ۲۷۰۰ سال را به کتاب‌های تاریخ واگذار می‌کنیم. آنچه مسلم است بعد از قوم یهود طی تاریخ، اقوام خارجی دیگری نیز از قبیله عرب و ترک و مغول و ارمنی و آسوری مانند قوم یهود یا در ایران سکنی گزیدند و سهمی در تشکیل «هویت ایرانی» پیدا نمودند و یا فرهنگ و ادب ایرانی را به سرزمین خود بردند و بر آن افزودند. وسعت این گسترش به حدی بود که تأثیر آثار ادب و فرهنگ ایرانی را از شبه قاره هند و نپال گرفته تا آسیای صغیر و افغانستان و تاجیکستان و سایر نواحی تا به امروز مشاهده می‌کنیم. آن گروه از یهودیان ایرانی که پس از اسارت به اراده خود در ایران سکنی گزیدند، در حین

موضوع مینیاتور شیور زدن لشکران یهوشوع بن نون برای فتح شهر اریحا است که از کتاب فتح‌نامه تألیف عمرانی گرفته شده است. دو بیت بالای تصویر:

بتسیح و به تهلیل جهان بان
بندد در وجه آن جمع امامان
بنی یوشع پی آن نامداران
همی شد شاد با صندوق آرون

دو بیت پایین تصویر:

پی آن سر بسر قومان عبیر
همی رفتند درویش و توانگر
بگردیدند گرد شهر یک بار
همه آن روز از فرمان جبار

زیرنویس جایی:

جنگ اسرائیل در اریحا (یهوشوع باب ششم) نسخه خطی شماره ۴۶۰۲ فتح‌نامه، برگ ۲۴ ص یک.

فارسیهود شامل

نوشته‌های

فارسی با الفبای

عبری می‌باشد

اسلامی، عربی، و عبری را نیز شامل می‌گردند. برخی از این نوشته‌ها از نظر دستوری نیز تحت‌تأثیر زبان عبری قرار گرفته‌اند.

ادبیات منظوم فارسی‌هود که قسمت اعظم ادبیات یهودیان را تشکیل می‌دهد از نظر قالب شعری اکثراً در قالب مثنوی و از نظر متن به صورت داستان‌نویسی می‌باشد ولی بعضی از شعرای فارسی‌هود به خصوص «عمرانی» و «امینا» در زمینه‌های متفاوتی چه از نظر قالب و چه از نظر متن، ذوق و قریحه شاعرانه خود را آزموده‌اند.

در دوران ایران اسلامی، به خصوص بعد از حمله مغول و اوایل حکومت ایلخانان (۱۲۵۰-۱۲۹۵ میلادی)، یهودیان ایرانی مانند سایر اقلیت‌ها از آزادی مذهبی و فرهنگی آن دوران بهره‌مند شدند. آنان علاوه بر سیاستمداران و دانشمندانی که به جوامع ایرانی تحویل دادند از خود به دو صورت نوشته‌ها و آثاری باقی گذاشتند. گروهی از این آثار به خط و زبان فارسی و یا عربی است که اغلب از جانب مشاهیر ایرانی یهودی‌الاصل باقی مانده‌اند. از آن جمله می‌توان از تاریخ رشیدی نوشته رشیدالدین فضل‌اله، پزشک، سیاستمدار و مورخ یهودی‌الاصل دربار الجایتو (۱۳۰۴-۱۳۱۶ میلادی) و شرح تلویحات سهروردی و شرح اشارات ابن‌سینا و سایر آثار ابن‌کمون اسرائیلی بغدادی (وفات ۱۲۸۴ میلادی) به عربی و دو بیتی‌های عرفانی سعید سرمد کاشانی (وفات ۱۶۵۹ یا ۱۶۶۱ میلادی) نام برد. گروه دیگر که شامل قسمت اعظم آثار ادبی این قوم می‌باشد آثاری است که بر اثر قرن‌ها زندگی و همکاری فرهنگی در سراسر ایران از غرب و جنوب تا ماوراءالنهر و افغانستان به عنوان ادبیات فارسی‌هود برای ما به جا مانده است.

سیاسی و مذهبی از بقیه جوامع یهودی جهانی مجزا و تا حدی ناشناخته باقی مانده‌اند. جوانه این رابطه و فرهنگ مشترک را با ترجمه و بازنویسی قسمت‌هایی از کتاب مقدس به زبان و خط پهلوی و شکوفایی آن را در دوران ایران اسلامی به خصوص بعد از دوره مغول به فارسی نو در ادبیات «فارسی‌هود» مشاهده می‌کنیم.

تعریف فارسی‌هود:

فارسی‌هود شامل نوشته‌های فارسی با الفبای عبری می‌باشد. باید اضافه کرد که از نوشته‌های فارسی‌هود به استثنای چند مورد از جمله ترجمه مزامیر داوود به زبان و خط پهلوی، آنچه که در دسترس قرار دارد متعلق به دوران فارسی نو است. طبق این توصیف، آثار فارسی‌هود به استثنای چند نسخه پهلوی، اکثراً شامل نوشته‌های کلاسیک و یا هر نوع گویش محلی به زبان فارسی نو و به حروف عبری می‌باشد. به علت کمبود و عدم تطابق الفبای عبری با بعضی اصوات فارسی، یک حرف عبری به همراه بعضی علامات اضافی می‌تواند در نقش چند صوت فارسی به کار رود. به همان ترتیبی که حروف عبری چاپ شده از حروف عبری خطی متفاوت است، مطالب چاپ شده فارسی‌هود نیز از نظر خط با نسخ خطی آن متفاوت هستند.

ادبیات فارسی‌هود:

ادبیات فارسی‌هود از سه منشا فرهنگ ایرانی، یهودی و اسلامی سرچشمه می‌گیرد و از نظر متن از یک سو شامل مطالب متفاوت مذهبی و غیرمذهبی، علمی، ادبی، فلسفی و تاریخی می‌باشد. از نظر فرم، نوشته‌های فارسی‌هود می‌توانند منظوم و یا مثنوی باشند. نوشته‌های مثنوی فارسی‌هود در حین دربرداشتن سنگین‌ترین کلمات کلاسیک ادبی، تعدادی اصطلاحات روزمره لغات پهلوی،

اولین رشته این پیوند فرهنگی و اجتماعی را پس از اعلامیه حقوق بشر کورش کبیر در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، با انتخاب آن گروه از یهودیانی که سکونت در ایران را ترجیح دادند مشاهده می‌کنیم. این روابط، بنا به فرضیه «Jon Berquist» [نویسنده کتاب یهود در سایه پارس] برای اولین بار به فرمان داریوش اول با رسمی ساختن قوانین تورات به عنوان قوانین کشوری در نواحی یهودی نشین نضج گرفت. تفاسیر ایرانی شده قوانین تورات توسط عزرا، قدم بعدی در تحکیم این روابط بود. در این مورد عزرا «قانون پادشاه» ایران را به موازات «قوانین الهی و آسمانی» تفسیر کرد و برای اجرای یهودیان مقرر داشت (عزرا ۷:۲۶ Ezra).

در دوره ساسانیان برخی اوقات، علاوه بر آزادی فرهنگی که حاصل آن تشکیل آکادمی‌های علمی به منظور گردآوری و تألیف تلمود بود، باید از روابط نزدیک گروهی از روسا و رهبران روحانی یهودی با چند تن از سلاطین ساسانی به خصوص شاپور اول و دوم نام برد. نتیجه این روابط حسنه و نزدیک توصیه راب یوسی (وفات ۳۲۳ میلادی) از ربان‌های معروف دوره تلمود است که از یهودیان می‌خواهد زبان آرامی را کنار گذاشته، به فارسی تکلم کنند.

توضیح آن که پس از اسارت بابل، تکلم به زبان آرامی جای زبان عبری را گرفته بود تا بدانجا که تورات و سایر اسفار کتاب مقدس به آرامی ترجمه شده بودند و این زبان، زبان مادری یهودیان بابل شناخته می‌شد.

فرمان «راب یوسی» و آغاز تکلم یهودیان به زبان پهلوی، پایه‌گذار تعلق و وابستگی مشترک یهودیان ایران به زبان و فرهنگ ایرانی است، رابطه‌ای که تا به امروز یهودیان ایران- در حین حفظ اعتقادات مذهبی خود- [آن را] حفظ کرده‌اند و به سبب آن و سایر دلایل

فرمان «راب یوسی» و آغاز تکلم
یهودیان به زبان پهلوی، پایه‌گذار تعلق
و وابستگی مشترک یهودیان ایران به
زبان و فرهنگ ایرانی است

انتخاب خط عبری به جای خط فارسی برای نوشتن آثار فرهنگی یهودیان ایران به گونه‌های متفاوتی قابل تفسیر است. ژیلبر لازار ایران‌شناس معاصر در این مورد چنین حدس می‌زند که در اکثر کشورهای مسلمان عرب دوران قرون وسطی انتخاب حروف عبری که خط قرآن نیز می‌باشد برای نوشتن آثار یهودیان می‌توانسته است نشانه‌ای از عدم تعهد و ابراز وفاداری به یهودیت تلقی شود. آن چه که مسلم به نظر می‌رسد علت انتخاب حروف عبری برای نویسندگان فارسیهود جنبه عملی آن می‌باشد. زیرا که احیاناً عدم آشنائی توده مردم یهودی بی‌سواد به خط فارسی و آشنائی آنان به خط عبری، به منظور خواندن و اجرای فرایض دینی، تعداد خواننده بیشتری را برای آثار فارسیهود تامین می‌کرده است. لذا از شواهد چنین می‌توان برداشت کرد که ادبیات فارسیهود اکثراً برای یک گروه خواننده مخصوص که همان طبقه عامی یهودی ایرانی باشد نوشته می‌شده است. طبقه‌ای که با وجود اینکه به زبان فارسی صحبت می‌کرد نمی‌توانست آن را به خط فارسی بخواند. باید در نظر داشت که سواد عبری اکثر افراد این گروه هم احیاناً از خواندن دعا‌های مذهبی بدون درک معانی آنها تجاوز نمی‌کرده است. شاهد این ادعا برگرداندن شاهکارهای ادبیات فارسی به خط فارسیهود است که نمونه‌های موجود آن در کتابخانه‌های نسخ خطی فراوانند. از آن جمله می‌توان از برگردان «رستم و سهراب» فردوسی، «رباعیات خیام»، «دیوان حافظ»، «گلستان» سعدی، «قیه و مافیة» مولوی، «منطق‌الطیر» عطار،

«هفت پیکر» و «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی همچنین از «لیلی و مجنون» و «یوسف و زلیخا» جامی نام برد. در اوایل قرن بیستم، برگردان بعضی داستان‌های فولکلور ایرانی مانند داستان‌های «هزار و یکشب» یا ترجمه‌های ادب خارجی از جمله «کمندی اشتباه»

(Comedy of Error) اثر شکسپیر گریای سطح دانش عمومی خوانندگان

فارسیهود و نیاز آنان به چنین نوشتارهایی است. روی هم رفته مطالعه آثار و نوشته‌های فارسیهود

نمایانگر تفاوت و فاصله ذهنی نویسندگان آن با خوانندگان خود و سطح دانش و آگاهی این مشاهیر یهودی از فرهنگ و زبان ایرانی است. نویسندگان ادبی



تصویری است از خسرو و شیرین - خسته نظامی گنجوی
بدان نازک تنی و اب‌داری
چو مرغی بود در جابک سواری
چنان جابک‌نشین بود آن دل‌آرام
که برجستی ز زین مانده ده گام
خرامان می‌شد آن بدر منور
پس و پیش بتان مانند اختر
زنعلش بریتان مسمار می‌زد
زمین را چو فلک پرگار می‌زد
چو آمد با نثار و مشک نسرين
بر آن کوه سنگین کوه سیمین
چو کوهی کوه‌کن را نزد خواند
وزان جای کوه تن زی کوه‌کن راند

سهم ادبیات یهود در فرهنگ ایرانی

به دنباله فرمان راب یوسی (وفات ۳۲۳ میلادی) تکلم به زبان پهلوی و سپس فارسی نو به تدریج جای تکلم به زبان آرامی را برای یهودیان ایران گرفت و زبان فارسی زبان علمی و فرهنگی ادبی یهودیان گردید. این امر دو تاثیر بزرگ بر تاریخ و سرنوشت ایرانیان یهودی گذاشت. اولین تاثیر آن این بود که آنان نیز با تکلم به زبان ایرانی پایه‌های فرهنگ مشترکی را با ایرانیان پی‌ریزی کردند. اما به علت عدم استفاده از حروف فارسی به خصوص در ایران اسلامی و همچنین وجود فشارهای مذهبی، اجتماعی و اقتصادی از مسیر کلی فرهنگ و ادبیات ایرانی جدا ماندند و آثار آنان به علت محدودیت‌های فوق از نظر بلاغت کلام و صنایع ادبی زیاد رشد نکرد. با وجود این بعضی از شعرا و نویسندگان فارسی‌پسود از فصاحت و هنرهای بدیع بی‌بهره نبودند و آثار بارزشی را برای فرهنگ ایران به جا گذارده‌اند. تاثیر دوم اینکه یهودیان ایرانی باز هم به علت مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و عدم تکلم به زبان عبری از سایر مراکز جهانی یهودی به خصوص بعد از انتقال مرکز یهودیت از بغداد به اسپانیا (در حدود ۹۱۵ میلادی) دور افتادند و در عرصه جهانی فرهنگ یهودیان نیز نتوانستند از خود نشان‌های زیادی باقی گذارند. در هر حال آنچه که مسلم است ادبیات فارسی‌پسود با همین خصوصیات مخصوص به خود نمودار شرایط زندگی، اوضاع تاریخی و احساسات و عواطف نویسندگان و خوانندگان آن است.

به هنگام نقد ادبیات فارسی‌پسود توصیه «ژان ریکاک» به منتقدین غرب در مورد بررسی و نقد ادبیات شرق را باید مد نظر داشت. اگر منطق او را در مورد بررسی ادبیات فارسی‌پسود نیز به کار ببریم متوجه می‌شویم که این ادبیات را باید از دیدگاه موقعیت زمانی و مکانی و معیارهای ذهنی گویندگان و خوانندگان مخصوص به خود سنجید و نه از دیدگاه و معیارهای سایر انواع ادبیات فارسی. □

(ادامه دارد)

سیمانطوب ملمد شاعر و عارف (قرن نوزده).

۲- بهیا ابن پکودا: (اواخر قرن یازده) از اسپانیا الهام‌بخش سیمانطوب ملمد.

۳- ابراهام بن حسدای: (قرن سیزده) از اسپانیا، الهام‌بخش الیشا بن شموئیل موسوم به راغب از سمرقند (قرن هفدهم).

۴- راب شمعون بن عباس بن ابون: (قرن دوازدهم) از شمال آفریقا الهام‌بخش بنیامین بن الیشا متخلص به امینا از کاشان (قرن هفده و هجده).

انواع ادبیات فارسی‌پسود:

ادبیات فارسی‌پسود بر سه پایه متفاوت زمان، فرم و متن بنا شده است.

از نظر زمان: این آثار به دو دوره قبل و بعد از مغول تقسیم شده‌اند. آثار قبل از دوران مغول بیشتر دارای اهمیت زبان‌شناسی و آثار بعد از مغول دارای اهمیت ادبی، تاریخی و اجتماعی می‌باشند.

از نظر فرم: آثار فارسی‌پسود به دو فرم نظم و نثر تقسیم شده‌اند.

از نظر متن: این آثار به دو بخش نظم و نثر گروه‌بندی شده‌اند: آثار منظوم شامل متون حماسی، مذهبی، تاریخی، غنایی و اخلاقی بوده و آثار مثنوی اکثراً شامل تراجم و تفاسیر کتاب مقدس، کتب پزشکی، لغت‌نامه‌ها، و سایر مطالب عمومی بوده است. ترجمه‌های تورات نه تنها رهگشای باستان‌شناسان و اروپاییان از فعالیت‌های فرهنگی ممتد یهودیان ایران گردید بلکه باعث یادگیری و ترویج زبان فارسی در میان زبان‌شناسان اروپایی نیز شده است. لازم به توضیح است که علاوه بر نسخ فارسی‌پسود قسمت‌هایی از تورات مستقیماً به خط فارسی ترجمه شده‌اند. این نسخ اغلب یا به دستور جهانگردان و پادشاهانی مانند شاه‌عباس و نادرشاه انجام گرفته است و یا به صورت پراکنده و به دست افراد خصوصی. از آن جمله می‌توان از شش فصل اول کتاب آفرینش توسط [...] چند مرید سعید سرمد کاشانی نام برد. این ترجمه در کتاب دبستان المذاهب منعکس است.

فارسی‌پسود اکثراً از استادان ایرانی غیریهودی و یا از آثار استادان یهودی غیرایرانی متأثر بوده‌اند. مبین این امر تسلط آنان بر فرهنگ ایرانی و یهودی و حتی در مورد بعضی از آنان تسلط بر فرهنگ اسلامی می‌باشد.

کمبود شعرای مدیحه‌سرا (به استثنای مدح شاهین از سلطان ابوسعید بهادر) نمایانگر اوضاع اقتصادی و اجتماعی شعرای یهودی و عدم رابطه آنان با دربار سلاطین ایران است

از جمله شعرای بزرگ ایرانی که بر نویسندگان ادبیات فارسی‌پسود اثرگذار بوده‌اند باید از شعرای ذیل نام برد:

۱- فردوسی: در مورد اشعار حماسی الهام‌بخش شاهین، عمرانی و خواجه بخارانی.

۲- نظامی: در مورد اشعار داستانی الهام‌بخش شاهین، عمرانی و بابایی بن لطف.

۳- سعدی: در مورد اشعار اخلاقی و پند و اندرز الهام‌بخش عمرانی.

۴- مولوی و عطار نیشابوری: در مورد اشعار عرفانی الهام‌بخش شاهین، عمرانی، راغب، سیمانطوب ملمد و شاهدی.

۵- خیام و حافظ: در مورد اشعار غنایی الهام‌بخش عمرانی و یوسف یهودی. کمبود شعرای مدیحه‌سرا (به استثنای مدح شاهین از سلطان ابوسعید بهادر) نمایانگر اوضاع اقتصادی و اجتماعی شعرای یهودی و عدم رابطه آنان با دربار سلاطین ایران است. پزشکان یهودی در این مورد مستثنی بوده‌اند زیرا که آنان از دیرباز، از ایلخانان تا پهلوی، همیشه مورد اعتماد و طبیب دربار پادشاهان ایرانی بوده‌اند.

از استادان و فلاسفه غیر ایرانی یهودی که الهام‌بخش شعرا و فلاسفه فارسی‌پسود بوده‌اند می‌توان به نام‌های ذیل مراجعه کرد:

۱- ابن‌میمون: (قرن سیزده و چهارده میلادی) از اسپانیا و ساکن مصر، الهام‌بخش عمرانی (قرن پانزده و شانزده)، یهودا بن الازار [الغازار] فیلسوف بزرگ (قرن هفده) و

استعمال دخانیات از دیدگاه شرع یهود (هلاخا)

سیما مقتدر



در زبان عبری به اصول شرعی، «هلاخا» اطلاق می‌شود. این واژه از نظر لغوی به معنای حرکت کردن است و در برگرنده این معناست که قوانین مذهبی یهود همیشه دارای روندی رو به جلو می‌باشند. توانمندی هلاخا مشروط به مطرح نمودن سؤال‌های جدید است. اصولاً این سؤالات در پی اکتشافات و پیشرفت‌های فنی، علمی و یا در پی تغییرات سیاسی و اجتماعی مطرح می‌شود و باید به آنها پاسخ داده شود. توانمندی دیگر هلاخا در بررسی مجدد سؤالات پاسخ داده شده نیز هست. این قسم از سؤالات در پی دستیابی به اطلاعات جدید و لزوم ارایه پاسخ شرعی به آنها به وجود می‌آید. به طور مثال این سؤال که آیا استعمال دخانیات از نظر شرعی مجاز می‌باشد یا خیر، نمونه بارزی است از توانمندی قوانین مذهبی یهود یا همان هلاخا. بررسی این سؤال به خوبی پیشرفت قوانین مذهبی را روشن می‌نماید.

ارائه پاسخ شرعی در ارتباط با سیگار کشیدن مرتباً تغییر نموده و این خود حاصل پیشرفت‌های بزرگ در علوم پزشکی در این زمینه است. تنوع پاسخ‌های شرعی راجع به استعمال دخانیات، به سه مقطع زمانی با ارائه سه نظر متفاوت تقسیم می‌شود:

در اولین مقطع زمانی، سیگار کشیدن مجاز شمرده می‌شد. در دومین دوره ترک سیگار توصیه شد و آخرین مقطع زمانی، سیگار کشیدن را از نظر شرعی به طور کلی ممنوع دانسته است.

دوره اول

تا زمانی که فقط نتایج مثبت و سودمند سیگار کشیدن برای سلامت بشر روشن شده بود، صاحب‌نظران علوم شرعی استعمال دخانیات را مجاز می‌دانستند و حتی مشوق جامعه در استعمال دخانیات بودند. در این مقطع زمانی حتی از نظر «حسیدیم» به عنوان

گروهی از زهاد یهودی و بسیاری از رهبران مذهبی، سیگار کشیدن معنایی مذهبی پیدا نمود. آنها سیگار کشیدن و به ویژه استفاده از پیپ را به معنای «بخوری که خداوند آن را دوست دارد» مطرح و عملاً آن را با «بخوری که در بت‌همیقداش (معبد بیت‌المقدس) گذرانده می‌شد» مقایسه می‌نمودند. آنها به این طریق می‌خواستند اهمیت سیگار کشیدن را از نظر شرعی نشان دهند.

با وجود اینکه مخالفین حسیدیم به این نظریه اعتقاد نداشتند، اما آنها نیز سیگار کشیدن را از نظر شرعی مجاز اعلام نمودند. در موسسات آموزش علوم مذهبی به وفور سیگار کشیده می‌شد و کم کم استعمال دخانیات به صورت جزء لاینفک در یادگیری در کلاس‌ها در آمده بود.

دوره دوم

این مقطع زمانی در اواسط قرن بیستم میلادی و با تغییر در نگرش‌ها آغاز شد. در این زمان اولین نتایج علمی و آماری از مضرات سیگار برای سلامتی - به ویژه نتایج سرطان‌زا بودن آن - روشن شد و به همین سبب صاحب‌نظران و رهبران علوم مذهبی یهود یا «پسقیم» دیدگاه خود را نسبت به استعمال دخانیات تغییر دادند.

از جمله مواردی که به وضوح در این تغییر مشاهده می‌شود، دو رساله مذهبی است که «حاخام موشه فاین‌اشتاین» (۱۹۸۶-۱۹۹۵) از مهم‌ترین و برجسته‌ترین رهبران مذهبی اشکنازی در علم هلاخا در نیمه دوم قرن بیستم به رشته تحریر درآورده است.

دو رساله مذهبی وی که یکی در سال ۱۹۶۴ و دیگری در سال ۱۹۸۱ منتشر شده

است، نمونه بارزی از پویایی هلاخا بوده و به وضوح نشان‌دهنده آغاز بررسی مجدد مجاز بودن استعمال دخانیات از نظر مذهبی و با توجه به نتایج جدید در علم پزشکی می‌باشد. در آن زمان به این علت که اتحاد کلام میان بررسی‌های پزشکی وجود نداشت و استعمال دخانیات از نظر پزشکی با صراحت رد نشده بود، سیگار کشیدن از نظر شرعی نیز ممنوع اعلام نشد. اما آنها معتقد بودند بهتر است کسانی که هنوز دخانیات استعمال ننموده‌اند، سیگار نکشند.

دوره سوم

جمع کثیری از رهبران مذهبی که هر روزه بر تعداد آنها نیز افزوده می‌شود امروزه بر این اعتقاد هستند که استعمال دخانیات شرعاً ممنوع است. زیرا ثابت شده سیگار برای سلامتی ضرر دارد و ادامه حیات را به مخاطره می‌اندازد. به این جهت آنها معتقدند استعمال دخانیات نوعی بی‌توجهی به فرمان خداوند در تورات می‌باشد. خداوند در کتاب دواریم (تثنیه) فصل ۴ آیه ۱۵ فرموده است: «بسیار مراقب جان‌های خود باشید». از آنجا که امروزه به صراحت ثابت شده است که استعمال دخانیات ادامه حیات بشری را به خطر می‌اندازد، باید به عنوان عملی که در تورات، انجام آن منع شده است، از آن پرهیز نمود.

در اولین مقطع زمانی، سیگار کشیدن مجاز شمرده می‌شد. در دومین دوره ترک سیگار توصیه شد و آخرین مقطع زمانی، سیگار کشیدن را از نظر شرعی به طور کلی ممنوع دانسته است.

جالب توجه است که علاوه بر دلایل پزشکی، موارد دیگری از نظر شرعی مطرح شده که باعث منع استعمال دخانیات توسط رهبران مذهبی شده است. از جمله اینکه عده‌ای از رهبران مذهبی معتقدند سیگار کشیدن، نوعی اتلاف وقت و امکانات محسوب شده و چون به هدر دادن نعمات زندگی، امری خلاف ارزش‌های دینی است، اکثر رهبران مذهبی یهود در ممنوعیت استعمال دخانیات از نظر شرعی اتفاق نظر دارند. ■

فروردین

اردیبهشت

خرداد

یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	غروب	شنبه
تقویم ۱۳۸۲ خورشیدی (۵۷۶۳ - ۵۷۶۴ هجری) توجه: شروع قوانین روز شبات (شنبه)، دقایقی قبل از غروب جمعه و پایان آن حدود ۳۰ دقیقه پس از غروب روز شنبه است.							
۱۹ اردیبهشت عید نوروز - تعطیل	۲۰ اردیبهشت عید نوروز - تعطیل	۲۱ اردیبهشت	۲۲ اردیبهشت	۲۳ اردیبهشت	۲۴ اردیبهشت	۱۷ اردیبهشت ساعات تابستانی و به افق تهران عید نوروز - تعطیل	۱۸ اردیبهشت عید نوروز - تعطیل
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۱۹:۲۲	۹
۲۶ اردیبهشت	۲۷ اردیبهشت	۲۸ اردیبهشت روز جمهوری اسلامی - تعطیل	۲۹ اردیبهشت روز طبیعت - تعطیل	اول نیسان روشن خورشید	۲ نیسان	۱۹:۲۸	۳ نیسان قرنبرج ولادت امام محمد باقر (ع)
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۹:۳۸	۱۶
۴ نیسان	۵ نیسان	۶ نیسان	۷ نیسان ولادت امام موسی کاظم (ع)	۸ نیسان	۹ نیسان	۱۹:۳۴	۱۰ نیسان مستوراج شیرات کنگول
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۱۹:۳۴	۲۳
۱۱ نیسان	۱۲ نیسان	۱۳ نیسان	۱۴ نیسان آئینه یسج	۱۵ نیسان عید یسج تعطیل (مدارس) کلیه یان	۱۶ نیسان دوم یسج - تعطیل کلیه یان شروع عید یسج	۱۹:۴۰	۱۷ نیسان سوم یسج
۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۱۹:۴۰	۳۰
یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	غروب	شنبه
۱۸ خرداد چهارم یسج شروع بارش	۱۹ خرداد پنجم یسج	۲۰ خرداد ششم یسج از یسج خنجر - تعطیل	۲۱ خرداد هفتم یسج تعطیل (مدارس) کلیه یان	۲۲ خرداد هشتم یسج تعطیل (مدارس) کلیه یان	۲۳ خرداد	۱۹:۴۶	۲۴ خرداد نهم یسج شروع فرات فصل پدری
۳۱ فروردین	۱	۲	۳	۴	۵	۱۹:۴۶	۶
۲۵ خرداد	۲۶ خرداد	۲۷ خرداد	۲۸ خرداد رحمت حضرت رسول (ص) و شهادت امام علی (ع) - تعطیل	۲۹ خرداد	۳۰ خرداد شهادت امام رضا (ع) تعطیل - روشن خورشید	۱۹:۵۱	اول ایار قدوسیه روشن خورشید
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۹:۵۱	۱۳
۲ ایار	۳ ایار	۴ ایار	۵ ایار	۶ ایار	۷ ایار	۱۹:۵۷	۸ ایار امور
۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۱۹:۵۷	۲۰
۹ ایار	۱۰ ایار	۱۱ ایار	۱۲ ایار	۱۳ ایار	۱۴ ایار	۲۰:۰۳	۱۵ ایار پارسه
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۰:۰۳	۲۷
۱۶ ایار	۱۷ ایار میلاد حضرت رسول (ص) و امام جعفر صادق (ع) - تعطیل	۱۸ خرداد سی و سوم عید یسج هفتاد و یکم رجب ششمین	۱۹ ایار				
۲۸	۲۹	۳۰	۳۱				
یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	غروب	شنبه
				۲۰ ایار	۲۱ ایار	۲۰:۰۸	۲۲ ایار بحر قونی فتح خرمشهر
				۱	۲	۲۰:۰۸	۳
۲۳ ایار	۲۴ ایار	۲۵ ایار	۲۶ ایار	۲۷ ایار	۲۸ ایار	۲۰:۱۳	۲۹ ایار نمیدان
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۲۰:۱۳	۱۰
اول سیوان روشن خورشید	۲ سیوان	۳ سیوان	۴ سیوان رحمت حضرت امام حسین (ع) - تعطیل	۵ سیوان قیام ۱۵ خرداد - تعطیل	۶ سیوان عید تزلزل تورت (شهر سوخت)	۲۰:۱۷	۷ سیوان دوازدهم عید شاد و سوخت - تعطیل (مدارس) کلیه یان
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۲۰:۱۷	۱۷
۸ سیوان	۹ سیوان ولادت امام حسن عسکری (ع)	۱۰ سیوان	۱۱ سیوان ولادت حضرت موسی باقر (ع)	۱۲ سیوان	۱۳ سیوان	۲۰:۲۱	۱۴ سیوان ناشو
۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۰:۲۱	۲۴
۱۵ سیوان	۱۶ سیوان	۱۷ سیوان	۱۸ سیوان	۱۹ سیوان	۲۰ سیوان	۲۰:۲۳	۲۱ سیوان پشتکوتخا
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۲۰:۲۳	۳۱

یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	غروب	شنبه
۲۲ سیوان	۲۳ سیوان	۲۴ سیوان	۲۵ سیوان	۲۶ سیوان	۲۷ سیوان	۲۰:۲۴	۲۸ سیوان شبح لدا
۱	۲	۳	۴	۵	۶		۷
۲۹ سیوان	۳۰ سیوان	اول تموز نوم روش خورش	۲ تموز	۳ تموز	۴ تموز	۲۰:۲۴	۵ تموز فوزج ولادت حضرت زینب(س)
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳		۱۴
۶ تموز	۷ تموز	۸ تموز	۹ تموز	۱۰ تموز	۱۱ تموز	۲۰:۲۲	۱۲ تموز حکمت-بلائی(دو پارکشی)
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰		۲۱
۱۳ تموز شهادت حضرت فاطمه(س) (به وقت)	۱۴ تموز	۱۵ تموز	۱۶ تموز	۱۷ تموز روزه واجب کلیمیان	۱۸ تموز	۲۰:۱۹	۱۹ تموز پنجاس
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷		۲۸
۲۰ تموز	۲۱ تموز	۲۲ تموز				۲۰:۱۹	
۲۹	۳۰	۳۱					

یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	غروب	شنبه
			۲۳ تموز	۲۴ تموز	۲۵ تموز	۲۰:۱۵	۲۶ تموز شهادت سینه (دو پارکشی)
			۱	۲	۳		۴
۲۷ تموز	۲۸ تموز	۲۹ تموز	اول او روش خورش	۲ او	۳ او	۲۰:۰۹	۴ او دولیم شهادت حضرت فاطمه(س)
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰		۱۱
۵ او	۶ او	۷ او	۸ او	۹ او روزه نهیم او روزه واجب کلیمیان	۱۰ او	۲۰:۰۲	۱۱ او وشتین شهادت نحمو
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷		۱۸
۱۲ او	۱۳ او	۱۴ او	۱۵ او چشم بازدهم او	۱۶ او	۱۷ او	۱۹:۵۴	۱۸ او عفو
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴		۲۵
۱۹ او	۲۰ او	۲۱ او ولادت خاتمه(س) روز زن - تولد فاطمه(س) (دو)	۲۲ او	۲۳ او	۲۴ او		
۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱		

یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	غروب	شنبه
						۱۹:۴۵	۲۵ او رنه
							۱
۲۶ او	۲۷ او	۲۸ او	۲۹ او کیور سلطان روزه مستحب کلیمیان	۳۰ او روش خورش	اول الول ولادت امام محمد باقر(ع) روش خورش	۱۹:۳۷	۲ الول توطعیم
۲	۳	۴	۵	۶	۷		۸
۳ الول شهادت امام علی(ع) اول سلجوت	۴ الول	۵ الول	۶ الول	۷ الول	۸ الول	۱۹:۲۷	۹ الول کی-تبه
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴		۱۵
۱۰ الول ولادت امام محمد تقی(ع)	۱۱ الول	۱۲ الول	۱۳ الول ولادت حضرت علی(ع) - تعطیل	۱۴ الول	۱۵ الول ولدت حضرت زینب(س)	۱۹:۱۷	۱۶ الول کی-تاوو
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱		۲۲
۱۷ الول	۱۸ الول	۱۹ الول	۲۰ الول	۲۱ الول	۲۲ الول	۱۹:۰۶	۲۳ الول نیاسلیم-ویلیج (دو پارکشی)
۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸		۲۹
۲۴ الول	۲۵ الول شهادت امام موسی کاظم(ع)						
۳۰	۳۱						

ک:

م داد

تسلیمور

یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	غروب	شنبه
		۲۶ الول	۲۷ الول بیت نظرت رسول (س) - تعطیل	۲۸ الول	۲۹ الول ادبائوش هاشا	طلوع ساعات رستنی ۱۷:۵۶	اول تیشری اول روش هاشا - تعطیل (مدارس) کلیان آغاز سال ۵۷۶۴ عیوی
۲ تیشری دوروش هاشا - تعطیل (مدارس) کلیان	۳ تیشری روزه واجب گدلیا	۴ تیشری ولادت امام حسین (ع)	۵ تیشری	۶ تیشری	۷ تیشری	۱۷:۴۶	۸ تیشری هتزیو - شبات شووا
۹ تیشری ادبائوش کیور	۱۰ تیشری یوم کیور روزه بزرگ کلیان تعطیل (مدارس) کلیان	۱۱ تیشری	۱۲ تیشری	۱۳ تیشری	۱۴ تیشری	۱۷:۳۶	۱۵ تیشری اول عید سوکوت (ایامها) - تعطیل (مدارس) کلیان
۱۶ تیشری دوم سوکوت هتزیو - شبات شووا	۱۷ تیشری سوم سوکوت	۱۸ تیشری چهارم سوکوت	۱۹ تیشری پنجم سوکوت	۲۰ تیشری ششم سوکوت	۲۱ تیشری هشتم سوکوت	۱۷:۲۴	۲۲ تیشری عید شبت حضرت (تعطیل) (مدارس) کلیان
۲۳ تیشری چشم سحر (تعطیل) (مدارس) کلیان	۲۴ تیشری	۲۵ تیشری	۲۶ تیشری				

یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	غروب	شنبه
				۲۷ تیشری	۲۸ تیشری	۱۷:۱۸	۲۹ تیشری برشیت
۳۰ تیشری اول روش خودش	۱ اول حشوان دوم روش خودش	۲ حشوان	۳ حشوان	۴ حشوان	۵ حشوان	۱۷:۱۰	۶ حشوان لویح
۷ حشوان	۸ حشوان	۹ حشوان	۱۰ حشوان	۱۱ حشوان	۱۲ حشوان	۱۷:۰۴	۱۳ حشوان لویح ایحا
۱۴ حشوان	۱۵ حشوان ولادت امام حسن (ع)	۱۶ حشوان	۱۷ حشوان	۱۸ حشوان	۱۹ حشوان	۱۶:۵۸	۲۰ حشوان ویسوا
۲۱ حشوان شبت حضرت (ع) - تعطیل	۲۲ حشوان	۲۳ حشوان	۲۴ حشوان	۲۵ حشوان	۲۶ حشوان		

یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	غروب	شنبه
						۱۶:۵۴	۲۷ حشوان حبه سارا
۲۸ حشوان	۲۹ حشوان	۳۰ حشوان اول روش خودش	۱ اول کیسلو عید قنر - تعطیل دوم روش خودش	۲ کیسلو	۳ کیسلو	۱۶:۵۲	۴ کیسلو نولدوت
۵ کیسلو	۶ کیسلو	۷ کیسلو	۸ کیسلو	۹ کیسلو	۱۰ کیسلو	۱۶:۵۱	۱۱ کیسلو ویسه
۱۲ کیسلو	۱۳ کیسلو	۱۴ کیسلو	۱۵ کیسلو	۱۶ کیسلو	۱۷ کیسلو	۱۶:۵۱	۱۸ کیسلو ویشلح
۱۹ کیسلو	۲۰ کیسلو	۲۱ کیسلو	۲۲ کیسلو	۲۳ کیسلو	۲۴ کیسلو	۱۶:۵۳	۲۵ کیسلو ویشو - جشن حوکا شبت امام سادق (ع) - تعطیل

یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	غروب	شنبه
۲۶ کیسلو دوم جنوگا	۲۷ کیسلو سوم جنوگا	۲۸ کیسلو چهارم جنوگا	۲۹ کیسلو پنجم جنوگا	۳۰ کیسلو ششم جنوگا میلاد حضرت مسح میلاد حضرت مصطفی(س) اول روزی خودش	اول طوت هفتم جنوگا دوم روزی خودش	۱۶:۵۷	۲ طوت هشتم جنوگا
۳۰ آذر	۱	۲	۳	۴	۵		۶
۳ طوت	۴ طوت	۵ طوت	۶ طوت	۷ طوت آغاز سال ۲۰۰۴ میلادی	۸ طوت	۱۷:۰۲	۹ طوت ویدگش
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲		۱۳
۱۰ کیسلو روزه واجب دهم طوت ولادت امام رضا (ع)	۱۱ طوت	۱۲ طوت	۱۳ طوت	۱۴ طوت	۱۵ طوت	۱۷:۰۸	۱۶ طوت ویدگش
۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹		۲۰
۱۷ طوت	۱۸ طوت	۱۹ طوت	۲۰ طوت	۲۱ طوت	۲۲ طوت	۱۷:۱۵	۲۳ طوت شعبه
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶		۲۷
۲۴ طوت	۲۵ طوت	۲۶ طوت					
۲۸	۲۹	۳۰					

سی

یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	غروب	شنبه
			۲۷ طوت	۲۸ طوت شهادت امام محمد تقی (ع)	۲۹ طوت	۱۷:۲۲	اول شواط ویدگش روزی خودش
			۱	۲	۳		۴
۲ شواط	۳ شواط	۴ شواط	۵ شواط	۶ شواط شهادت امام محمد باقر (ع)	۷ شواط	۱۷:۲۹	۸ شواط سوم
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰		۱۱
۹ شواط عید قربان - تعطیل	۱۰ شواط	۱۱ شواط	۱۲ شواط	۱۳ شواط	۱۴ شواط ولادت امام علی تقی (ع)	۱۷:۳۶	۱۵ شواط پیشانی ایلاتون - (چشم درختان)
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷		۱۸
۱۶ شواط	۱۷ شواط عید غدیر خم - تعطیل	۱۸ شواط	۱۹ شواط سلک و پیروزی انقلاب تعطیل	۲۰ شواط	۲۱ شواط	۱۷:۴۴	۲۲ شواط پیشرو (فراتر ده فرمان)
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴		۲۵
۲۳ شواط	۲۴ شواط	۲۵ شواط	۲۶ شواط	۲۷ شواط			
۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰			

جبهه

یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	غروب	شنبه
					۲۸ شواط	۱۷:۵۱	۲۹ شواط مشتیاطیم شکات شقایق
					۱		۲
۳۰ شواط اول روزی خودش آغاز سال ۱۳۲۵ قمری	اول ادار	۲ ادار	۳ ادار	۴ ادار	۵ ادار	۱۷:۵۷	۶ ادار تیروما
۳	۴	۵	۶	۷	۸		۹
۷ ادار	۸ ادار تسوعای حسین - تعطیل	۹ ادار عشرای حسین - تعطیل	۱۰ ادار	۱۱ ادار شهادت امام زین العابدین (ع) روزه اشتر	۱۲ ادار	۱۸:۰۴	۱۳ ادار نستوه شکات زانور
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵		۱۶
۱۴ کیسلو جشن پوریم	۱۵ ادار پوریم شوشن	۱۶ ادار	۱۷ ادار	۱۸ ادار	۱۹ ادار	۱۸:۱۰	۲۰ ادار کلی تپا شکات پیرا
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲		۲۳
۲۱ ادار	۲۲ ادار	۲۳ ادار	۲۴ ادار	۲۵ ادار	۲۶ ادار روز ملی شدن صنعت نفت - تعطیل	۱۸:۱۵	۲۷ ادار ویدگش پهلوه شکات هخودش
۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹		۳۰

اسفند



نگاهی دوباره به ایمره کرتز Imre Kertész زیستن یعنی انطباق با شرایط

تنظیم: مرجان ابراهیمی



در شماره گذشته، ایمره کرتز، برنده یهودی جایزه نوبل ادبیات ۲۰۰۲ معرفی شد. پس از آن، زندگی و آثار این نویسنده اهل مجارستان در چندین نشریه فرهنگی - ادبی مورد بررسی قرار گرفت. گزیده‌هایی از این مقالات در ادامه می‌آید:

غایت تباهی انسان

در موجودیتی مدرن

ایمره کرتز امکان زیستن و اندیشیدن فرد را در زمانه‌ای می‌کاود که تبعیت انسان‌ها از نیروهای اجتماعی مدام بیشتر شده است. آثار او پیوسته به رویداد تعیین کننده زندگی خود او باز می‌گردد. دوره‌ای که او در آشویتس سپری کرد، زیرا هنگامی که پسری بیش نبود در جریان آزار و تعقیب یهودیان مجارستان به آشویتس فرستاده شد. برای او آشویتس لکه‌ای ناهم‌رنگ از تاریخ متعارف اروپای غربی نبود، بلکه غایت تباهی انسان در موجودیت مدرن آن بود.

نخستین رمان کرتز به نام بی‌سرنوشت (یا بخت‌برگشته) Fateless (۱۹۷۵) سرگذشت جوانی است به نام «کووش» که دستگیر و به اردوگاه کار اجباری فرستاده می‌شود اما خود را با شرایط انطباق می‌دهد و جان سالم به در می‌برد. در رمان از این شگرد خلاف عادت استفاده می‌شود که واقعیت اردوگاه کاملاً بدیهی انگاشته می‌شود، مثل هر زندگی روزمره‌ای از نوع دیگر؛ -که البته شرایطی بی‌رحمانه دارد- اما از لحظه‌های سعادت هم تهی نیست. کووش مثل یک کودک به وقایع نگاه می‌کند، یعنی درست از وقایع سر

در نمی‌آورد و آن‌ها را غیرطبیعی یا ناراحت کننده نمی‌یابد؛ پاسخ‌های حاضر و آماده ما را ندارد. باورپذیری حیرت‌انگیز توصیفات شاید ناشی از فقدان هرگونه عنصر بیزاری یا اعتراض متافیزیکی باشد که این سوژه می‌طلبد. خواننده فقط با سببیت و قساوت مواجه نیست بلکه می‌بیند که در این بی‌رحمی‌ها تفکری هم وجود ندارد. هم جلادان و هم قربانیان، تمام فکر و ذکرشان مسائل عاجل روزمره است و خبری از مسائل بزرگ نیست. پیام کرتز این است: زیستن عبارت است از انطباق با شرایط. ظرفیت اسیران برای کنار آمدن با اوضاع آشویتس یکی از پیامدهای همین اصل است که در همزیستی روزمره انسان‌ها تجلی می‌یابد.

نویسنده که این طور می‌اندیشد با سستی فلسفی سروکار می‌یابد که در آن زندگی و روح انسانی دشمن یکدیگرند.

در «قدیش [مرثیه] برای کودک به دنیا نیامده» (۱۹۹۰)، نویسنده تصویری بسیار منفی از کودکی ارائه می‌دهد و از این «پیش تاریخ» به احساس متناقض انس گرفتن با اردوگاه می‌رسد. او عشق را مرحله غایی انطباق با شرایط می‌نماید و آن را تسلیم شدن به شوق و میل - به قصد ادامه حیات به هر قیمت - می‌داند. برای کرتز، بُعد روحی انسان در عدم انطباق با زندگی نهفته است و تجربه فرد به محض این که در پرتو نیازها و منافع جمع در نظر گرفته شود، بیهوده به نظر می‌رسد.

کرتز در «مجموعه یادداشت‌های گالی» (۱۹۹۲) کل گستره فکری خود را نمایان می‌کند. او می‌نویسد که «توجهات نظری

صرفاً جعلیات‌اند» اما در عین حال به گفت‌وگویی خستگی ناپذیر با سنت بزرگ نقد فرهنگی - پاسکال، گوته، شوپنهاور، نیچه، کافکا، کامو، بکت، و برنهارد - می‌پردازد. ایمره کرتز خودش به تنهایی یک اقلیت را تشکیل می‌دهد. نسبت خودش با مفهوم «یهودی» را تعریفی می‌داند که دشمن به او تحمیل کرده است. اما این تقسیم‌بندی دلبخواهی، به دلیل عواقبی که داشته است، در هر حال سبب آشنایی و بهره‌گیری او از عمیق‌ترین شناخت انسانی و نیز عصری که در آن می‌زید، شده است.

تمامی آن چه در توان داشتم جمع کردم تا شادی را چون دوران خوب گذشته من که در آن جا سپری شده بود، میان دیگران تقسیم کنم

رمان‌های بعد از «بی‌سرنوشت» (۱۹۷۵)، «شکست» (۱۹۸۸) و «قدیش [مرثیه] برای کودک به دنیا نیامده» (۱۹۹۰)، به نوعی تعبیر و تفسیر و مکمل کار اول او هستند. تم شکست این گونه فراهم شده است: موقعی که منتظر رد شدن رمان واقعی - همان رمان درباره آشویتس - است، نویسنده سالخورده روزها را صرف نوشتن رمانی امروزی به سبک کافکا می‌کند که شرح خفقان‌گونه‌ای از اروپای شرقی سوسیالیستی است.

پایان به او خبر می‌دهند که کتاب قبلی، به رغم همه مسائل چاپ خواهد شد، ا نویسنده فقط احساس تهی بودن می‌کند وقتی کتاب در بازار ادبی به تماشا گذاشته می‌شود، شخصیت نویسنده به شیء بدل می‌شود و رازهایش به چیزهای پیش پا افتاده.

این که کاری از دستان برآید شاهد بودیم اروپا اجازه داد کشتار جمعی یک بار دیگر اتفاق افتد. ما ممکن است دارای یک پیوند مالی و اقتصادی اروپایی باشیم، اما یک روح اروپایی، گویی که ما را فراتر از ملی‌گرایی فردی‌مان به هم پیوند دهد هنوز متولد نشده است.

نیوزویک: این روزها از یک هویت و ارزش‌های اروپایی جدا از هویت و ارزش‌های آمریکایی صحبت زیادی می‌شود.

کرتز: ما نیاز داریم یک هویت اروپایی



که آمریکا را دوست داشته باشد پیدا کنیم، چون اروپا مدیون آمریکا است. من هرگز روزی را که نیروهای ایالات متحده مرا از اردوگاه آزاد کردند فراموش نمی‌کنم. تنها حمایت آمریکا در جریان جنگ سرد به آلمان امکان داد مکان صلح‌آمیز خود را در میان کشورهای غربی پیدا کند و سرانجام با فرانسه کنار آید. و فراموش نکنیم که آمریکا برپایه زیباترین آرمان‌های اروپا ساخته شد.

نیوزویک: سده جدید یک وحشت جدید با خود آورد: تروریسم.

کرتز: در آمریکا و غرب، مردم‌سالاری توانست استالینسم و تهدید جنگ جهانی سوم را پشت سر بگذارد. ما باید مطمئن شویم از دست تروریسم نیز جان سالم به در خواهد برد. ترور مانند استبدادگرایی است که می‌تواند زندگی‌های ما را به کنترل خود درآورد. و بعد زندگی خیلی خیلی تلخ خواهد شد. شگفتی در این جا است که ما اروپائیان دیگر نمی‌توانیم تصور کنیم

نیوزویک: بیشتر نوشته‌های شما درباره این فاجعه عظیم است که شما می‌گویید متعلق به همه اروپا است.

کرتز: آشویتس مظهر غایی یک رویداد کاملاً جدید در تاریخ اروپاست: دیکتاتوری مطلق، استبدادگرایی سده بیستم اروپا (فاشیسم و کمونیسم) یک گونه کاملاً جدید انسان خلق کرد. آن‌ها شخص را مجبور کردند به شیوه‌ای که هرگز در گذشته مجبور نبود، سرنوشت خود را انتخاب کند: یا قربانی شود یا شکارچی. حتی زنده ماندن هم شامل تبانی و سازش می‌شد که اگر می‌خواستید تکه نان بیشتری برای خانواده‌تان ببرید باید به آن تن درمی‌دادید. این انتخاب، میلیون‌ها اروپایی را از شکل انداخت.

نیوزویک: اما آیا عصر استبدادگرایی اروپا در سال ۱۹۸۹ پایان نیافت؟

کرتز: پس از سال ۱۹۸۹، هیچکس قبول نکرد تبانی را انتخاب کرده بوده است. یک شبه همه به یک ناراضی تبدیل شدند، یک دروغ جانشین دروغی دیگر شد، و این مشکلی است که همه اروپای شرقی باید با آن روبرو شود.

نیوزویک: پس از دهه‌ها جدایی از غرب به وسیله پرده آهنین، مجارستان زادگاه شما در سال ۲۰۰۴ به اتحادیه اروپا خواهد پیوست. آیا اکنون تقسیم اروپا پایان یافته است؟

کرتز: ما ممکن است در زمینه اقتصادی با یکدیگر رشد کنیم، اما ضربه‌های روحی بسیاری وجود دارد که

کرتز: من بنیادی‌ترین لحظه‌های شادی را در این اردوگاه کار اجباری تجربه کردم

باید به آن پرداخته شود. ملی‌گرایی کهن که در بالکان منفجر شد نمونه آن است. و شرق اروپا به اتحادیه اروپا که پس از سال ۱۹۸۹ مدتی طولانی صبر کرد تا سراغش برود اعتماد ندارد. به آن باز گردیم، ما همه با شور و شوق به اروپای متحد نگاه می‌کردیم، ولی چه شد؟ به جای آن ما بدون

امتناع از سازش در دیدگاه را می‌توان به وضوح در سبک کرتز دید. سبک او ما را به یاد خارپشتی می‌اندازد که به هر میهمان ناخوانده‌ای شک دارد. اما کرتز خوانندگان خود را از بار عواطف اجباری خلاص می‌کند و نوعی آزادی فکر برمی‌انگیزد.

خواننده فقط با سببیت و قساوت مواجه نیست بلکه می‌بیند که در این بی‌رحمی‌ها تفکری هم وجود ندارد. هم جلادان و هم قربانیان، تمام فکر و ذکرشان مسائل عاجل روزمره است و خبری از مسائل بزرگ نیست. پیام کرتز این است: زیستن عبارت است از انطباق با شرایط

«الی ویزل» که در سال ۱۹۸۶ جایزه صلح نوبل را برد - و خود از بازماندگان آشویتس است - از این انتخاب آکادمی سوئد تمجید می‌کند و می‌گوید: «او نویسنده بزرگی است. سبک نوشته و طرز تلقی‌اش چنان کیفیتی دارد که واقعاً سزاوار بزرگترین جایزه‌های ادبی است».

(نگاه‌نور - شماره ۱۰ - آبان ۸۱)

در دیکتاتوری مطلق و فضای استبدادگرایی، انسان یا شکارچی می‌شود یا قربانی

کرتز پس از دریافت جایزه نوبل با «استفان تیل» از نیوزویک به گفتگو نشست که این است فرازهایی از آن:

نیوزویک: شما می‌گویید احساس می‌کنید اقبال با شما یار بوده است که در آشویتس بوده‌اید. مرا ببخشید که این سخن برایم تکان دهنده بوده است.

کرتز: من بنیادی‌ترین لحظه‌های شادی را در این اردوگاه کار اجباری تجربه کردم. شما نمی‌توانید تصور کنید اجازه بستری شدن در بیمارستان اردوگاه، یا یک تنفس ده دقیقه‌ای پس از یک کار غیردلخواه طاقت‌فرسا، چه لذتی دارد.

نزدیکی بسیار به مرگ نیز گونه‌ای از شادی است. تنها زنده ماندن است که بالاترین آزادی و در راس همه این‌ها است.

بود که قبلاً هرگز آن‌ها را درک نکرده بودم. شاید هم بدان معتقد نبودم. مادامی که زندگی‌ام در خطر بود نسبت به زنده بودنم دچار شک می‌شدم مگر این که از روی خشم و غضب‌انیت حرف‌هایی می‌زدم که به گونه‌ای این شعله را به کلی فرونشاند. اما هنوز چیزی در وجودم مثل شور زندگی می‌سوخت. من کاملاً با این احساس آشنا بودم، حتی اگر خودم مدت زیادی آن جا نمانده باشم.

این مناقشه [تروریسم] میان ملت‌ها نیست، بلکه میان عقل‌گرایی و واپس‌گرایی، میان فرهنگ‌هایی است که نمی‌توانند یکدیگر را درک کنند که بسیار بسیار خطرناک است

به راحتی احساس کردم بدنم آنجا قرار دارد و از هر دو طرف و بالای سر احاطه شده است. کف کوبه پر سروصدای قطار، حصری پهن کرده بودند که به خاطر مایع روان نامعلومی خیس بود. فکر می‌کردم باندازه‌ایم تا زمانی که پاره شوند. باقی می‌مانند. اما بلوز و شلواری که برای سفر پوشیده بودم کاملاً به زخم‌ها و جراحاتم چسبیده بودند. اما هیچکدام از این‌ها مرا وادار نمی‌کرد حرکت کنم و به این سو و آن سو بروم و در واقع باید بگویم زمان زیادی گذشت تا شرایطی آرام، ساکت و راحت پیدا کنم. بعد از آن عاقبت از درد و سوزش خلاص شدم. بدن‌هایی که به من فشار می‌آوردند دیگر آزارم نمی‌دادند. به نوعی خوشحال بودم که آن‌ها این جا، در کنارم بودند؛ این که بدن‌های آن‌ها و من چنان به هم چسبیده بودند که شبیه هم شده بودیم، اما حالا برای اولین بار احساسم قدری عجیب است، نوعی احساس شرم، شاید هم عشق بود. اگر چه آنها خیلی مثل اوایل امیدوارانه به زندگی تشویق نکردند اما احساسم نسبت به آنها و تجربه‌ای که به دست آوردم با آنها یکی بود.

(گلمستانه - شماره ۴۴ - آبان ۸۱)

رنگ خانه‌های روستایی پایین دره چشم‌نواز است. حمام‌ها سمت چپ قرار دارند. اغلب زندانیان با هم دوست و مهربانند، هر چند این شیوه‌ای کاملاً متفاوت با اردوگاه آشویتس است. اما این جا نیز به محض ورود به حمام، با سرتراشان، مایع‌های ضدعفونی کننده و تعویض لباس‌ها روبه‌رو می‌شویم. وسائل اتاق‌های رخت‌کن درست مثل آشویتس است. اما حمام این جا گرم‌تر است؛ سرتراشان کارشان را دقیق‌تر انجام می‌دهند و سرپرست‌های اتاق‌های رخت‌کن حتی کوچک‌ترین نگاه‌تان را زیر نظر دارند. توی راهرو، قبل از رسیدن به پنجره‌های شیشه‌ای کشویی، می‌ایستادند تا ببینند اگر دندان طلا دارید آن را بیرون بکشند. سپس یکی از هموطن‌هایتان که مدت زیادی آنجا بوده و موهایش درآمده است، نامتان را در یک دفتر بزرگ می‌نویسد و یک مثلث زردرنگ، یک نوار پهن و یک باند که همگی پارچه‌یی هستند به شما می‌دهد. درست وسط مثلث پارچه‌ای، حرف L دوخته شده که از این به بعد با این نشانه شما را «مجارای» می‌شناسند. روی باند هم عددی چاپ شده است، مثلاً مال من ۶۴۹۲۱ است.

برای اطمینان تنها یک چیز می‌توانم بگویم: هیچ تجربه‌ای، هیچ تسلیم کاملی قدرت چنین درکی که به نظر می‌رسید بتواند ما را به انکار وجودمان سوق دهد تا شانس و بخت زنده ماندن بیابیم، وجود نداشت. البته فرصت‌ها خود به وجود می‌آمدند. آنها مرا به همان جای اولی که از آن جا فرستاده بودند، به بوخنوالد، بازگرداندند. تمامی آن چه در توان داشتم جمع کردم تا شادی را چون دوران خوب گذشته من که در آن جا سپری شده بود، میان دیگران تقسیم کنم. به خصوص، سوپ‌های صبح که بلافاصله مرا یاد آن روزها می‌انداخت. یک چیز که فراموش کردم بگویم این است که با قطار و تحت شرایط کاملاً غیرطبیعی به آن جا سفر کردم. به جرئت می‌توانم بگویم چیزهای زیادی

خود را در یک اتوبوس شلوغ منفجر کنیم، اما این اروپای سده نوزدهم بود که تروریسم نوین در آن متولد شد. این مناقشه میان ملت‌ها نیست، بلکه میان عقل‌گرایی و واپس‌گرایی. میان فرهنگ‌هایی است که نمی‌توانند یکدیگر را درک کنند که بسیار بسیار خطرناک است. مسئله، جنگلی از نگرانی‌ها و سوال‌ها است، پر از ریشه‌های ضخیم در هم تنیده و حیوان‌هایی وحشی که به چهره ما خیره شده‌اند.

نیوزویک: شما اولین فرد مجار هستید که یک جایزه نوبل ادبیات می‌برد. یک استقبال قهرمانانه چه لذتی دارد؟

کرتز: برای من خیلی عجیب است، چون من مطمئناً قهرمان نیستم. من همیشه به نوشته‌هایم به عنوان یک امر خیلی خصوصی نگاه کرده‌ام. من دهه‌ها هیچ مخاطبی نداشتم و در حاشیه اجتماع زندگی کردم.

نیوزویک: شما گفته‌اید کار ادبی کردن در یک حکومت دیکتاتوری آسان‌تر است تا در حکومت مردم‌سالار.

☑ کرتز: این نیز یک سخن سرسری است. اما واقعیتی در آن است، چون من آن چیزی را که دولت کمونیست می‌خواست ببیند ننوشتم. من با کارم تک و تنها بودم. من هرگز فکر نکردم کتابم یک روز چاپ خواهد شد، و بنابراین آزادی آن را داشتم که هر چه می‌خواهم بنویسم، و تا آن جا که می‌خواستم در درون خود فرو رفتم. در یک نظام مردم سالاری، شما باید یک بازار مناسب بیابید، و مطمئن شوید نوشته‌تان «جذاب» و «جالب» است. این ممکن است بدترین ممیزی باشد.

(اطلاعات ضمیمه - ۸۱/۱۰/۲۲)

بخش کوتاهی از رمان «بی‌سرنوشت» (بخت برگشته) Fateless

«بوخنوالد» در بلندترین منطقه کوهستانی که دره‌های عمیقی دارد، واقع شده. هوایش پاک و تمیز است. دورنما و چشم‌انداز متنوع، جنگل‌های انبوه و شیروانی‌های قرمز

«شمونل صرفاتی اسرائیل»
مؤسس و رئیس انجمن
کلیمیان والنسیا



یهودیان اسپانیا

سیمّا مقتدر

اولین گروه از یهودیان در قرن چهارم میلادی به اسپانیا مهاجرت کردند

«والنسیا» و «کاستلون». پایتخت اسپانیا «مادرید» است.

تاریخچه یهودیت در اسپانیا

اولین گروه از یهودیان در قرن چهارم میلادی به اسپانیا مهاجرت کردند. این مهاجرت ها به دنبال به رسمیت شناختن مندرجات کتب عهد عتیق و جدید و ممنوعیت ازدواج میان مسیحیان و یهودیان توسط شورای کلیسایی در «الویرا» در سال ۳۰۰ میلادی صورت گرفت. پس از به قدرت رسیدن اسلام در سال ۷۱۱ میلادی، یهودیان زیادی از آسیا و آفریقا به این شبه جزیره ایبرایی مهاجرت نمودند و اکثراً در مناطق جنوبی سکنی گزیدند. آنها به طور مستقل و جدا از مسلمانان و مسیحیان در امور بازرگانی بین‌المللی، امور مالیاتی، و یا به عنوان دیپلمات یا صاحبین مناصب ارتشی به کار اشتغال داشتند. اما همزیستی میان پیروان این سه شریعت الهی با آغاز قرن یازدهم و به قدرت رسیدن «آل مهاد» و «آل مروارید» به مخاطره افتاد. وضع قوانین تبعیض آمیز، ممنوعیت مالکیت زمین، تحویل دارایی‌های مکتسبه به حکومت وقت، اجبار به خروج از دین و مواردی از این دست باعث خروج پیروان موسی از این منطقه و مهاجرت آنها به سوی مناطقی شد که به واسطه تسلط مجدد اسپانیایی ها از وسعت بیشتری برخوردار بودند. آنها توانستند در این مناطق به عنوان اقلیت مذهبی و تحت حمایت پادشاه وقت، تقریباً در تمامی مشاغل به کار مشغول شوند. اما از نظر محل سکونت می‌بایست در مناطق غیرمسیحی سکونت داشته باشند. حتی

مقدمه: اسپانیا با وسعتی حدود ۵۰۶,۰۰۰ کیلومترمربع و جمعیتی بالغ بر ۴۰ میلیون نفر کشوری پادشاهی است واقع در جنوب غربی اروپا با تاریخی بسیار کهن‌سال، که به چند قرن قبل از میلاد می‌رسد. در قرن پنجم میلادی، مسیحیت در اسپانیا نفوذ یافت و در سال ۷۱۱ میلادی، سپاهیان اسلام به رهبری «طارق بن زیاد» از طریق کشور مغرب (مراکش) و تنگه «ستون‌های هرکول» به جنوب اسپانیا حمله کردند. از این پس این تنگه به یادبود فرمانده سپاه اسلام «جبل الطارق» نامیده شد و قسمت‌های عمده از اسپانیا تحت سلطه مسلمانان قرار گرفت و بعضی اسامی اسلامی به روی شهرهای این کشور مثل «کوردوبا» یا «قرطبه»، «گرانادا» یا «غرناطه» و «اندالوزیا» یا «اندلس» یادگار آن زمان است. در اواسط سال ۱۰۹۹ میلادی به دنبال یک جنبش دینی و بروز سلسله جنگ‌های مذهبی میان مسلمانان و مسیحیان مجدداً مسیحیت در اسپانیا توسعه یافت. اسپانیا در سال ۱۴۹۲ میلادی همزمان با کشف قاره آمریکا از توانمندترین ممالک استعماری شمرده می‌شد اما پس از جنگ‌های متعددی با انگلیس و فرانسه، کلیه قلمروهای خارجی خود را از دست داد و به تصرف فرانسویان درآمد. پس از سقوط امپراتور فرانسه، رژیم سلطنتی در اسپانیا روی کار آمد و در سال ۱۹۳۱ میلادی این رژیم جای خود را به رژیم جمهوری داد. اما پنج سال بعد انقلابی علیه جمهوریت به راه افتاد و سلطنت‌طلبان به رهبری «ژنرال فرانکو» بر جمهوری خواهان پیروز شدند.

امروزه اسپانیا دارای ۵۰ ایالت است که هر کدام مرکزی جداگانه دارند. به طور مثال ایالت «گرونا» در شمال شرقی به مرکزیت «گرونا» و یا ایالت «بارسلونا» در شمال شرقی به مرکزیت «بارسلونا». علاوه بر آن، این کشور به چند منطقه سیاسی و جغرافیایی جداگانه نیز تقسیم شده است: منطقه «کاتالونا» شامل ایالات «گرونا»، «بارسلونا» و «تاراگونا» و یا منطقه «والنسیا» شامل ایالات «آلیکانته»،

پادشاهان وقت به منع استخدام یهودیان در دربار توجهی نمی‌کردند. از اواخر قرن یازدهم تا اواسط قرن چهاردهم میلادی دوران شکوفایی فرهنگ و فلسفه یهودیت در اسپانیا شمرده می‌شود. در این دوره شاعران برجسته، علما و فلاسفه نامداری چون «ابراهام برخیا»، «ابراهام بن متیر ابن عسره»، «ابراهام بن داوود هلوی»، «عوروس»، «بنخیا بن یقودا»، «یهودا بن شمونل»، «حلوی»، «هارامبام» (موشه بن‌میمون - موسی ابن‌میمون) و «موشه بن تخمان» در اسپانیا سکونت داشتند.

اما نارضایتی از بالا بودن میزان مالیات بر اجاره، افزایش نرخ بهره و نفوذ زیاد یهودیان در دربار منجر به آغاز شورش‌های سختی در قرن چهاردهم در دربار گشت که در سال ۱۳۹۱ تبدیل به قتل عام یهودیان اسپانیا شد. در این قتل‌عام از جمع ۳۰۰,۰۰۰ نفری یهودیان تقریباً ۵۰,۰۰۰ نفر قربانی شدند و همزمان با خروج چشمگیر یهودیان از دین که آزادانه یا به اجبار در قرن ۱۵ صورت گرفت باعث کاهش نفوذ آنها در اجتماع شد. اما در پی ازدواج یکی از اعضای خانواده‌ای یهودی به نام «کانورسوس» که از تاجر و متمولین اسپانیا شمرده می‌شد با یکی از اعضای دربار، کم‌کم بر میزان نفوذ یهودیان نسبت به گذشته افزوده شد. قبل از این، یهودیان به عنوان تاجر کوچک، کشاورز و یا استادکار مشغول بودند. برای جلوگیری از رجوع مجدد این افراد به یهودیت که به اصطلاح قبل از ازدواج با اعضای دربار به مسیحیت گرویده بودند، در تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۴۲ از یهودیان اسپانیا در

ذکر است که در کشور اسپانیا یهودیان دارای سیزده انجمن هستند.

ایالت والنسیا

هنگام ورود لشکرهای «جایمه اول» در سال ۱۲۳۸ میلادی به شهر بندری والنسیا، انجمن کلیمیان این شهر بیش از یک هزار عضو داشت. اعضای جامعه آن زمان اکثراً بازرگانان سرشناس در بازار داروهای گیاهی و طلا، استادکار و یا کشاورزانی بودند که قرن‌ها در صلح و آرامش در کنار مردمان والنسیا و مغرب تحت حکومت خلیفه کوردوبا زندگی می‌کردند. اما تسلط مجدد پادشاهان کاتولیک و بازپس گیری شبه جزیره والنسیا توسط مغرب، به این همزیستی مسالمت آمیز خاتمه داد و یهودیان زیادی به اجبار به مسیحیت گرویدند. عده‌ای هم که از گرویدن به مسیحیت سرباز می‌زدند اخراج و یا با موجی از بازجویی‌ها و تحقیق‌ها روبرو شدند. از سال ۱۹۴۲ با خاتمه دوران تسلط در شبه جزیره ایبریا، نفرت خاصی نسبت به یهودیت پای گرفت.

پس از گذشت قریب به پانصد سال کم کم مهاجرت یهودیان به اسپانیا آغاز و به دنبال آن انجمنی در این شهر زیبای بندری تأسیس شد. در سومین شهر اسپانیا یعنی والنسیا اولین «عسار» (جمع حداقل ده نفره مردان برای اجرای مراسم دستجمعی مذهبی) در سال ۱۹۶۹ برای اولین مرتبه جهت اجرای مراسم روز مقدس شنبه (شب‌ات) گرد هم آمدند.

اما هم اکنون با گذشت بیش از سه دهه از آن تاریخ، جامعه یهود این شهر بیش از ۱۳۰ عضو دارد. «شمونل صرفاتی اسرائیل» که از موسسین و رئیس فعلی انجمن کلیمیان والنسیا است معتقد است جامعه یهودی حاضر در این شهر به دور از هر خطری و در آرامش زندگی می‌کنند. وی در اثبات گفته خود به وضعیت کنیسی این شهر از نظر جغرافیایی اشاره می‌کند. این کنیسا در یکی از خیابان‌های آرام حاشیه مرکز شهر

گردشگران برای بازدید از مناطق، شگفتی سکنه این شهر را به همراه داشته است. به حدی که اساتید علوم مردم‌شناسی و نژادشناسی معتقدند جو فعلی باعث شده است سکنه این شهر علاوه بر تمایل به آشنایی با سابقه یهودیان گرونا حتی ایمان بیاورند که اجداد آنها یهودی بوده‌اند. نمونه زنده در اثبات این گفته، خانمی است که در سال ۱۹۹۶ در مصاحبه با یک روزنامه بی‌پروا اعلام نمود اجداد او یهودی بوده‌اند. در حال حاضر در «گرونا» تعداد معدودی یهودی سکونت دارند و به همین جهت امکان بازدید از مراسم جاری و روزمره آنها علاوه بر موارد تاریخی موجود در شهر فراهم نیست. البته چند خانوار یهودی در این شهر زندگی می‌کنند اما وضعیت زندگی آنها با یهودیان شهرهای بزرگی مثل امریکا اصلاً قابل مقایسه نمی‌باشد. متأسفانه در این شهر بیشتر به موارد مربوط به تاریخ یهود توجه می‌شود و وضعیت فعلی یهودیان در این شهر کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

شاعران برجسته، علما و فلاسفه

یهودی نامداری چون «ابراهام برخیا»، «ابراهام بن منیر ابن عسره»، «ابراهام بن داوود هلوی»، «عوروس»، «یهودا بن شمونل»، «خلوی»، «هارامیام» (موشه بن میمون- موسی ابن میمون) و «موشه بن نخمان» در اسپانیا سکونت داشتند

اما تاریخ حیات یهودیت در بارسلونا به عنوان پایتخت ایالت کاتالونا به یک قرن پیش بر می‌گردد. این شهر در سال ۱۸۷۷ دارای ۲۱ نفر یهودی بود در حالی که در کل کشور کمتر از پانصد یهودی سکونت داشتند. قبل از آغاز جنگ جهانی اول، جمع کثیری از یهودیان آلمان، اتریش و لهستان به بارسلونا مهاجرت نمودند. پس از جنگ، یهودیان سفارادی که تحت حکومت عثمانی و یا رومانی، بلغارستان، یونان و آفریقای شمالی ساکن بودند به جمع آنها پیوستند. بدین جهت انجمن یهودیان بارسلونا دارای ترکیبی چند ملیتی است و از جمله فعال‌ترین انجمن‌های موجود در اسپانیا شمرده می‌شود. لازم به

مورد گرویدن آنها به مسیحیت یا ترک وطن، رای‌گیری به عمل آمد. در این زمان تعداد یهودیان بالغ بر ۱۵۰،۰۰۰ نفر بود که اکثر آنها ترک وطن نمودند. اما از سال ۱۸۶۸ میلادی یهودیان مجدداً اجازه یافتند مناسک دینی خود را آزادانه اجرا کنند. در سال ۱۹۴۳ حکومت اسپانیا یهودیان زیادی را از فرانسه و یونان به اسپانیا بازگرداند و در سال ۱۹۴۴ برای یهودیان اهل بوداپست گذرنامه‌های حفاظتی صادر نمود. بدین ترتیب حدود ۴۰۰۰ یهودی از خطر انتقال به اردوگاه‌های مرگ رهایی یافتند. هم اکنون در اسپانیا حدود ۱۵۰،۰۰۰ یهودی سکونت دارند.

ایالت گرونا

از زمانی که «گرونا» به عنوان شهری که در گذشته یهودی‌نشین بوده میزبان گردشگران خارجی شده است گروه‌های زیادی از یهودیان و علاقمندان به تاریخ یهود در این شهر دیده می‌شوند. همه ساله موزه یهودیت در این شهر بیش از یکصد هزار بازدید کننده دارد. اما در این موزه، بیشتر سنگ قبور یهودیان مناطق مجاور به نمایش گذاشته شده است تا نشانه‌های خاصی از تاریخ یهود. به همین جهت منطقه یهودی‌نشین این شهر در مقایسه با موزه شهر با استقبال بیشتری از سوی گردشگران خارجی روبرو است. در کوچه‌های باریک منطقه یهودی‌نشین این شهر در شبانه‌روز گروه‌های زیادی از گردشگران از کشورهای مختلف به چشم می‌خورند که بیشتر به زبان عبری یا روسی تکلم می‌کنند و به همین دلیل کمتر زبان رایج در این شهر یعنی اسپانیایی یا کاتالونی به گوش می‌رسد. در حال حاضر بازدید از شهر «گرونا» نسبت به دیگر شهرهای اسپانیا خواستاران بیشتری دارد. این شهر پس از «تولدو»، «کوردوبا» و «بارسلونا» سعی در معرفی گذشته یهودیان خود دارد. در حالی که حدود نیم قرن است که نشانه‌ای از حیات یهودیت در آن دیده نمی‌شود، اما هنوز علائم و نشانه‌های زیادی در خیابان‌ها و ساختمان‌های مناطق یهودی‌نشین این شهر به چشم می‌خورند. وجود این علائم و استقبال زیاد

لیست قرار گرفته‌اند، «لادینو» یا به عبارتی زبان محلی یهودیان اسپانیایی می‌باشد. یهودیان ساکن در حوزه بالکان و ترکیه از پانصد سال پیش تاکنون به این زبان تکلم می‌نمایند.

در این شهر شبکه دوم تلویزیون هر سه هفته یکبار یکشنبه‌ها سخنرانی مذهبی و به دنبال برنامه‌ای ده دقیقه‌ای تحت عنوان «صحبت‌های حاخام» پخش می‌کند

اما اضمحلال زبان‌ها تا چه زمانی می‌تواند ادامه یابد؟ بدین ترتیب سازمان یونسکو برای دسترسی به راهکارهایی در راستای جلوگیری از اضمحلال این زبان، نشستی در پاریس برگزار نموده است. این نشست با حضور نمایندگان از کشورهای فرانسه، امریکا، ایتالیا، بلغارستان، یونان، صربستان، کرواسی، اسپانیا و آلمان در ژوئن ۲۰۰۲ برگزار شد. پس از ابراد سخنرانی‌هایی در مورد زبان‌های محلی تصمیم گرفته شد سازمان یونسکو طی سال‌های آتی اقدامات زیر را به عمل آورد: آموزش مدرسه، ارایه زبان لادینو بعنوان یک رشته دانشگاهی یا به صورت واحدهای نیمسال تابستانی، انتشار جروات، واژه‌نامه و دستور زبان و نیز تجدید چاپ آثار مهم ادبی، حفظ و نگهداری روزنامه‌ها و مجلات منتشره به زبان لادینو به صورت میکروفیلم و اقداماتی از این قبیل.

این که تا چه حد بتوان به این پیشنهادات جامه عمل پوشاند، مطلبی است که با گذشت زمان مشخص خواهد شد. زیرا به طور مثال با وجود اینکه تا قبل از جنگ جهانی دوم در هامبورگ، برلین و اتریش، جمع کثیری از یهودیان سفارادی حضور داشتند، تحقیقات زیادی در گذشته در مورد زبان لادینو در آلمان صورت نگرفته است. مدت کوتاهی قبل از تشکیل نشست پاریس، تنها دو جلد کتاب در مورد زبان لادینو در آلمان منتشر شد. اما از دیگر سو، همکاری اعضای شرکت‌کننده با نمایندگان سازمان یونسکو در هر کشور، قطعاً در کاهش تعداد اسامی مندرج در «لیست قرمز» بی‌تأثیر نخواهد بود. ■

کنیسا توسط یکی از اعضای متوفی و آلمانی‌الصل وقف شده است. بالای میز پیش نماز دو عدد لوستر نقره‌ای ظریف با قدمتی ۱۵۰ ساله ساخت مراکش به چشم می‌خورد که یادگار پدر بزرگ رئیس انجمن این شهر می‌باشد و به کنیسا اهدا شده است. در محلی که اصولاً نمازگزاران طی روزهای عادی پالتو و یا چتر و دیگر لوازم اضافی خود را می‌گذارند، در ایام عید میوه بندان «سوکا» (سایه‌بان مذهبی) ساخته می‌شود. البته مساحت آن کم است اما برای انجام فریضه مذهبی کفایت می‌کند.

در گذشته اجساد متوفیان یهودی در والنسیا به اسرائیل یا قبرستان شهر بارسلونا که در ۵۰۰ کیلومتری والنسیا قرار دارد منتقل می‌شد. اما به گفته رئیس انجمن، متوفیان این شهر از اواخر سال ۲۰۰۱ میلادی مطابق متوفیان مسلمان این شهر، در مکانی که به آنها تخصیص داده شده به خاک سپرده می‌شوند.

خوراک و گوشت کاشر از پایتخت اسپانیا یعنی مادرید به این شهر ارسال می‌شود. مادرید دارای سه کنیسا و دو قصابی کاشر و یک میقوه (غسل‌گاه شرعی زنان) می‌باشد. افرادی که بخواهند فرضیات مذهبی خود را در والنسیا به طور کامل اجرا نمایند، گاه مجبور به مسافرت به مناطق دیگر می‌شوند. از آنجایی که والنسیا شهری است که همیشه در آن نمایشگاه یا کنگره‌ای برپاست، هر هفته جامعه یهود این شهر در مراسم روز شبات پذیرای میهمانان خارجی می‌باشند. در این شهر شبکه دوم تلویزیون هر سه هفته یکبار یکشنبه‌ها سخنرانی مذهبی و به دنبال برنامه‌ای ده دقیقه‌ای تحت عنوان «صحبت‌های حاخام» پخش می‌کند.

«لادینو» یا زبان محلی

یهودیان اسپانیا

با گذشت زمان، بسیاری از زبان‌ها به فراموشی سپرده می‌شوند و عملاً از بین می‌روند. مدتی است سازمان یونسکو لیستی تحت عنوان «لیست قرمز» تنظیم نموده که در آن اسامی زبان‌های رو به اضمحلال قید شده است. از جمله زبان‌هایی که در این

قرار دارد که واحدهای ساختمانی چندین طبقه آن را احاطه نموده‌اند. نشان خاصی یا تابلویی بر سر در یا ورودی ساختمان وجود ندارد. فقط روی زنگ ساختمان مثل دیگر زنگ‌های کنار در ورودی نوشته شده طبقه اول، آپارتمان شماره ۲. این واحد مسکونی ۱۵۰ متر مربع مساحت دارد و در حال حاضر به صورت کنیسا در اختیار جامعه یهودیان این شهر قرار دارد. تنها موردی که این واحد را از دیگر واحدهای مسکونی متمایز می‌کند وجود مزوای نصب شده بر چهارچوب در ورودی آن است. اتاق نشیمن این آپارتمان به منظور گردهمایی‌های اعضای انجمن و یا انجام مراسم قیدوش (دعای سفره شب شبیه) و صرف غذا در شب‌های شبات تخصیص داده شده و دیوار مقابل آن به نشانه‌هایی چون پرچم اسپانیا و ایالت والنسیا و تصویر پادشاه اسپانیا - خوان کارلوس اول - مزین شده است.

رئیس فعلی انجمن کلیمیان والنسیا (که از پایه‌گذاران آن نیز می‌باشد) متولد مراکش است و دو سال قبل از تأسیس این انجمن به والنسیا آمده است. وی در زادگاه خود به زبان «لادینو» که نوعی زبان اسپانیایی محلی مخصوص یهودیان می‌باشد تکلم می‌نموده است. اکثر اعضای جامعه یهودی والنسیا، سفارادی هستند. اما از آنجایی که جمع حاضر در والنسیا نسبتاً کوچک است و استخدام دائم یک حاخام از نظر مالی برای آنها مقدور نیست، به عنوان رئیس انجمن، خود شخصاً در شب‌های شبات و دیگر مراسم مذهبی، عهده‌دار اجرای امور مذهبی است.

فقط جهت مراسم سال نوی عبری (روش هسانا)، کیپور (روزه بزرگ) و پسح (عید خروج از مصر) یک حاخام به این شهر می‌آید و مراسم عبادی را اجرا می‌نماید. در کنیسای این شهر آقایان گرد میز پیش نماز می‌نشینند و خانم‌ها نیز در قسمت دگرگی که توسط یک پرده از قسمت آقایان جدا می‌شود حضور دارند. محل نگهداری تومارهای تورات در این

گفتگو با خدا

در رویاهایم دیدم که با خدا گفتگو می‌کنم.
خدا پرسید: «پس تو می‌خواهی با من گفتگو کنی؟»
من در پاسخش گفتم: «اگر وقت دارید».
خدا خندید:
«وقت من بی‌نهایت است...»
... در ذهنت چیست که می‌خواهی از من بپرسی؟»
پرسیدم: «چه چیز بشر شما را سخت متعجب می‌سازد؟»
خدا پاسخ داد: «کودکی‌شان.
اینکه آنها از کودکی‌شان خسته می‌شوند؛
عجله دارند بزرگ شوند؛
و بعد دوباره پس از مدت‌ها، آرزو می‌کنند که کودک باشند.
... این که آنها سلامتی خود را از دست می‌دهند تا پول به
دست آورند
وبعد پولشان را ازدست می‌دهند تا دوباره سلامتی خود را به
دست آورند.
اینکه با اضطراب به آینده می‌نگرند
و حال را فراموش می‌کنند
و بنابراین نه در حال زندگی می‌کنند و نه در آینده،
این که آنها به گونه‌ای زندگی می‌کنند که گویی هرگز
نمی‌میرند؛
و به گونه‌ای می‌میرند که گویی هرگز زندگی نکرده‌اند».
دست‌های خدا دستام را گرفت
برای مدتی سکوت کردیم.

و من دوباره پرسیدم:
«به عنوان یک پدر؛

می‌خواهی کدام درس‌های زندگی را فرزندانت بیاموزند؟»
او گفت: «بیاموزند که آنها نمی‌توانند کسی را وادار کنند که
عاشقشان باشد؛
همه کاری که آنها می‌توانند بکنند این است که
اجازه دهند که خودشان دوست داشته باشند.
بیاموزند که درست نیست خودشان را با دیگران مقایسه کنند؛
بیاموزند که فقط چند ثانیه طول می‌کشد تا زخم‌های عمیقی
در قلب آنان که دوستشان داریم؛ ایجاد کنیم
اما سال‌ها طول می‌کشد تا آن زخم‌ها را التیام بخشیم.
بیاموزند ثروتمند کسی نیست که بیشترین‌ها را دارد؛
کسی است که به کمترین‌ها نیاز دارد.
بیاموزند که آدم‌هایی هستند که آنها را دوست دارند؛
فقط نمی‌دانند که چگونه احساساتشان را نشان دهند
بیاموزند که دو نفر می‌توانند با هم به یک نقطه نگاه کنند؛
و آن را متفاوت ببینند.
بیاموزند که کافی نیست فقط آنها دیگران را ببخشند؛
بلکه آنها باید خود را نیز ببخشند».
من با خضوع گفتم:
«از شما به خاطر این گفتگو متشکرم.
آیا چیز دیگری هست که دوست دارید فرزندانتان بدانند؟»
خداوند لبخند زد و گفت:
«فقط این که بدانند من این جا هستم».
«همیشه».

منبع: مجله اطلاع

موناواز الکساندریان، مترجم بزرگ اشعار حافظ و عطار نیشابوری.

بعضی از اشعار پرویز نی‌داوود را ترجمه کرده است که یک نمونه آن از نظر هنردوستان می‌گذرد.

Stranger of Two Cities

Translated by Monavaz Alexandrian

I leave your city but my heart beats for my sphere,
I love my beloved country. my problem is there;
Curses be on travel. for all I suffer is from travel,
My clay is made here; O God! my heart beats for here;
I am famous among lovers and the poets,
t by God my heart and my friends dwell here;
artless folk don't know the worth of their land;
y sea is in a foreign land, but my coast is here.
eydavood", where must I fly from this city? where ?
or both my farm and my harvest are here;
love the charming belle, fair of eye,
he darling which I speak is living here.
dwell in two cities, but grief kills me,
for my harvest is there but my heart beats here.

غریب دوشهر (پرویز نی‌داوود)

از شهر شما می‌روم اما دلم اینجاست
من عاشق عشق و وطنم، مشکلم اینجاست
لعنت به سفر هر چه به من کرد سفر کرد
آب و گلم اینجاست خدایا دلم اینجاست
در عاشقی و شعر زبانزد به جهانم
اما به خدا هم دل و هم محقلم اینجاست
این سنگدلان قدر وطن را نشناختند
دریای من آنجاست ولی ساحلم اینجاست
«نی‌داوود» از این شهر کجا من بگریزم
هم مزرعه و گندم هم حاصلم اینجاست
من مایل آن چشم غزل پرور پاکم
آن یار که گفتم به رخس مایلم اینجاست
ساکن به دوشهرم من و این غصه مرا کشت
من حاصلم آنجاست دل غافلم اینجاست

کتاب‌های جدید درباره یهودیت (انگلیسی)

کتیبه‌ای برای یهودیان آلمان :

از «هال» تا اورشلیم

(فلسفه و مذهب نوین یهود:

ترجمه‌ها و مطالعات انتقادی)

An Epitaph For German
Judaism:
From Halle to Jerusalem
(Modern Jewish Philosophy
and Religion: Translations and
Critical Studies)

نوشته: میشل مورگان و امیل فاکنهایم

Emil -Morgan Michael
Fackenheim

ناشر : Univ. of Wisconsin Pr.

نوامبر ۲۰۰۲

معروفیت امیل فاکنهایم و کتاب‌هایش در جهان به سبب ارائه سبک خاص فلسفه او در شناخت یهودیت، مسیحیت و جزئیات برخورد آلمانی‌ها در مسئله کشتارهای دسته‌جمعی یهودیان است. در این اثر که نوعی وقایع‌نگاری تاریخی است، او با نگاهی به زندگی گذشته خود از پیشامدهای دردناک دوران جوانیش در شهر هال آلمان می‌گوید و نقش معلمان و دوستانش را در مدرسه، ورزش و همچنین زندگی مذهبی‌شان شرح می‌دهد.

زمانی که قانون فاشیست‌ها به سراسر کشور ابلاغ گردید، او که در آن زمان هجده ساله بود، خود را وقف ایمان و اعتقاد دینیش کرد و به مدرسه خاخامی در برلین وارد شد. سپس موقتاً به زندان رفت و در آنجا هم‌سلولیش از او پرسید: «هم‌اکنون دین یهود و نهضتش چه چیزی برای گفتن دارد؟»

چهل سال بعد او توانست توسط این کتاب، آن پرسش غافلگیرکننده را پاسخ گوید. (کتاب هفته ۱۱/۹/۸۱)

صنعتگران یهودی در جهان امروز

Judaic Artisans today

نوشته : کاترین مورتون

Kathryn Morton

ناشر : Flower Vally Press

آوریل ۲۰۰۲

این کتاب نمایی از بینش احساسی و امروزی صنعتگران یهودی را نشان می‌دهد که از ذهن خلاقشان سرچشمه می‌گیرد. بخشی از این نوشته به مخالفان تعالیم دینی با نوع خاص زندگی آنها در امریکا اشاره می‌کند که

حتی آنان نیز در مواجهه با انجام فرایض مذهبی به اصل معنویت ارزش می‌گذارند.

(دانش زندگی - شماره ۳)

روشنگری و آوارگی :

مورد ارامنه و یهودیان

Richard G. Hovannisian, and
David N. Myers, eds.,
Enlightenment and Diaspora: The
Armenian and Jewish Cases,
Atlanta, GA: Scholars Press,
1999, 270 pages.

این کتاب، شامل مقالات ارایه شده در یک کنفرانس مربوط به این موضوع در نوامبر ۱۹۹۵ در دانشگاه کالیفرنیا در لوس‌آنجلس است. هدف اصلی آن کنفرانس و این کتاب، به چالش طلبیدن فرضیه سنتی جنبش روشنگری در اروپای مرکزی و غربی است. این مجموعه مقالات، علاوه بر بررسی رابطه میان روشنگری و جوامع فوق ملی نظیر ارامنه و یهودیان، مطالب جدیدی در رابطه با پژوهش و مقایسه‌ای درباره این دو گروه پراکنده ارایه می‌دهد. نویسندگان، موضوعات مهمی چون رابطه میان حساسیت‌های مذهبی و ارزش‌های جدید روشنگری را مورد بررسی قرار می‌دهند؛ روشنگری و تجارت، پراکندگی و ناسیونالیسم از موضوعات دیگر این کتاب است.

(فصلنامه مطالعات خاورمیانه شماره ۳۰ - تابستان ۸۱)

میان روم و بیت المقدس:

۳۰۰ سال روابط روم و یهودیان

Martin Sacher, Between Rome
and Jerusalem: 300 Years of
Roman Relations, London:
Praeger, 2001, 189 Pages.

کتاب در واقع تاریخ سیاسی اسرائیل باستان در روزگار رومی‌ها است. هدف کتاب کشف این نکته است که چرا پیروزی روم بر یهودیه (دولت اسرائیل باستان) در سال ۷۰ میلادی آنقدر اهمیت داشت که ساختن یک بنای عظیم برای امپراتوری پیروز، یعنی طاق تیتوس در بالای قله و یاساکرا در روم را توجیه کرد. به نظر نویسنده تنها اهمیت یهودیه برای امپراتوری روم، موقعیت ژئوپولیتیک اساسی آن بود که پل ارتباطی میان آفریقا و آسیا محسوب می‌شد. کتاب با تاریخ کوتاه دولت یهود تا ورود رومی‌ها به منطقه آغاز می‌شود و به این نکته می‌پردازد که چگونه روابط میان

دولت یهود و روم از رابطه اتحاد به رابطه خصومت‌بار و فتح اسرائیل منجر شد. نویسنده سپس تأثیر از دست رفتن یهودیه بر استقلال سیاسی آن، تأسیس مجدد پادشاهی اسرائیل (یهودیه) به عنوان یک دولت دست‌نشانده و احیای ناسیونالیسم یهودی را که به طغیان بزرگ سال ۶۶ م. منجر شد، بررسی می‌کند. نویسنده سپس به بررسی اهمیت ناسیونالیسم یهودی و پایداری آن بعد از نابودی معبد اورشلیم در سال ۷۰ می‌پردازد و شروع مجدد جنگ میان امپراتوری روم و امپراتوری اشکانیان در ایران، و سرانجام آخرین طغیان برکوخبا» جنا علیه روم را در سال ۱۳۲ مورد بحث قرار می‌دهد. نویسنده در پایان چنین نتیجه می‌گیرد که «بسیاری از گرایش‌های اختلاف برانگیزی که سرانجام توان یهودیان را برای ایستادگی و اتحاد در برابر تهدید روم به فلج کشاند، اکنون نیز در اسرائیل مشاهده می‌شود».

(فصلنامه مطالعات خاورمیانه - شماره ۳۰ - تابستان ۸۱)

پاسخ به پرسش‌های معنوی

Answers to Questions of the
Spirit

نوشته دکتر ریون پ. بولکا

۱۴۴ Dr P. Reuven Nulka

صفحه، ناشر : Mosaic Press, دسامبر ۲۰۰۲.

خاخام دکتر بولکا پس از سال‌ها تحقیق و تفکر سرانجام توانسته است که شهرت بسیاری در پاسخگویی به مسائلی نظیر خودشناسی، تهذیب نفس، رحم و شفقت و ... به دست آورد. تحمل و شکیبایی او در راه دستیابی به تبحر در این زمینه سبب دسترسی او به پاسخ‌های نو و آگاهی عمیق او از موضوع‌ها و پرسش‌هایی روحی معنوی گردیده است.

این کتاب حاوی موضوع‌هایی است که عمدتاً به شرح و تفسیر معنویات مربوط می‌شود. در این میان مقولاتی نظیر: «خداوند و کتاب مقدس»، «تعریف مذهب»، «تعلیمات دینی و مذهبی»، «مسائل الهیات» و بالاخره «زندگی و مرگ» نیز گنجانده شده است.

(کتاب هفته - ۱۱/۱۰/۸۱)

ستون ویژه کلیمیان در روزنامه اعتماد

به اطلاع همکیشان و خوانندگان گرامی می‌رساند طی توافقی با سردبیر محترم روزنامه اعتماد، از سه‌شنبه ۱۵ بهمن ماه، یک ستون هفتگی در این روزنامه به اخبار و مقالات ویژه کلیمیان اختصاص یافته‌است.

علاقه‌مندان می‌توانند روزهای سه‌شنبه هر هفته، اخبار و مطالب جامعه کلیمیان ایران را در صفحات میانی روزنامه اعتماد (ستون هموطن) مطالعه کنند. لازم به ذکر است که این صفحه در دیگر روزهای هفته نیز به اخبار و مطالب سایر اقلیت‌های دینی اختصاص یافته‌است.

نشریه سراسری اخبار ادیان

هیات نظارت بر مطبوعات در تاریخ ۱۱ آذر ۸۱، مجوز انتشار نشریه «اخبار ادیان» را صادر کرد. این نشریه به صاحب امتیازی موسسه گفتگوی ادیان و مدیر مسئولی سیدمحمدعلی ابطحی منتشر خواهد شد و به اطلاع‌رسانی در حوزه ادیان خواهد پرداخت.

موسسه گفتگوی ادیان تاکنون ۱۳ شماره بولتن داخلی که شامل چند پیش‌شماره و ویژه‌نامه نیز بوده، منتشر کرده است. این بولتن‌ها شامل بخش‌هایی از قبیل اخبار دین از سراسر جهان، گزارش ویژه، معرفی مراکز دینی، مقالات، کتاب و تقویم مذهبی می‌باشند. قرار است نشریه اخبار ادیان از اوایل سال ۱۳۸۲ در قالب نشریه‌ای سراسری با محتوای تخصصی‌تر منتشر شود.

(بولتن/اخبار دین - دی ۸۱)

همایش اقلیت‌ها

و سیاست‌های فرهنگی دولت

به دعوت باشگاه اندیشه، وابسته به بنیاد فرهنگی شهید قدوسی، سه‌شنبه ۱۵ بهمن جمعی از متولیان امور دینی و فرهنگی کلیمیان در نشستی با عنوان اقلیت‌های مذهبی و سیاست‌های فرهنگی دولت شرکت کردند.

در این جلسه ابتدا دکتر آندرانیک سیمونیان، وضعیت اقلیت‌های مذهبی در ایران و بخشی از سیاست‌های وزارتخانه‌های دولتی در ارتباط با اقلیت‌ها را بررسی کرد و در ادامه، حاضران - که شامل اندیشمندان مسلمان و سایر اقلیت‌های دینی بودند - به بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل موجود پرداختند. رئیس انجمن کلیمیان نیز در این همایش، موقعیت و مواضع جامعه یهودی ایران را تشریح و تنی چند از مشاهیر و خادمین فرهنگی ایرانیان یهودی را معرفی نمود.



گزیده و گلچین آورده شده بود. وقتی آن کتاب را به رهبران دینی و انجمن‌های قانونی ارجاع دادیم و درباره مستند بودن کتاب سؤال کردیم، آنها نظر مساعدی نداشتند و می‌گفتند که این کتاب تحریف شده است زیرا در آن گزیده‌ای از اصول مذهبی آورده شده و ممکن است برای خوانندگان ایجاد شبهه کند و عده‌ای را برآشوبد. پس از این با ناشر موضوع را در میان گذاشتیم و او نیز از چاپ این کتاب منصرف شد.

در مورد آثار اقلیت‌های مذهبی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مراقب است که آثار منتشر شده به گونه‌ای نباشد که باعث از بین رفتن وحدت ملی شود

وظیفه اداره اقلیت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چیست؟

این اداره، وظیفه‌اش ارائه خدمات در حوزه فرهنگ به اقلیت‌های دینی است. مثلاً درباره گرفتن مجوز نشر و به طور کلی هرگونه کار فرهنگی که بخواهند انجام دهند، هماهنگی‌های لازم از طریق این اداره صورت می‌گیرد.

در بعضی ایام سال اقلیت‌های دینی مراسمی را ترتیب می‌دهند که منطبق با آئین خودشان است. برای اینکه در آن روزهای خاص با مشکلی روبه‌رو نشوند، اداره اقلیت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با دستگاه‌های مختلف هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهد تا آنها با مشکلی مواجه نشوند.

آیا برای خرید کتاب اقلیت‌های دینی

شیوه‌نامه‌ای جدا در نظر گرفته‌اید؟

خیر، شیوه‌نامه مخصوصی نداریم. این کار نیز مانند سایر تسهیلات است. اگر اثری منطبق با آیین نامه باشد آن را خریداری می‌کنیم و اصلاً نویسنده و ناشر را مدنظر قرار نمی‌دهیم.

اگر یکی از افراد اقلیت دینی بخواهد

پژوهشی انجام دهد چه باید بکند؟

از دیگر وظایف اداره اقلیت‌های دینی این است که برای فرد پژوهشگر هماهنگی‌های لازم را صورت دهد که او بتواند از نظر دسترسی به منابع و اماکن راحت‌تر و سریع‌تر کارش را انجام دهد. چون بسیاری از کلیساها و اماکن مربوط به ادیان مختلف جزء میراث فرهنگی هستند، در نتیجه باید هماهنگی‌هایی صورت گیرد. ■

گفتگو از: لیلی پوراسکندر
منبع: کتاب هفته ۸۱/۱۰/۷

گفت‌وگو با مجید صیادی:

مدیر کل اداره مراکز و روابط فرهنگی

چاپ آثار

اقلیت‌های دینی

اینکه یک نویسنده یا ناشر اقلیت دینی برای چاپ آثارش در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چه پروسه‌ای را باید طی کند، شاید مسئله‌ای باشد که برای برخی ایجاد سؤال کند، «مجدید صیادی» مدیر کل اداره مراکز و روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفتگویی به این سؤال پاسخ می‌دهد:

یک نویسنده یا ناشر غیرمسلمان

برای چاپ و انتشار اثرش چه مراحل را باید طی کند؟ آیا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شرایط ویژه‌ای را برای آنها در نظر گرفته است؟

در اداره کتاب هیچ تفکیکی بین نویسنده و ناشر مسلمان و غیرمسلمان وجود ندارد. برای ما مهم نیست که نویسنده و ناشر بر چه دین و آیینی است. اهالی قلم و ناشران اقلیت دینی همان مسیری را طی می‌کنند که سایرین.

پس نظارت بر کتاب‌های آنها چگونه

صورت می‌گیرد؟

در مورد آثار اقلیت‌های مذهبی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مراقب است که آثار منتشر شده به گونه‌ای نباشد که باعث از بین رفتن وحدت ملی شود.

به طور کلی اقلیت‌های دینی و قومی در ایران هیچ‌گاه خود را جدا از ایران ندانسته و نمی‌دانند علت آن هم نوعی پیشینه فرهنگی است که در کشور وجود دارد. از دیرباز این همزیستی وجود داشته و در پیشینه تاریخی اختلافات یا درگیری‌های ریشه‌دار و گسترده قومی و مذهبی هم وجود نداشته است. این خود یک میراث باارزش است که باید از آن خوب حمایت شود. بخش عمده وحدت ملی کشور در گرو این مسئله است.

اگر اثر دینی برای دریافت مجوز به

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیاید،

ممیزان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چگونه درباره آن قضاوت می‌کنند؟

در این مورد معمولاً با انجمن‌های قانونی این اقلیت‌ها و رهبران مذهبی آنها مشورت می‌شود و در صورت نظر مثبت از سوی آنها، مجوز صادر می‌شود.

آیا تا به حال پیش آمده که در مورد

کتابی با رهبران مذهبی ادیان مشورت

صورت گیرد؟

بله، یک کتاب درباره یکی از اقلیت‌ها بود که در آن عقاید دینی و مذهبی آن دین به صورت

هانا آرنت، (۱۹۰۵-۱۹۷۵)

فیلسوف یهودی

عشق فی حد ذاته بی‌جهان است و درست به همین خاطر،
نه تنها غیرسیاسی است بلکه اصالتاً ضد سیاسی است. و شاید
یکی از نیرومندترین قوای ضد سیاسی است که انسان داراست.
(برگرفته از کتاب وضعیت انسانی)



در پی تهاجم آلمان به فرانسه، به آمریکا گریختند. آرنت در آمریکا زندگی جدید، اما توأم با فقر، آغاز کرد. انگلیسی آموخت و آغاز به نوشتن کرد و با روشنفکران نشریه «پارتیزان ریویو» نشست و برخاست می‌کرد.

آرنت در مجموعه مقاله‌هایی که برای نشریه نیویورکر نوشت و بعداً به شکل یک کتاب با عنوان «آیشتمن در اورشلیم» به چاپ رسید، عنوان داشته که آیشتمن به مثابه چرخ دنده‌ای در دستگاه بوروکراسی نازی بوده و از سوی دیگر به عنوان همکار شوراهای یهودی (بودن رتبه)، در شکل‌گیری فاجعه نقش داشته است

آرنت، در سال‌های ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۶ مدیر پژوهشی کنفرانس روابط یهودیان در نیویورک‌سیتی بود و سپس از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ سر ویراستار انتشارات «شوکن» شد و از ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۲ به عنوان مدیر اجرایی سازمان «بازسازی فرهنگی یهود» برگزیده شد.

آرنت، به سال ۱۹۵۰ به تابعیت آمریکا درآمد و در سفری به همین سال به اروپا، با هایدگر دیدار کرد و دوباره دوستی‌ها و دلبستگی‌هایشان را از سر گرفتند. او در سال‌های بعد چندین بار به دیدن هایدگر رفت. آرنت کتاب «وضعیت انسانی» را برای هایدگر فرستاد، اما به مدت چند سال با سکوت هایدگر روبه‌رو بود. در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰ این سکوت شکست و هانا آغاز به ترجمه نوشته‌های هایدگر به

شخصیت هانای جوان و بی‌پناه، از دید دیگران به عنوان یک ذهن تابع و قربانی وسوسه‌های ذهنی و نیز نارسایی‌های اخلاقی و سیاسی هایدگر رقم می‌خورد. بی‌گمان، هانا می‌بایست زودتر از اینها درمی‌یافت که نمی‌تواند زندگی‌اش را بر مدار آن رابطه استوار نماید. هایدگر ازدواج کرده، و دارای دو فرزند جوان بود. هانا، «کانت» و «کیرکه گارد» را خوانده بود و شهرت هایدگر، او را به شهر ماربورگ کشاند. هانا در مقاله‌ای به پادمان هایدگر، با عنوان: «مارتین هایدگر هشتاد ساله (۱۹۶۹)» نوشت: ماربورگ، شهری بود که «استادی در آن زندگی می‌کرد، و شاید می‌توانست اندیشیدن را بیاموزد». هانا در هایدلبرگ درس‌های «کارل یاسپرس» را گذراند. به سال ۱۹۲۹ با «کونتر اشترون» روزنامه‌نگار ازدواج کرد و با او به فرانکفورت نقل مکان کرد. آرنت، دانشجوی سابق فلسفه، گونتر روزنامه‌نگار را چندان دوست نمی‌داشت و سرانجام به سال ۱۹۳۷ از او جدا شد. آرنت به سال ۱۹۲۹ پایان نامه دکتری خود را با عنوان: «عشق از نگر آگوستین: جستاری در یک تحلیل فلسفی»، به پایان برد.

هایدگر در سال ۱۹۳۶، یعنی آنگاه که هیتلر به رهبری رایش سوم رسید، به حزب نازی پیوست. هانا آرنت دستگیر شد، مورد استتطاق و بازجویی قرار گرفت. اما به مجرد آن که آزاد شد، همراه با همسر خود به پاریس گریخت. به سال ۱۹۴۰ با «هاینریش بلوشر»، که یک اندیشمند تاریخ هنر بود، ازدواج کرد. آنها در سال ۱۹۴۱،

هانا آرنت، فیلسوف سیاسی، فعال در جنبش مبارزه با گرایش‌های ضدسامی، و نویسنده کتاب وضعیت انسانی (۱۹۵۸)، و آیشتمن در اورشلیم (۱۹۶۳) است.

جوانا (هانا) آرنت، در هانوور پروس شرقی، و در یک خانواده ریشه‌دار یهودی در کونیگزبرگ زاده شد. او تنها فرزند پاول آرنت، مهندس، و خانم مارتا (کوهن) آرنت بود. پدر و پدربزرگش به هنگام خردسالی او درگذشتند. مادرش بسیار اهل سفر بود. پس از مرگ پاول، آرنت دوباره شوهر کرد. هانا در سازش با پدرخوانده و دو خواهرخوانده جدیدش دشواری‌ها داشت. هانا، پس از دریافت درجه کارشناسی از دانشگاه کونیگزبرگ (کالنینگراد کنونی) به شهر کوچک دانشگاهی ماربورگ رفت. در آنجا با مارتین هایدگر آشنا شد. هایدگر مشغول نوشتن مشهورترین اثر خود، «هستی و زمان» بود که در ۱۹۲۷ به چاپ رسید.

آن گاه که رابطه عاشقانه هانا آرنت و فیلسوف شهیر مارتین هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶) در سال‌های دهه ۱۹۲۰ آشکار شد، بحث‌های فراوانی پیرامون آن درگرفت: هایدگر در سال‌های دهه ۱۹۳۰ به حزب نازی پیوست و یکی از نظریه‌پردازان برجسته آن شد. اما آرنت یهودی، که به عنوان یک پژوهشگر یهودی - آلمانی شهرت دارد، پس از پایان جنگ دوم جهانی، دوستی‌اش را با هایدگر نبرید. گرچه شماری از هم‌قطاران هایدگر از آمادگی او برای پوزش‌خواهی‌اش بابت عضویت در حزب نازی، مکدر شده بودند.

آرنت در بحث خود غالباً به افلاطون و مارکس رجوع می‌کند. او سخت این اندیشمندان را تحسین می‌کند اما دیدگاه مارکس را در زمینه رهایی انسان از بند زحمت نمی‌پذیرد. جامعه اتوپایی که در آن، «جانداران زحمت‌کش» از قید ضروریات رها شده باشند. در واقع جامعه‌ای اتوپیزدایی شده است، یک جامعه مصرفی با اقتصاد مصرفی است که در آن تلاش مدام برای سعادت تنها سبب ویرانی خواهد بود.

یکی دیگر از آثار آرنت کتابی است به نام: «منشاء تام‌گرایی» (۱۹۵۱)، که مطالعه‌ای در نازیسم و استالینیسم است. آرنت ریشه و خاستگاه آنها را در گرایش‌های توسعه‌طلبانه و ضد سامی سده نوزدهم قلمداد می‌کند. کتاب دیگرش «انقلاب» (۱۹۶۳) است که در آن به مقایسه دو انقلاب فرانسه و امریکا پرداخته است. آرنت مدعی است که انقلاب فرانسه مبارزه‌ای محدود بر سر کمبود و نابرابری بوده است. اما انقلاب امریکا، جست و جویی نامحدود برای آزادی سیاسی است.

یکی از موضوعات محوری در اندیشه‌های سیاسی آرنت که در همه آثارش بازتاب یافته، جدایی زندگی سیاسی (قلمرو عمومی) از زندگی اجتماعی و اقتصادی (قلمرو خصوصی) است. او با نگاه به دولتشهر یونانی پیش از سقراطی، و مقایسه آن با جامعه ایالات متحده امریکا، الگوهای برای «قلمرو عمومی» زندگی پیشنهاد می‌کند. افراد شهروند در این نوع جامعه‌ها، در فداسازی خود به نفع جامعه (Community) رغبت داشتند و حتی آماده بودند که در راه آن مرگ را بپذیرند. هنگامی که حوزه‌های عمومی و خصوصی در حوزه‌های اجتماعی/ اقتصادی مستحیل شوند. آرامش تعقل و زندگی سلوکی (vita contemplativa) را بر هم می‌زنند. در عصر جدید، زحمت گرامی داشته می‌شود و تعقل و تأمل بی‌معنا و مذموم شده است. ■

(منبع: برنلن اندیشه فلسفی در جهان امروز - دفتر پژوهش‌های فرهنگی - خانه هنرمندان)

می‌پردازد که این تجربه طولانی در دناات انسانی به ما آموخته، درسی درباره ابتذال شری که چنان هولناک است که در اندیشه و کلام نمی‌گنجد. کتاب مجادله برانگیز آرنت انتقادات فراوانی را دامن زد. آرنت به دلیل چاپ این اثر، بسیاری از دوستانش را از دست داد. و در دفاع از خود گفت که بسیاری از معایبی که در انتقادات به او نسبت داده‌اند، کار دستگاه تفتیش اسرائیلی است.

عمده‌ترین کتاب آرنت، «وضعیت انسانی» نام دارد که در واقع جمع‌بندی اندیشه‌های اوست. به هنگامی که هایدگر روی موضوع «هستی» کار می‌کرد، آرنت روی «انجام دادن» متمرکز بود و به بازیابی و دریافت اندیشه‌های مرتبط با مفاهیمی چون کار، دست‌رنج و عمل، از منظر ریشه‌شناسی واژگان (etymology) فلسفی و اجتماعی آن پرداخته بود. آرنت تمایز میان کار (Work) و زحمت (labour) را از مباحث جان لاک استخراج کرد. لاک از «زحمت بدن و کار دست‌ها» سخن گفته بود. این تمایز در زبان‌های اروپایی متداول و قابل تفکیک است و یونانیان، فرانسویان و آلمانی‌ها، برای هر یک از این دو مفهوم واژگان ویژه‌ای را به کار می‌برند. آرنت مفهوم زحمت را با فرآیند زیستی زندگی و مرگ پیوند می‌دهد. یعنی زندگی اندامگان در چرخه زندگی، که در آن جانداران کارور چیزهایی مصرفی و بی‌دوام برای حفظ زندگی اندامگان تولید می‌کنند. فعالیت توأم با زحمت تا زمانی که زندگی هست، هرگز به پایان نمی‌رسد. اما کار، پدیده‌ای است که انسان کارورز (homo faber) و سازنده انجام می‌دهد.

دست‌های انسان، محیطی دست‌ساز و مصنوعی (مانند خانه) برای انسان‌های فانی تولید می‌کنند که غالباً باید بادوام باشد. عمل، انسان‌ها را به طریقی سازمان‌دهی می‌کند که صلح و شرایط تعقل و خوداندیشی تضمین شوند. زحمت، کار و عمل، همراه با هم از فعالیت‌های بنیادی انسان به شمارند و «زندگی عملی» (Vita activa) را می‌سازند.

زبان انگلیسی کرد. در ۱۹۶۳، آرنت به استادی دانشگاه شیکاگو رسید. او سرانجام در «مدرسه تحقیقات اجتماعی» نیویورک مستقر شد و از سال ۱۹۶۷ تا زمان مرگش در آن جا تدریس می‌کرد. آرنت در عین‌حال به عنوان استاد در بسیاری از دانشگاه‌ها و دانشکده‌های امریکا به کار تدریس می‌پرداخت. در ۱۹۵۹ به عنوان نخستین استاد زن در دانشگاه پرینستون انتخاب شد. آرنت در چهارم دسامبر ۱۹۷۵ در نیویورک درگذشت. نشان‌ها و جوایز متعددی گرفت، از جمله: جایزه موسسه ملی هنر و ادبیات (۱۹۵۴)، جایزه لنینگ (۱۹۷۵)، جایزه فروید (۱۹۶۷)، و جایزه سانینگ (۱۹۷۵). او عضو فرهنگستان زبان و ادبیات آلمانی، و عضو افتخاری فرهنگستان هنرها و علوم امریکا بود.

یکی از آثار آرنت کتابی است به نام: «منشاء تام‌گرایی»، که مطالعه‌ای در نازیسم و استالینیسم است. آرنت ریشه و خاستگاه آنها را در گرایش‌های توسعه‌طلبانه و ضد سامی سده نوزدهم قلمداد می‌کند

آرنت در مجموعه مقاله‌هایی که برای نشریه نیویورکر نوشت و بعداً به شکل یک کتاب با عنوان «آیشتن در اورشلیم» به چاپ رسید، عنوان داشته که آیشتن به «ثابه چرخ دنده‌ای در دستگاه بوروکراسی نازی بوده و از سوی دیگر به عنوان همکار شوراهای یهودی (یودن رته)، در شکل‌گیری فاجعه نقش داشته است. عنوان فرعی کتاب او، یعنی «ابتذال شر»، به عنوان یک عبارت تکان دهنده زبانزد شد. آرنت بر این عقیده بود که آیشتن خود شریر نبوده، بلکه یک هیولای مسئول و محذور بوده است. او در کوران محاکمات، همه آنچه را که انجام داده بود پذیرفت، و مدعی بود که دستور را اطاعت کرده و بنابراین احساس گناه نمی‌کند. آرنت به خوانندگان خود نیز می‌تازد و می‌نویسد: «آیشتن سرفرازانه به پای چوبه دار رفت». پنداری که در آن دقیق آخر، به جمع‌بندی درس‌هایی

رادیو صدای داوود کلام واقعی را برای یهودیان پخش می کند

مخاطبان ما از یهودیان و عبری زبانان هستند

ایستگاه رادیویی صدای داوود چند ماهی است که به زبان عبری از تهران برنامه پخش می کند. در این خصوص، روزنامه فلسطینی الصناره باب اردن برای اولین بار با امیر بهجتی، دبیر خبر در رادیو داوود مصاحبه ای ترتیب داده، که در زیر می آید.

چرا برای این ایستگاه عنوان صدای داوود انتخاب شد؟

اگر به عنوان مثال اسم موشه (موسی) را انتخاب می کردیم، شاید هم همین پرسش را مطرح می کردید که چرا موشه؟ حضرت داوود (ع) دارای صفات حمیده بی شماری بوده از جمله این که صدای زیبایی او که به سرعت در دل ها نفوذ می کرده است.

بر همگان معلوم است که میان ایران و اسرائیل قطع روابط سیاسی وجود دارد، پس انگیزه اصلی شما برای راه اندازی این ایستگاه رادیویی چه بوده است؟

ما در رادیو صدای داوود براساس سستی که امام خمینی (ره) در خصوص رژیم اسرائیل بنیان نهاد، فعالیت داریم، ما حاکمیت رژیم صهیونیستی بر اراضی فلسطینی را به رسمیت نمی شناسیم، زیرا این رژیم یک رژیم ساختگی است و دولت خود را بر روی زمین اشغالی برپا کرده است. ما یهودیت را به عنوان یک دین آسمانی به رسمیت نمی شناسیم و معتقدیم که پیامبران بنی اسرائیل پیامبران ما نیز هستند تا جایی که قرآن کریم با اختصاص یک سوره کامل به اسم حضرت یوسف و سایر انبیای بنی اسرائیل سخن گفته است. اما در خصوص صهیونیسم و ایدئولوژی صهیونیستی باید گفت که ما صهیونیسم را به رسمیت نمی شناسیم، چرا که بر این باوریم صهیونیسم از دین یهودیت در جهت منافع سیاسی و اقتصادی خود سوء استفاده کرده است. صهیونیسم لکه تنگی بر پیشانی دین یهودیت است و ما معتقدیم که از دین یهودیت برای تاسیس دولت اسرائیل سوء استفاده شده است. ما در رادیو صدای داوود تلاش می کنیم که حق را به حقدار برسانیم و با پخش کلام واقعی و درست به پخش اخبار بپردازیم. به ویژه اینکه رسانه های تبلیغاتی صهیونیستی بر طبق دستورات دستگاه امنیت این کشور عمل کرده و اقدام به پخش اخبار ناصحیح و ناقص می کنند و تنها اخبار را مطابق خواسته های دستگاه امنیت پخش می کنند.

نامه آورده:

گله ای دیگر از صدا و سیما

در برنامه «ایران زمین» که روز جمعه مورخ ۲۷ دیماه ۱۳۸۱ از شبکه سوم سیما پخش گردید، نکته ای تأسفبرانگیز را شاهد بودم. البته اینکه سعی شده یکی از پیامبران الهی معرفی شود آن هم پیامبری که در کشور عزیزمان ایران خفته است - جای تحسین دارد، ولی باید پرسید چرا در تهیه این گزارش با بی انصافی - اگر نگوییم غرض ورزی - معرفی نصفه نیمه ای از آن حضرت شده است؟

شاهد آن هستیم که در متن گزارش گفته می شود حضرت حقوق برای راهنمایی و ارشاد مردمان فرستاده شده است؛ حال کدام مردم، معلوم نیست و فقط صحبت از اصل و نسب حضرت حقوق می شود؛ نویسنده حتی نام پیامبر را نیز درست ارائه نمی دهد و آن را «حقوق» تلفظ می کند. در تصویربرداری نیز بسیار دقت شده تا آثار و علائم یهودیت که در داخل مقبره است به تصویر کشیده نشود و فقط نماهای دور و نزدیک «بیرون» حرم نمایش داده می شود.

حال برای اطلاع نویسنده و تهیه کنندگان محترم این برنامه و کلیه خوانندگان باید عرض کنم که:

- ۱- حضرت حقوق نبی پیامبر بنی اسرائیل است که بعد از حمله نوکنصر به اورشلیم به ایران مهاجرت نمود و صاحب کتاب است.
- ۲- محل دفن حضرت حقوق نیز سابقه تاریخی دارد و زمانی گورستان کلییمان تویسرکان بوده است، و تا چندی پیش نیز سازمان میراث فرهنگی سرگرم اکتشافات در این محل بود.
- ۳- طبق اعتقادات مسلمانان، کلیه پیامبران الهی مورد احترام هستند. تا جایی که محل این مقبره، مصلی نماز جمعه شهر تویسرکان است و حضرت حقوق مورد احترام کلیه اهالی محل می باشد.
- ۴- بهتر بود دست اندکاران برنامه وزین «ایران زمین» سری هم به آرشو اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر تویسرکان نیز می زدند تا از نبش قبر مقبره که چند سال پیش توسط عده ای سارق انجام گرفته و بعداً فیلم آن تهیه گردیده و در آن پیکر سالم [منسوب به] حضرت حقوق نبی پس از گذشت ۲۵۰۰ سال از رحلت ایشان به تصویر کشیده شده است نیز اطلاعی حاصل می شد و به تصویر درمی آمد تا اطلاعات جامع و کاملی از حضرت حقوق نبی به بیننده ارائه گردد.

فرزاد طویبان

آیا تاسیس و راه اندازی چنین ایستگاه رادیویی در پاسخ به ایستگاه ماهواره ای موسوم به ایستگاه الفضائیه الاسرائیلیه که اخیراً به پخش برنامه اقدام ورزیده، است؟

هیچ دلیلی برای پاسخ دادن به این سوال وجود ندارد، پیش از آن که اسرائیل اقدام به پخش برنامه های ماهواره ای (الفضائیه الاسرائیلیه) خود کند، ما اقدام به پخش برنامه ها کرده بودیم. مخاطبان ما از یهودیان و عبری زبانان هستند، ولی مخاطبان آنها توده ملت عرب و کشورهای عربی هستند و هیچ ارتباطی میان این دو ایستگاه وجود ندارد.

اهداف اصلی ایستگاه شما چیست و بر چه محوری متمرکز شده است؟

ما در رادیو خودمان تلاش می کنیم که حقایق را بشناسیم و نظریات و آراء مخالف تشکیلات صهیونیستی و رفتار سیاسی با سیاست رژیم اشغال گر قدس را انعکاس دهیم. ما نمونه های جدیدی از همزیستی مسالمت آمیز میان ادیان را بیان می کنیم، از آن جمله این که در رادیو «صدای داوود» مسلمانان و یهودیان در کنار یکدیگر به فعالیت مشغولند. از این رو ما به برادران و خواهران یهودی یشارت می دهیم که به زودی برنامه های رادیو صدای داوود در اکثر مناطق فلسطین، امریکا، روسیه، مسکو و شرق اروپا قابل دریافت، خواهد بود.

آیا از میزان گسترش شنوندگان یهودی در سرتاسر دنیا و درصد توجه آنها به این رادیو اطلاع دارید؟

ما تماس ها و نامه هایی از طریق دورنگار دریافت کرده ایم، به ویژه این که نامه هایی نیز از بلاد شام، امریکا، انگلیس، روسیه، دریافت کرده ایم که طی آن از ما خواسته شده بود که پخش برنامه های این رادیو را گسترش دهیم، و سوال پایانی این که عکس العمل مثبت گروه های سیاسی در داخل خاک اسرائیل در قبال رادیو شما تا چه اندازه بوده است و شما چگونه کادرهای فنی برای تاسیس رادیو عبری به دست آوردید؟

ما با شخصیت های یهودی در فلسطین گفتگوهایی را ترتیب دادیم. محور انجام مصاحبه های مذکور با افراد یهودی، بر اصل مخالفت با سیاست تروریستی شارون و مخالفت با سیاست جنبش صهیونیستی استوار است. در خصوص بسیج کردن کادر نیز ما به کارشناسان آگاه به سیاست رژیم صهیونیستی تکیه کرده ایم که طبعاً به اعتبارات ویژه ای در این برهه نمی توان بیش از این پاسخ داد.

در پایان آرزو مندیم که صلح در فلسطین برقرار شده و حق به حقدار برسد. ■

(جام جم - ۸۱/۹/۲۰)

زنان اسرائیلی :

«صداقتی که در گفتار ما است، بپذیرید»

ایندیندنت- ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۲: ۹ گروه از زنان اسرائیلی در نامه شگفت‌آوری به بازماندگان کشتار اردوگاه‌های فلسطینی صبرا و شتیلا در بیروت در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ شمسی)، از تلاش فلسطینی‌های بیروت برای به دادگاه کشاندن آریل شارون، نخست‌وزیر اسرائیل، به خاطر جنایات جنگی او در بیست سال پیش، اعلام حمایت کردند.

نامه این زنان، که به ایالات متحده فرستاده شده است، وکیل لبنانی بازماندگان این کشتار را (که یک کمیته حقیقت‌یابی اسرائیلی شارون را «شخصا مسئول» آن عنوان کرد) به شگفت واداشته است.

وکیل لبنانی مزبور، شبلی ملت گفت: «این حرکت بسیار خوبی است.» در این برهه از زمان، که بسیار پرمخاطره و آکنده از وحشی‌گری است، این پیام بسیار خوبی برای ما است.

نامه مزبور، که توسط «همبستگی زنان برای صلح عادلانه در اسرائیل» نوشته شده، با بیانی تکان‌دهنده، از رنج‌های فلسطینیان در سال ۱۹۸۲ گفت‌وگو می‌کند: «یاد جنایات وحشیانه در (اردوگاه‌های فلسطینی) در ۲۰ سال پیش که با مجوز اسرائیل صورت گرفت، قلب ما را به درد می‌آورد. «ما کشتار وحشیانه عزیزان شما را محکوم می‌کنیم. ما رهبرانی را که باید برای انجام این جنایات جنگی مسئول شناخته شوند و در صدر آنان، آریل شارون را، محکوم می‌کنیم».

در اوایل امسال، یک دادگاه در شهر بروکسل بلژیک حکم داد که نمی‌تواند دادخواست علیه آریل شارون برای این کشتارها بپذیرد. ولی بیش از ۲۰ تن از بازماندگان این کشتارها، که «ملت» یکی از وکلای آنها است، در مقابل این حکم، درخواست تجدیدنظر کرده‌اند.

در نامه مزبور، زنان اسرائیلی به یادآوری جنایات سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷ شمسی، سال تأسیس دولت اسرائیل) می‌پردازند که طی آن، با استفاده از

زور، فلسطینیان را از خانه‌هایشان متواری ساختند. در ادامه نامه مزبور، آمده است: «در سوگواری برای مقتولین و معلولین سال ۱۹۸۲، به شما می‌پیوندیم و مسئولان این جنایات را محکوم کنیم.» «امیدواریم که شما صداقتی را که در گفتار ما است بپذیرید و به ما اجازه دهید که در تلاشمان در راه ایجاد صلحی عادلانه بین اسرائیل و فلسطین، با همبستگی در کنار شما بایستیم».

«محمد ابورودنیا» که ۲۰ سال پیش، در سن ۷ سالگی، قتل پدر و سایر اقوامش را شاهد بود، نامه زنان اسرائیلی را اقدامی تکان‌دهنده توصیف کرد که می‌تواند برای سایر بازماندگان فلسطینی که برای مرگ عزیزانشان دادخواهی می‌کنند، مشوق بزرگی باشد. به ویژه، نام بردن از آریل شارون، باعث ناراحتی شدید نخست‌وزیر اسرائیل خواهد شد که برای دفاع از خود در دادگاه بروکسل بلژیک، وکیل گرفته بود ولی نا به حال این را تجربه نکرده بود که اسرائیلی‌ها نیز بخواهند او را به دادگاه بکشانند.

آقای ملت (وکیل لبنانی) گفت که پس از بیش از ۲۰ سال، این نخستین نمایش همبستگی اسرائیلی‌ها با بازماندگان کشتار در اردوگاه‌های فلسطینی صبرا و شتیلا است. بیست سال پیش، یک اسرائیلی به نام امیل گرونزویگ در اثر انفجار یک نارنجک در تظاهرات جمعیت مخالف این کشتار، در تل‌آویو پایتخت اسرائیل، به قتل رسید.

نامه زنان اسرائیلی اضافه می‌کند: «ما آقای گرونزویگ را یک اسرائیلی به شمار می‌آوریم که برای صبرا و شتیلا جان داده، ملت، وکیل لبنانی می‌گوید: «حالا، حداقل، این طور به نظر می‌رسد که کسانی در اسرائیل در ارتباط با این جنایات وحشتناک ضدبشری که دو دهه پیش در بیروت انجام گرفت، از ما حمایت می‌کنند».

(اعتماد ۸۱/۱۱/۹)

جوانان شورشی در برابر ارتش اسرائیل

تل ماتالن دختر ۱۸ ساله اسرائیلی از خدمت در ارتش اسرائیل سرباز زده است. او دو سال پیش تصمیم خود را گرفت: «نمی‌توانم از اشغال سرزمین‌های فلسطینی حمایت کنم و وقتی زمان مقرر فرا رسید در ارتش خدمت نخواهم کرد».

اکنون او مدرسه را به پایان برده و تصمیم خود را عملی کرده است.

او می‌گوید: دور باطل خشونت هیچ سودی ندارد. نخستین واکنش هر انسانی، خشم و میل به تلافی کردن بر سر کس دیگر است. اما انسان باید عمیق‌تر فکر کند. یکی از همکلاسی‌های او در واکنش به این احساس او می‌گوید: تو یا احمق یا شیطان.

چند ماه پیش ماتالن و ۲۷۹ جوان اسرائیلی دیگر که از خدمت در سرزمین‌های اشغالی فلسطین سرباز زده‌اند به آریل شارون نوشتند: دولت اسرائیل مرتکب جنایات جنگی شده و حقوق بشر را زیر پا می‌گذارد و شهرها، شهرک‌ها و روستاهای فلسطینی را ویران می‌کند.

در اسرائیل، خدمت نظامی، همگانی است. دختران دو سال و پسران سه سال خدمت می‌کنند. ماتالن در مدرسه‌ای که ۱۰۰ دانش‌آموز دارد، تنها کسی بود که از این کار سرباز زد. همکلاسی‌هایش از این

کارش انتقاد کردند، اما او از تصمیم خود دفاع می‌کند. ماتالن در این راه تنهای تنها نیست. او یکی از ۹/۸ درصد از زنان واجد شرایطی است که به گفته سخنگوی ارتش اسرائیل، به دلایل مختلف از خدمت در ارتش باز می‌مانند.

جوانان اسرائیلی بعد از پایان تحصیل در مدرسه تنها به دلایل پزشکی و مذهبی می‌توانند در ارتش خدمت نکنند. پدر و مادر ماتالن از او حمایت می‌کنند، اما می‌گویند تصمیم او به راحتی قابل پذیرش نیست. خدمت در ارتش یک اجبار اجتماعی است.

همه کسانی که خدمت نظام را می‌گذرانند لزوماً مجبور به حمل سلاح یا شرکت در حملات نیستند. آنها می‌توانند به عنوان راهنمای جهانگردان یا معلم خدمت کنند. اما مشکل فقط این نیست. ماتالن می‌گوید: حتی داشتن چنین نمونه‌هایی، توجیه موجودیت ارتش و تبدیل آن به بخشی از جامعه است.

او از سن ۱۶ سالگی به این تصمیم رسید که هر عنوانی در ارتش زیان‌آور است. از هر کاری که به ادامه این سرکوب و اشغال کمک کند باید اجتناب کرد.

او می‌گوید: من چه به سوی مردم شلیک کنم و چه در دفتری در تل‌آویو بنشینم و فهرست کسانی را که باید کشته شوند بنویسم، هر دو یکی است.

(همشهری ۸۱/۹/۲۱)

صفحه دانشجو

رشد نزولی و جای خالی

پژوهش ...

اشاره: قرار بود صفحه دانشجوی این شماره، به طور کامل به گزارش جشن تجلیل از پذیرفته‌شدگان کلمی دانشگاه‌ها، افتخارآفرینان ۸۱، اختصاص یابد. اما پیش از درج این گزارش، بر آن شدیم تا به همین مناسبت عوامل کاهش کمی و کیفی ورود جوانان کلمی به دانشگاه را در چند سال اخیر، در گفتگو با تنی چند از صاحب‌نظران و مسئولین امر بررسی کنیم. با این توضیح که در شماره‌های آتی به این موضوع به طور مفصل‌تر و دقیق‌تری پرداخته خواهد شد.

نعیم: هر اظهارنظری پیش از انجام یک پژوهش، غیرکارشناسانه است

«گادنعم» عضو سابق هیئت مدیره انجمن کلمیان تهران و از پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی، معتقد است علل و عواملی که به طور معمول برای کاهش نرخ ورود جوانان کلمی به دانشگاه‌ها مطرح می‌شود همگی شهودی و بدون دلیل و پشتوانه منطقی است. وی با رد این نکته که لزوماً اقلیت بودن جامعه ایرانیان یهودی مهمترین پارامتری است که باید در انجام یک پژوهش فراگیر لحاظ شود، اظهار می‌دارد: «در این زمینه هم نمی‌توان نظری حتی نزدیک به واقعیت داد، این امکان وجود دارد که این رشد نزولی در کل جامعه ایران - و نه فقط اقلیت ایرانیان یهودی - وجود داشته باشد و مسئله موجود، مختص به جوانان یهودی نباشد». «نعیم» انجام یک پژوهش فراگیر در این زمینه را منوط به حضور کارشناسان خبره در این امر می‌داند و معتقد است این پژوهش را می‌توان با سه رویکرد علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی فرهنگی آغاز کرد.

فروزانفر: ارزش تحصیلات عالی میان جوانان پایین آمده است

شهرام فروزانفر، عضو «کمیته جوانان انجمن کلمیان تهران» و از مسئولین سابق



طرح از طیار ستاره‌شناس

«خانه جوانان یهود تهران»، ضمن پذیرش رشد نزولی قبولی جوانان کلمی در دانشگاه‌ها، مهاجرت، تغییر ذائقه جوانان، رشد بی حد و حصر داوطلبین کنکور، کم‌رنگ شدن ارزش تحصیلات و رشد مدرک‌گرایی را از مهمترین عوامل این امر می‌داند. وی با بیان این نکته که «ارزش تحصیلات عالی به خصوص در میان پسران پایین آمده است» معتقد است: امید و انگیزه یافتن شغل مناسب در آینده، می‌تواند عامل مهمی برای ترغیب جوانان به تحصیل آموزش‌های عالی باشد.

مرادیان: راهی جز به کارگیری جامعه‌شناسان متخصص در حوزه اقلیت نداریم

فرشید مرادیان، عضو «مرکز مطالعات و پژوهش‌های کلمیان ایران» و از اعضای اسبق هیئت مدیره «سازمان دانشجویان یهود ایران»، با تأکید بر رشد نزولی سطح «کیفی» قبولی در دانشگاه‌ها، ذکر علل و عوامل این رشد نزولی را منوط به «انجام یک پژوهش اجتماعی» می‌داند و معتقد است پیش از انجام یک پژوهش فراگیر اجتماعی نمی‌توان در این زمینه پیش‌بینی‌های دقیقی انجام داد. وی به کارگیری کارشناسانی که تخصص آنان «جامعه‌شناسی اقلیت» باشد را تنها راه شروع این پژوهش می‌داند. ■

گزارش:

افتخارآفرینان ۸۱

مهندس معتمد، خواستار ارتباط نزدیک و مستمر دانشجویان و نماینده کلمیان در مجلس شد

جشن تجلیل از پذیرفته‌شدگان کلمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، عصر روز چهارشنبه ۲۰ آذر ماه سال جاری، تحت عنوان «افتخارآفرینان ۸۱» و با حضور قبول‌شدگان کلمی دانشگاه‌ها و مسئولین جامعه، به همت «سازمان دانشجویان یهود ایران» در تالار مجبان برگزار شد.

در آغاز مراسم «تینا ربیع‌زاده» عضو هیئت مدیره سازمان دانشجویان یهود، ضمن خوش‌آمدگویی به حضار و تبریک راهیابی جوانان کلمی به مراکز آموزش عالی، «همگامی با جنبش‌های دانشجویی ایران» و «تلاش جهت ایفای نقش روشنگرانه در جامعه کلمی» را دو پیام محوری جشن افتخارآفرینان ۸۱ دانست و ضمن ابراز نگرانی از روند رو به رشد مهاجرت و کاهش نرخ ورود جوانان کلمی به دانشگاه‌ها، به برنامه‌های آتی سازمان دانشجویان یهود در جهت افزایش کمی و کیفی فعالین اجتماعی نهادهای یهودی، خصوصاً سازمان دانشجویان اشاره و از دانشجویان کلمی درخواست کرد همانند اسلاف خود، حضوری فعال‌تر و پررنگ‌تر در عرصه‌های مختلف اجتماعی داشته باشند.

«هارون یشایایی» رئیس هیئت مدیره انجمن کلمیان تهران نیز طی سخنانی ضمن تبریک به پذیرفته‌شدگان کلمی و خانواده‌های آنها و ابراز خوشوقتی از حضور در چنین مراسمی، وظیفه و مسئولیت سازمان دانشجویان یهود را در قبال تحولات داخلی جامعه بسیار سنگین و تأثیرگذار دانست و از مسئولین سازمان دانشجویان خواست با حفظ اتحاد و

بود. و از هم اکنون باید به فکر پرورش و به کارگیری افرادی مدیر و متفکر برای مدیریت آینده جامعه کلیمی باشیم.

- بیانیه سازمان دانشجویان یهود ایران به مناسبت ۱۶ آذرماه، روز دانشجوی، در سالن اجرای برنامه توسط یکی از اعضای هیئت مدیره سازمان قرائت شد. در این بیانیه آمده است:

۱۶ آذر یادآور شهید شدن سه آذر اهورایی قهرمانی است که لحظه‌ای از انجام وظیفه خود یعنی ایستادگی در برابر طاغوت، ظلم، ستم، بی‌عدالتی و در یک کلمه استبداد شاه غافل نشدند و در نهایت جان عزیز خود را در این راه مقدس از دست دادند.

خوشبختانه دانشجویان و روشنفکران کلیمی نیز همیشه و در همه حال در کنار جنبش‌های متعهد دانشجویی ایران بوده و هستند. هر جا و هر زمان اندیشمندان و دانش‌پژوهان متعهد و مسلمان در مقابل ظلم و استبداد یا پیش نهاده‌اند، روشنفکران و دانشجویان یهودی نیز دوش به دوش و همگام با آنها به تبعیت از فرامین مقدس موسی کلیم‌الله به میدان مبارزه پا نهاده و شهادتی نیز تقدیم انقلاب و میهن عزیز نموده‌اند. همانطور که این مهم را در صحنه‌های مختلف جنگ هشت ساله بر علیه خصم متجاوز به خوبی نشان داده‌اند.

جامعه دانشجویی و روشنفکران کلیمی ایران مفتخر هستند که نقش خود را در راستای آرمان‌های ملت بزرگ ایران به خوبی ایفا نموده‌اند و در همه حال آماده دفاع از ارزش‌های مردم شجاع ایران و میهن عزیز می‌باشند.

- در حاشیه این مراسم، خبرنامه داخلی سازمان دانشجویان یهود ایران با عنوان «پرواز» که به جشن افتخارآفرینان اختصاص یافته بود، بین حضار توزیع شد.

- برنامه، طبق روال معمول برنامه‌های اینچنینی با حدود یک ساعت تاخیر آغاز شد، اما معلوم نیست دلیل این تاخیر به گفته مسئولین اجرای مراسم، «کم لطفی مدعوین محترمی که دیر تشریف آوردند» بوده و با باید جای دیگری به دنبال دلیل این امر گشت!!! ■



گذاشتن مسائل و مشکلات با نماینده خود، در طراحی و اجرای برنامه‌های پیش‌رو نقش مفیدتری برعهده گیرند.

در این برنامه از حدود ۷۰ نفر از قبول‌شدگان کلیمی مراکز آموزش عالی تقدیر به عمل آمد؛ و از طرف انجمن کلیمیان تهران و سازمان دانشجویان یهود هدایایی به رسم یادبود به آنان اهدا شد، و همچنین گروه‌های سرود گروه دانش‌آموزان یهود و موسیقی سنتی سازمان دانشجویان به هنرنمایی برای حضار پرداختند.

در حاشیه:

- در این مراسم «نشان سازمان دانشجویان یهود ایران»، به پاس «بزرگداشت و تقدیر از خدمات ۴۰ ساله هارون یشایایی به جامعه ایرانیان یهودی» به وی اهدا شد. نماینده هیئت مدیره سازمان دانشجویان پیش از اهدای این نشان، هدف از تقدیر از «یشایایی» را نه صرفاً بزرگداشت یک شخص بلکه بزرگداشت یک «منش» و «خط فکری» که «بقای جامعه ایرانیان کلیمی پس از انقلاب تا حد زیادی مدیون آن است»، دانست. همچنین «آرش آبائی» عضو سازمان دانشجویان یهود که به نمایندگی از اعضای سازمان عهده‌دار اهدای این نشان به «یشایایی» بود، ضمن برشماری ویژگی‌های ممتاز شخصیتی وی اظهار داشت: «نباید فقط به یک شخص وابسته

انجام سازمان، به ارائه راهکارهایی برای حل مشکلات دانشجویان کلیمی بپردازند. رئیس کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران» با اشاره به رشد تحسین‌برانگیز فعالیت‌های فرهنگی انجمن کلیمیان در سالیان اخیر اظهار داشت: «نباید از نقشی که دانشجویان کلیمی می‌توانند برای تسریع این روند مثبت و حل مشکلات موجود برعهده گیرند، غافل شد».

همچنین «موریس معتمد» نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی، به عنوان دیگر سخنران این مراسم، ضمن ابراز خرسندی از افتخارآفرینی جوانان ایرانی کلیمی و تبریک به دانشجویان و خانواده‌های آنان، برگزاری چنین مراسمی توسط «سازمان دانشجویان یهود ایران» را مایه مباحث تمام جامعه ایرانیان یهودی دانست و اظهار امیدواری کرد که جوانان- خصوصاً تحصیلکرده کلیمی بتوانند نقش مفید و موثری در راهبری و مدیریت آینده جامعه کلیمی برعهده داشته باشند. وی ضمن تشریح رنوس برنامه‌های نماینده کلیمیان در مجلس جهت حل مشکلات موجود، از سازمان دانشجویان یهود و تمام دانشجویان کلیمی دعوت کرد که ارتباط قشر دانشجوی و نماینده را نزدیک‌تر و مستحکم‌تر سازند و با در میان

ارزش زمان



آلبرت اینشتین:

ارزش یک ثانیه و نیم ثانیه در زندگی ما چقدر است؟

تصور کنید بانکی در نزدیکی خانه شما وجود دارد که هر روز ۸۶۴۰۰ تومان پول به شما می‌دهد و شما این مبلغ را می‌توانید بی هیچ کم و کاست در هر روز دریافت کنید. اشتباه نکنید، شما این مقدار پول را نیز می‌توانید بدون هیچ معذور و محذور و محدودیتی خرج کنید و در این ماجرا فقط یک شرط وجود دارد و آن هم این است که: اگر تا شب نتوانید این مبلغ را به طور کامل خرج کنید، باقیمانده این پول از شما پس گرفته می‌شود.

بانک زمان، هر روز صبح به شما ۸۶۴۰۰ ثانیه سرمایه می‌دهد و در شب آنها را از شما می‌گیرد

با چنین وضع و شرایطی چه خواهید کرد؟ البته مشخص است که شما سعی می‌کنید هر طور شده، از هر یک «قران» این پول بادآورده تا حد امکان استفاده کنید. اینطور نیست؟

چرا، همین طور است و جالب آنکه هر کسی در هر کجای دنیا و از هر کشور و ملت و قومیتی چنین بانکی دارد. نام این بانک، «زمان» است. بانک زمان، هر روز صبح به شما ۸۶۴۰۰ ثانیه سرمایه می‌دهد و در شب آنها را از شما می‌گیرد. هر آنچه که از این مقدار را بتوانید سرمایه‌گذاری کنید، به نفع خودتان خواهد بود. اما اگر نتوانید از موجودی این حساب پس‌انداز شگفت‌انگیز خود استفاده کنید، مسلماً چنین سرمایه‌ای را ساخته‌اید. متأسفانه هیچ شانس برای بازگشت این سرمایه وجود ندارد که بتوانید از پول امروztان، برای فردا چیزی کنار بگذارید و روز بعد، از آن استفاده کنید. به خاطر داشته باشید که شما باید همیشه در حساب بانکی «حال» زندگی کنید و اصلاً به فکر ذخیره کردن نباشید، زیرا این تنها سرمایه‌ای است که ذخیره نمی‌شود و



تمامش باید به موقع خرج شود. باید سعی کنید برای خرج کردن این سرمایه، برنامه داشته باشید. برنامه‌ای صحیح و دقیق تا به سلامتی، شادمانی و موقعیت اجتماعی مناسب دست یابید. توجه داشته باشید که ساعت در حال کار کردن و بدون توقف است. پس بکوشید تا بیشترین استفاده را از آن ببرید.

اما، این «زمان» که ساعت، دم به دم مرگ و نابودی آن را نشان می‌دهد، اصلاً چه ارزشی دارد؟ برای اینکه ارزش یک سال را بدانید، از یک سردبیر روزنامه پرسید. برای اینکه ارزش یک روز را بدانید، از دانش‌آموزی که مردود شده پرسید. برای این که ارزش یک ماه را بدانید از مادری که بچه نارس دارد پرسید. برای اینکه ارزش یک هفته را بدانید، از یک کارگر روزمزد پرسید. برای اینکه ارزش یک دقیقه را بدانید، از آدمی که به هواپیما دیر رسیده، پرسید. برای این که ارزش یک ثانیه را بدانید، از عابری که با یک ماشین تصادف کرده، پرسید. برای اینکه ارزش نیم ثانیه را بدانید، از دوندۀ ای که مدال المپیک را برده، پرسید.

ثانیه‌های زندگی خود را ذخیره نکنید، بلکه آنها را گنجینه کنید، یعنی از هر کدام استفاده مناسب بکنید و این منافع و سودها را روی هم بگذارید تا همیشه به مجموعه نتایج آنها دسترسی داشته باشید. البته شما فرصت زیادی دارید، اما متوجه باشید، که زمان منتظر هیچ کس نخواهد بود. دیروز خاطره است و فردا، تصویری از امروز، پس، امروز را رها نکنید! ■

(هفته‌نامه سایبان - نیمه دوم آذر ۸۱)

میخ‌هایی بر دیوار



پسر بچه‌ای بود که اخلاق خوبی نداشت. پدرش جعبه‌ای میخ بار که عصبانی می‌شوی باید یک میخ به دیوار بکوبی.

روز اول، پسر بچه ۳۷ میخ به دیوار

کوبید. طی چند هفته بعد، همان‌طور که یاد می‌گرفت چگونه عصبانیتش را کنترل کند، تعداد میخ‌های کوبیده شده به دیوار کمتر می‌شد. او فهمید که کنترل عصبانیتش آسان‌تر از کوبیدن میخ بر دیوار است...

به پدرش گفت و پدر نیز پیشنهاد داد هر روز که می‌تواند عصبانیتش را کنترل کند، یکی از میخ‌ها را از دیوار بیرون آورد.

روزها گذشت و پسر بچه بالاخره توانست به پدرش بگوید که تمام میخ‌ها را از دیوار بیرون آورده است.

پدر دست پسر بچه را گرفت و به کنار دیوار برد و گفت: پسر! تو کار خوبی انجام دادی. اما به سوراخ‌های دیوار نگاه کن. دیوار دیگر هرگز مثل گذشته‌اش نمی‌شود. وقتی تو در هنگام عصبانیت، حرف‌هایی می‌زنی، آن حرف‌ها نیز چنین آثاری به جای می‌گذارند. تو می‌توانی چاقویی در دل انسان فرو کنی و آن را بیرون آوری. اما هزاران بار عذرخواهی هم فایده ندارد. آن زخم سرجایش است. زخم زبان هم به اندازه زخم چاقو دردناک است.

(معمشیری ۸۱/۷/۱ - ترجمه: سارا طهرانیان)

مهدکودک و آمادگی مهد یلدا (۱)

با امکانات و برنامه‌ریزی نوین آموزشی در مد استاندارد سازمان بهزیستی کشور آماده پذیرش کودکان همکیش می‌باشد.
وسیله ایاب و ذهاب برای تمامی نقاط مهیا می‌باشد.
آدرس: خیابان شهید نامجو (گران) ایستگاه کاشی‌ها-
کوپه شفق - پلاک ۲۰

تلفن: ۷۵۵۱۴۷۰۴

کلینیک شنوایی و سمعک ایرانیان

تجویز و فروش انواع سمعک داخل
گوشی
تلفن: صبح: ۶۹۲۹۳۲۴
بعدازظهر: ۸۹۰۴۵۰۷

اجاره

آپارتمان ۱۸۰ متری

۲ خوابه

منطقه یوسف‌آباد

تلفن: ۸۰۴۳۰۴۸

۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ا	ب	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط
ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش
ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر
ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج
ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح
ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ
س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د
ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ
ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر
ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز
ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س
ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش
ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض
ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط
ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق
پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک
ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ
ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن
ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی
چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ
ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت
خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج
ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ
ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح
ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ
س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د
ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ
ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر
ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز
ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س
ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش
ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض
ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط
ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق
پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک
ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ
ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن
ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی
چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ
ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت
خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج
ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ
ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح
ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ
س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د
ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ
ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر
ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز
ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س
ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش
ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض
ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط
ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق
پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک
ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ
ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن
ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی
چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ
ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت
خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج
ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ
ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح
ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ
س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د
ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ
ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر
ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز
ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س
ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش
ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض
ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط
ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق
پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک
ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ
ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن
ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی
چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ
ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت
خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج
ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ
ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح
ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ
س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د
ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ
ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر
ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز
ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س
ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش
ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض
ن	ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط
ی	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق
پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک
ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ
ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن
ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی
چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ
ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت
خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ق	ک	گ	ن	ی	پ	ت	ث	ج
ذ	ر	ز	س														

نوجوانانه



تنظیم: سارا حی

هنر و فلاقت

خلافت یکی از بزرگترین شادی‌های انسان است و هنر سبب برانگیخته شدن احساسات، اعتماد به نفس، درک زیبایی‌ها و نیکی‌های جهان می‌شود.

هنر خلاء زندگی بیرونی را پر می‌کند و موجب تمرکز، آرامش و سرور می‌شود.

برای رسیدن به لذت‌های دائمی باید از لذت‌های زودگذر بیرونی کم کنیم تا به سرچشمه و بی‌پایان شادی درونی برسیم. من دوست دارم معنویت را با رنگ‌های شاد و بهشتی و فضاهای جذاب و در سبک کریستالی نقاشی کنم. تا شاید بتوانم گوشه‌هایی از خلاء عشق درونی را پر کنم.

رنگ‌ها آینه عالم وجودند.

هر کس برای بیان احساسات خود از وسیله‌ای استفاده می‌کند. راستی وسیله شما چیست؟

عسل رحمانی

نیم قدم اول

ماشاء... به این همه نخیه که معلوم نیست چه طور یکدفعه مثل لوبیای سحرآمیز سبز شدند و تند تند قلم به دست گرفتند و برای ما نامه نوشتند. هزار ماشاء... به این همه حرف و درددل که تمامی ندارد. صد هزار ماشاء... به این همه گله، به این همه انتقاد، به این همه تعریف و تمجید (که البته این قسمتش اصلاً وجود ندارد!) یک میلیون ماشاء... به این قلم‌زدن‌های زیبا و یک میلیون و صد هزار ماشاء... به این نخیه‌ها که جدیداً به جمع ما پیوسته‌اند و ؟ ماشاء... به این همه پویایی و سرزندگی [؟ را خودتان که نخیه‌اید حدس بزنید].

شماره پیش، تعدادی از نخیه‌هایی که با شعرها و نوشته‌هایشان در همایش

«هدیه به خدا» گام‌های سوم بلندی برداشته بودند، معرفی شدند. اما گویا نام چند تن از این عزیزان جا افتاده است. احتمالاً اسامی این دوستان خوبان در زیر یکی از کوه‌های کاغذ اتاق سردبیر مفقودالثر شده و یا در اثر یکی از آتشفشان‌های آن (کوه‌های کاغذ) ذوب شده است. این دوستان، ربکا سرور کلیمی، آلیس میراخور و تانیا میرزاده هستند که آنها هم آثار بسیار زیبایی را برای شرکت در همایش ارائه کرده بودند.

اورا حناساب و کتایون یونسی نیز آثار برگزیده‌ای ارسال کرده بودند. ضمن این که از این دوستان و دوستان دیگری که احتمال دارد نام آن‌ها جا افتاده باشد پوزش می‌خواهیم، به آن‌ها به خاطر این تلاش و پویایی‌شان تبریک می‌گوییم.

اما چند کلام با دوستان تازه و همراهان باوفایمان:

* آقای پیمان مسیح‌اسرائیلیان: هر سه مقاله ارسالی‌تان به دستمان رسید. این همه توجه و همگامی با بخش نوجوان جای تشکر دارد. در ضمن اگر نوشته‌هایی که ارسال می‌کنی به قلم خودت باشد حتماً از آن چه فرستاده‌ای هم زیباتر خواهد بود. برای شماره بعدی منتظر آثاری با قلم خودت هستیم.

* خانم عسل رحمانی با برپایی نمایشگاه نقاشی در فرهنگسرای بانو، ثابت کردی که یکی از نخبگان پشنگاردار و هنرمند هستی. برای آرزوی موفقیت می‌کنیم. نقاشی‌های زیبایت را برای ما هم ارسال کن.

* آقای امیردادطیبی از ارومیه: نامه‌ها و آثار زیبای شما که هر چند وقت یک بار به دست ما می‌رسد، موجب شادی و افتخار ماست. تحقیق شما درباره انسان آذربایجان‌غربی جامع و کامل بود اما متأسفانه بخش نوجوان امکان چاپ چنین آثاری را ندارد. شما می‌توانید برای این بخش آثاری درباره نوجوانی مسائل اجتماعی و ... ارسال کنید.

* T.M عزیز! ایمیل فوق سری‌ات به دستمان رسید. خدا عمرت بدهد با این کارت، جان ما را خریدی. امیدوارم به خاطر این سهل‌انگاری از ما دلگیر نشده باشی. نوشته‌هایت را برایمان بفرست.

* خانم شرکان انورزاده: دوست و همراه عزیز مجله بینا، احساس و عاطفه‌ای که در داستان‌های شماست قابل تحسین است. اما متأسفانه به دلیل کمبود جا و یک صفحه‌ای بودن بخش نوجوان (مشکلی که خود شما هم به خوبی از آن آگاهید) امکان چاپ مطالب طولانی وجود ندارد.

* یاسمن خانم رحیمیان: مثل این که دلت بدتر از دل ما خیلی پر است. نوشته‌ات انتقادی، سازنده و زیبا است. نوشته تو حرف دل خیلی از ماست و احتمالاً بعد از کمی کج‌شدن در شماره‌های بعدی چاپ خواهد شد.

* اورا خانم محلی: شعر «باران»، لطیف و دلنشین بود. انشاء... در شماره‌های بعدی حتماً از آن استفاده خواهد شد. [فعلاً کوپن (بیخشد کالا برگ) شما برای چند شماره تمام شده].

* نسرین خانم گلپان که از این شماره به جمع ما پیوستی: مطلب به دستمان رسید، متشکریم. لطفاً برای مطالب بعدی حتماً نام منبع و با کتاب مقدسی را که ترجمه کرده‌ای برایمان بنویس. منتظر آثار بعدی‌ات هستیم.

* آیدا خانم مصری: چون بینا، n ماه یک بار چاپ می‌شود، تو باید نام فیلم‌هایی که ۲ یا ۳ سال آینده اکران خواهند شد را بفهمی تا بتوانیم مطلب «شوخی با تلویزیون» را بدون این که موضوعش قدیمی شده باشد، چاپ کنیم، منتظر آثار هستیم.

فراخوان شعر

اگر حرف‌های دلت شعر شده‌اند و از لبانت سرازیر می‌شوند، اگر دلت می‌خواهد دیگران را به احساس مشترکی دعوت کنی و شعرهایت را همراه با آهنگ و موسیقی به گوش آنها برسانی و اگر مدت‌ها است که در این فکر هستی که شعرهایت را از دهان عده‌ای از هم سن و سال‌های خود پشنوی دست به کار شو. گروه دانش‌آموزان یهود تحت پوشش سازمان دانشجویان یهود ایران قصد دارد از میان اشعار شرکت‌کننده در فراخوان شعر، آثار برگزیده را آهنگ‌سازی کند و آنها را توسط نوجوانان هنرمند یارگان سود به اجرا دریاورد.

نوجوانان علاقمند می‌توانند در ساعات اداری یا دفتر نشریه افق بینا و یا پنجشنبه‌ها، ساعت ۱۷ به بعد با گروه دانش‌آموزان یهود تماس بگیرند. (۸۷۱۵۱۲۱)

هیئت مسئولین دوره یازدهم گروه دانش‌آموزان



بچه‌ها سلام نفل

دید و بازدید موعِد پَسَح

این مقاله زیبا نوشته «نشرن اقبال» است. نشرن قائم مقاله‌ها و نوشته‌های زیبای دیگری هم برای بخش کودکان ارسال کرده است.

همه فامیل و اطرافیان در جنب و جوش و هول و هراس هستند. مادر و پدرم برای مسافرت عید برنامه‌ریزی می‌کنند، مادر بزرگم نگران کارهای خانه و شستشو است، همش می‌گوید: «چقدر برای موعِد کار دارم». دوستانم در جنب و جوش خرید کفش و لباس موعِدی هستند.

من برای آمدن موعِد پَسَح بسیار خوشحال هستم، از طرفی موعِد نزدیک عید نوروز می‌افتد؛ و این باعث دلگرمی ما بچه‌ها خواهد شد. برای اینکه دیگر پدر و مادرها به ما نمی‌گویند: «بچه جون بشین درس بخون، بچه اگر شب دیر بخوابی، به مدرسه‌ات نمی‌رسی‌ها».

«موعِد پَسَح» برای ما یهودیان قابل توجه است و اهمیت خاصی دارد و در همه جاهایی که یهودیان ساکن هستند این مراسم برگزار می‌شود. برای این به این هفت روز «موعِد پَسَح» می‌گویند زیرا، حضرت موسی به فرمان خداوند یهودیان را از بردگی نجات داد. موعِد پَسَح یعنی: وقت آزادی. نانی که ما در موعِد می‌خوریم مصا نام دارد. وقتی که یهودیان از مصر خارج شدند عجله داشتند، منتظر برآمدن خمیر نان نشدند به همین دلیل این نان سفت است. در ایام موعِد ما بچه‌ها می‌توانیم با پدر و مادرهای خود به موعِد دیدنی برویم. چند تا از شادی‌های موعِد اینها هستند. مراسم شب موعِد، خریدن کفش و لباس نو، دید و بازدید.

مراسم شب موعِد شامل خوردن و خواندن دعا و براخا می‌باشد. آخر سر هم نوبت به خوردن اجیل بوداده خانگی است. بچه‌ها به من که پارسال خیلی خوش گذشت، امیدوارم امسال هم به من و شما و خانواده‌هایتان خوش بگذرد. جای ما را هم خالی کنید.

«موعِد پَسَح بر همه شما عزیزان مبارک باد»

تنبلی کار زشته

این داستان زیبا را «ولارام ایلس زاده» برایمان نوشته. ولارام قائم با این که سن کمی دارد اما داستان‌های قشنگی می‌نویسد.

یکی بود یکی نبود زیر گنبد کبود یک موشی بود که خیلی تنبلی و پرخور و خواب‌الود بود. یک روز زنش به او گفت من امروز دارم می‌روم خانه مادرم. صبح روز بعد آقا موشه بیدار شد و دید هیچ غذایی در خانه نیست. گفت حالا چی کار کنم. خوابم می‌آید. می‌خواهم بخوابم. بعد موش کوچولو از خانه بیرون آمد و رفت دنبال دانه که دید یک گربه دنبالش می‌دود. آقا موش هم ترسید و به سوی خانه دود، زود رفت داخل خانه قایم شد. شب شد خانم موشه آمد آقا موش همه چیز را برای زنش تعریف کرد و زنش گفت: از این به بعد تو نباید فقط به فکر خوردن و خوابیدن باشی و باید به فکر کار کردن هم باشی. صبح روز بعد آقا موش صبح زود از خواب بیدار شد و رفت سرکارش.

سؤال تاریخی



این لطیفه را «سویلا کیدانیان» انتخاب و برای ما ارسال کرده. سویلا قائم مقاله زیبایی هم درباره موعِد پَسَح برایمان نوشته است. روزی معلم بهداشت از شاگردش می‌پرسد: چند وقت است که دندان‌هایت را مسواک زده‌ای؟ شاگرد می‌گوید: آقا سؤال‌های تاریخی نکنید!

شهر ما

این شعر زیبا، سروده «یاسمن داورقیبی» ۱۱ ساله از ارومیه است. یاسمن قائم از

روستان بازوکی و صمیمی بخش کودکان است که شعرهای زیبا و لطیفه‌های ناب برایمان می‌فرستد.

شهر خوب خوب ما

شهر خوب قصه‌ها

شهر زیبا و قشنگ

بهر از شهر فرنگ

لطف کن بر شهر ما

با تشکر از یاسمن خانم

عید نوروز و عید پَسَح

به نام خداوندی که میوه‌ها را آفرید که یکی از این میوه‌ها سیب است و سیب در عید نوروز در کاسه پرایی می‌افتد که با این کارش سفره هفت سین را زیبا می‌کند سبزه‌هایی که می‌روید و دور آنها روبان‌های قرمزی پیچیده می‌شود. سیر، سمنو، سرکه، سکه و سبیل هر کدام جایی را در سفره هفت سین گرفته‌اند و تنگ پرایی که ماهی قرمز زیبایی در آن شنا می‌کند، وقتی که بهار می‌آید همراهش نوروز و زیبایی‌هایش می‌آید. در بهار عید رحمت و عید برکت عیدی که نجات یهودیان را به همراه می‌آورد از راه می‌رسد که نامش پَسَح است. ما یهودیان عید پَسَح را به خاطر آزادی خود از مصر می‌گیریم عید پَسَح ۸ روز است در عید پَسَح تورای ویترا خوانده می‌شود. ما در عید پَسَح ۲ سفر تورات را از هخال (محراب کنیسا) بیرون آورده و قرائت می‌کنیم.

راست یا دروغ

این لطیفه زیبا را دوستان صوبمان رافائل سنبلان، کلاس سوم ابتدایی و فرناز سنبلان کلاس اول ابتدایی برایمان ارسال کرده‌اند که از آنها متشکریم. اولی: من یک دوست دارم که می‌گوید: پدر پدر پدر پدر بزرگ خودش را دیده است! دومی: این غیرممکن است، حتما دروغ می‌گوید. اوپی: نه دروغ نمی‌گوید، فقط زیباتر می‌گوید!

این لطیفه بامزه را «علناز لقمانا» برایمان فرستاده. امیدواریم که شما هم با خواندن آن لذت ببرید.

اولی: کجا زندگی می‌کنی؟

دومی: زیر آسمان کبود.

اولی: چه خوب پس با هم همسایه

هستیم!!

عبری

بیاموزیم

بخش نوزدهم

با همکاری دینا رفائیل

کوه دماوند هر دماوند

آبَنَر בָּא מִדְּמָאוֹנָד שְׁמַח מָאד וְסִפֵּר לְאָמָא: הַיּוֹם הָיְתָה הַעֲלִיָּה יָפָה מְאֹד. «אֲבִיר» אֶז דְּמָאוֹנָד בְּסִיָּار خُوشحَال بَرگشت و برای مادر تعریف کرد: امروز صعود بسیار زیبایی کردیم.

בְּשָׁעָה שֶׁבַע בִּבְקָר יֵצְאוּנוּ מִטְהֶרָאן בְּמַכּוֹנִית לְבוֹמְהָן

در ساعت هفت صبح با اتوبوس از تهران به بومهن حرکت کردیم.

הַמַּכּוֹנִית הָיְתָה מְלֵאָה נָעָרִים מִן הַנָּעַר הָעוֹבֵד. וְכֻלָּם שָׂרוּ יַחַד. הָיָה שְׁמַח מְאֹד.

اتوبوس پر از جوانان کارمند بود و همه شعر می خواندند، خیلی خوش گذشت.

מְבוֹמְהָן עַד רוֹדֵהָן נִסְעָנוּ בְּמַכּוֹנִית. בְּדֶרֶךְ הַמָּאוֹנָד עֲבָרְנוּ כְּפָרִים רַבִּים וְהִילָדִים קָרָאוּ לָנוּ בְּשִׂמְחָה: שְׁלוֹם! שְׁלוֹם!

از بومهن با اتومبیل به رودهن رفتیم. در راه دماوند از دهکده های زیادی عبور کردیم و بچه ها با شادی ما را صدا می زدند: سلام! سلام!

בְּדְמָאוֹנָד פָּגַשְׁנוּ אֶת הַחֲבֵרִים שֶׁלָנוּ מְכַל הָאָרֶץ מִן הַצִּפּוֹן וְעַד הַדְּרוֹם. כָּל הָרַחוּבוֹת הַדְּמָאוֹנָד הָיוּ

מְלֵאִים בְּנִי-נָעַר שְׂמֵחִים וְשָׂרִים.

در دماوند دوستانمان را از تمام کشور، شمال تا جنوب ملاقات کردیم. تمام خیابان های دماوند پر از پسران جوان بود که ایستاده بودند و شعر می خواندند.

בְּשָׁעָה חֲמֵשׁ בִּבְקָר. יֵצְאוּנוּ מִדְּמָאוֹנָד בְּרִגְלָה. הָאֲוִיר הָיָה קָר. בְּחוֹדֵשׁ אֶחָד הַשֶּׁמֶשׁ עוֹד לֹא נֹתֶנֶת חֶם הַרְבֵּה.

در ساعت پنج صبح از رودهن پیاده خارج شدیم. هوا سرد بود. در ماه اذار خورشید دیگر گرمای زیادی نمی دهد.

אַחֲרֵי שְׁעָתִים הָיִינוּ כְּכָר בְּרֹאשׁ-פִּנָּה.

بعد از دو ساعت به اول راه رسیده بودیم.

שָׁם יֵשְׁבָנוּ רֵבַע שָׁעָה. יוֹשְׁבִים וּמִבִּיטִים עַל הַהָרִים מִסְבִּיב. מֶה יָפִים הָרֵי הַצִּפּוֹן!

آنجا یک ربع نشستیم، نشسته و به کوه های اطراف خیره شده بودیم. کوه های شمال چه زیبا هستند.

בְּצִהָרִים בָּאוּנוּ בַּפְּלוֹר. אַחֲרֵי אֲרוּחַת-הָעָרֵב אָמְרוּ לָנוּ חֲבֵרֵי-רוֹדֵהָן:

بعد از ظهر به پلور رسیدیم. بعد از عصرانه دوستان رودهنی به ما گفتند:

לֹא טוֹב לָלֶכֶת בְּלִילָה! אִם אַתֶּם רוֹצִים לִישּׁוֹן אֲצִלָּנוּ. בְּבִקְשָׁה! יֵשׁ לָנוּ מְקוֹם בְּשִׁבְלֵכֶם.

درست نیست در شب حرکت کنید. اگر می خواهید پیش ما بخوابید، بفرمایید! ما برای شما جا داریم.

- תוֹדָה רַבָּה. אָמְרָנוּ - בְּאַמֶּת רוֹצִים לִישּׁוֹן אֲצִלְכֶם.

گفتیم: متشکریم، حقیقت آن است که ما دوست داریم نزد شما بخوابیم.

בִּבְקָר הִלְכְנוּ לְדְמָאוֹנָד. שָׁם עָמְדְנוּ עַל רֹאשׁ הָהָר וְשָׂרְנוּ.

صبح به دماوند رفتیم. آنجا بالای قله ایستادیم و شعر خواندیم.

הַדֶּרֶךְ אֲרָכָה הִיא וְרַבָּה. כָּלֶם הוֹלְכִים בְּדֶרֶךְ עַד סוֹפָה אֲבָל אֲנִי לֹבֵד צוֹעֵד וְשׁוֹרֵר בְּשִׂמְחָה:

הַלְלוּ-יָהּ הַלְלוּ!

«این راه طولانی است و زیاد؛ همه ما تا آخر راه می رویم ولی من تنها قدم می گذارم و به شادی شعر می خوانم. مدح بگویند خدا را، مدح بگویند.»

لغات جدید

עליה	עליا	صعود	עד	עד	تا	שך	شار	آواز خواند
נער	נער	جوان	בעד	بعد	برای	עבר	عاور	عبور کرد
דרך	דרך	راه	בשביל	بیشویل	برای	מלא	ماله	پُر
רגל	רגל	پا	באמת	به امت	به حقیقت	צפון	صافن	شمال
הר	הר	کوه	סביב	ساویو	اطراف	דרום	دارم	جنوب
לילה	לילה	شب	ארכה	أروکا	طولانی	לבר	لُود	به تنهایی
כפר	כפר	دهکده	סיפה	سوفاه	آخر آن	מספר	مِسپَر	تعریف می کند
שמח	سامیح	شاد	צעד	صاعد	قدم برداشت	יצא	یاسا	خارج شد

صرف فعل

	من	تو	او	ما	شما	آنها
فعل بودن - گذشته - مرد	הייתי	היית	היה	היינו	הייתם	היו
فعل بودن - گذشته - زن	הייתי	היית	היתה	היינו	הייתן	היו
به خاطر - مرد	בשבילי	בשבילך	בשבילו	בשבیلנו	בשבילכם	בשבילם
به خاطر - زن	בשבילי	בשבילך	בשבילה	בשבیلנו	בשבילכן	בשבילן

ارتباط مؤثر با همسر

۱ الهام مؤدب

حتی زوج‌هایی که از مهارت‌های ارتباطی خوب برخوردارند، نیاز دارند هر روز با هم صحبت کنند و یکدیگر را درک کنند. شاید نیاز داشته باشید آخر هفته به دور از وظایف منزل، فرزندان و تلفن‌های متفرقه باشید. مهم آن است که احساساتتان را در مورد زندگی مشترک جاری و طرز رشد زندگی فردی و مشترک مشخص کنید. از یکدیگر سؤال کنید و به جواب‌ها با دقت گوش دهید.

سؤال‌های زیر به شما کمک می‌کند تا گفت‌وگو را آغاز کنید. برخی مایلند که پاسخ‌ها را بنویسند و بحث کنند. برخی دوست دارند پس از استراحت با هم صحبت کنند. زمانی را برای گفت‌وگو اختصاص دهید و آن را در اولویت قرار دهید. با جمله رویایی شروع کنید. برای مثال «اگر در قرعه‌کشی بانک جایزه خوبی برنده شویم چکار کنیم؟» این جمله بهتر از آن است که بگویند: «من نسبت به طرز خرج کردن تو چه احساسی دارم».

بیشتر سؤالات در خصوص مسائل مادی است، زیرا مادیات باعث بیشتر اختلافات و سوءتفاهم‌هاست و اغلب نشانه نگرانی‌های عمیق‌تر نظیر اعتماد، صداقت، عشق و امنیت است:

- ۱- اگر درآمدتان بیشتر شود، آیا خوشحال‌تر می‌شویم؟ چکار خواهیم کرد؟
- ۲- در مورد نحوه خرج کردن‌مان چه احساسی داریم؟
- ۳- اگر خانه بخریم، دوست داری به اسم هر دوی ما باشد؟
- ۴- ثروت در زندگی تو و من و زندگی مشترکمان چه اهمیتی دارد؟
- ۵- آیا مادیات بر صمیمیت ما تاثیر می‌گذارد؟
- ۶- بهترین طرز خرج کردن برای هر یک و هر دوی ما کدام است؟ حداقل و حداکثر چیست؟
- ۷- نظر ما در مورد «پس‌انداز و امنیت مالی» چیست؟
- ۸- اگر یکی از ما از کسی ماشین قرض بگیرد، چه احساسی داریم؟
- ۹- وقتی توانایی خرید آنچه را که می‌خواهیم نداریم، چه احساسی داریم؟
- ۱۰- سخت‌ترین مسئله‌ای که صحبت در مورد آن مشکل می‌باشد، کدام است؟
- ۱۱- آخرین باری که از همدیگر تعریف کردیم کی بود و چرا؟
- ۱۲- بهترین روشی که می‌توانیم با هم صحبت کنیم و با دقت به حرف‌های یکدیگر گوش کنیم کدام است؟
- ۱۳- آخرین باری که با هم بیرون رفتیم و خوش گذشت کی بود؟ چه احساسی داشتیم؟

... We should like to draw your attention to the response made by the late Imam (RH) to a foreign journalist in this connection:

Quoted question: Being an Iranian citizen has rendered a strong foundation to the nation-statehood of the country and religious differences have created little, if any, frictions among the religious minorities, such as the Jews, the Christians, or the clerics of the religious minorities in Iran. How would the religious minorities fare under the government of your choice?

Quoted Answer: Islamism has created much stronger ties among Iranian citizens than their national citizenship status. The religious minorities not only enjoy the very same freedom as others but also it is incumbent upon the Islamic government to defend the rights of all established religious minorities of the country as well; furthermore, every Iranian citizen has the right to enjoy the very same social rights enjoyed by all citizens no matter whether they are Muslims, Christians or Jews or of another faith for that matter.

[Extracted from the text script of Imam Khomeini's (RH) interview with a German daily on November 15, 1979]

... It goes without saying that the contents and principles of Judaism faith have not been subjected to fundamental change ever since the time of the holy Prophet of Islam (SWAS) and in light of the holy Prophet's full understanding of the Judaist faith nature, the Prophet of Islam (SWAS) could never entertain the idea of extermination of the Jews and profanation of the religion.

Those who are now, after the passage of 1400 years, engaged in making new interpretations of the Quranic verses pertaining to the divine promise of destroying all the Jews are expectedly thought as being totally divorced from the teachings of the holy Prophet of Islam (SWAS).

... Briefly, such approaches as mentioned in the above boil down to mere anti-Semitism and a true manifestation of racism, while God the Almighty has said in the holy Quran that individuals must be judged based on their actions and their faith. (Citation of Quranic verses Al-Umran, Verses 113-114 in support of the latter statement). Translation:

"Not all believers of monotheistic faiths are similar in their natures. Some behave and conduct themselves finely and recite divine verses in the small hours of the night and kowtow to the Almighty since they believe in the resurrection day and try to engage in charitable actions and refrain from evil manners as well rush to volunteer in doing good deeds. These individuals are among the elites."

"We have set a clear path for the nations of every single monotheistic faith and if God wished so he would have brought all the nations into a single one. However, he desired to test you by giving you what he has. So, try to compete against one another in performing good deeds. Every person ultimately returns to God and then He will inform you of the nature of your disputes." (Maedeh, 48)

Your Excellency, Ayatollah Hashemi Shahroudi:

While once again the Iranian Jewish community declares its unswerving allegiance and adherence to the values of the Islamic Republic of Iran and shall take pains to live up to the expectations of being dutiful citizens in the service to this country and by way of safeguarding the national Iranian and Jewish religion values, this community insists that the biased propaganda campaign and violation of rights against it be stopped in concurrence with the establishment and institutionalization of the Iranian citizens' rights as a more realistic perspective of the current numerous political and social woes, which stare at our dear country in the face, is contemplated in the national and international arenas. We should like to insist that the complaints enumerated in this letter be followed up at the earliest and expedient measures be put into effect to stop the profanation and cultural onslaught waged against the Jewish sanctities.

We are of the opinion that any disregard or negligence afforded to the perpetrators violators and writers of the aforementioned articles, at least in some specific cases of the kind, would be tantamount to severe and imminent menace to the social security of the Jewish citizens in this country.

The Iranian Jewish community insists on safeguarding and maintaining all its citizenship right and privileges for spending living in its motherland country of the IRI. We are Jews and would like to remain as Jews but our faith has inextricably been mingled with our love for Iran and the Iranian people.

We should like the present propaganda onslaught against Judaist faith and Iranian Jews to be brought to a halt.

We take pride in the fact that we have been lucky to be spared from falling into the trap set for us by the Zionists to make us emigrate to America and Israel.

Undoubtedly, the crass ignorant can never persuades us to renounce our citizenship to turn us into cannon fodder for the Zionist entity.

We hereby enclose some cases of the unprecedented aforementioned provocative onslaught inflicted upon the Iranian Jewish community by some press and writings that are regarded as veritable direct insults to the Jews and their faith.

Yours very truly

Board of Directors of Tehran Jewish Committee

Zionists have misused the Jewish faith to promote their illegal political and economic objectives. This bogus regime is an absolute disgrace to the Jewish faith and we, at the "Voice of David Radio Station" are doing our best to bring to light some very widespread misconceptions through our broadcasting of genuine and well-established facts and news.

Q. *What are your main objectives for your radio broadcast services and what are these objectives focusing on?*

A. We, at this radio station, are trying to bring the real facts to light and voice the views and the reasons for those who oppose the Zionists entity as well as shedding light on policies adopted by the usurper regime in the occupied Palestinian lands. We also try to provide new approaches for peaceful co-existence among the followers of different religious faiths.

Q. *Our last question is about what sorts of positive reactions you have so far experienced from political groups in Israel proper and how you have managed to recruit your required technical staff in order to make this Hebrew-language radio programs operational?*

A. We held talks with various Jewish personalities from Palestine. These talks were carried out with those Jewish people, who are against Sharon's terrorist policies and are opposed to the Zionist movement as well. As far as our staffs are concerned, we rely on the expertise of those recruits who are well informed about the policies of the Zionist regime. Under the present circumstances, we think we cannot do more than what we are doing right now in view of our current budget constraints. I should like to express my best wishes for the establishment of lasting peace in Palestine and the restoration of the rights of those who have been deprived of their natural rights.

THE TEHRAN JEWISH COMMITTEE'S OPEN LETTER TO THE JUDICIARY CHIEF ON THE RECENT PROFANATIONS BY MEDIA AND PRESS OF THE COUNTRY AGAINST JEWISH SANCTITIES (Abstract)

**For the Kind Attention of His Excellency Ayatollah Seyed Mahmoud Hashemi Shahroudi,
 the Esteemed Chief of the Judiciary of the Islamic Republic of Iran:**

It is now for some time that the manners adopted by the country's mass media, printed press, at times, some books and certain writings, as well as certain unidentified flyers, some programs broadcasted by the radio and television stations dealing with the question of Judaism and the Jewish community, have changed drastically in such a way that has raised alarm and caused anxiety among the Jewish community in Iran. To make matters worse, the aforementioned causes of concern have been coupled with threats through crank calls and letters containing profanities made and sent to some Iranian citizens of Jewish faith.

Apart from the issue of the current campaign against the Zionists and their atrocious measures, for which the Iranian Jewish community has taken the appropriate measures to be among the forefront leading communities to make tangible contribution to the cause, we now stand witness to the regrettable fact that quite a few biased and provocative articles are published almost on daily basis and these most, if not all, contain false and selected interpretations from the Jewish religious books and words of Hebrew prophets. These articles not only fail to be in line with the principles of the Jewish faith and other divine religions but also stand in absolute contrast to the mottos, objectives and performances of the sacred Islamic Republic of Iran's (IRI) political system.

The Iranian Jewish community, which enjoys a long and enduring history of peaceful coexistence with their Muslim compatriots in Iran and has employed all means available to these Iranian citizens to bring fruition to the Islamic Revolution in Iran, led by the late Imam Khomeini (RH) and actively participated in the 8-year-long Iraqi imposed war on this country, now feels extremely disappointed and discouraged in face of the current biased writings that is said to be in line with the campaign against Zionism taken up by the noble Muslims and people of the world, since it seems that the campaign is gradually being translated into a useless confrontation among religions.

... The writers and authors of the aforementioned articles and books seem to be bent on trying to mislead the revolutionary combatants and the public opinion by their distorted writings and extremist religious and sectarian approaches.

We wonder if it is not a well-founded maxim in the IRI that every citizen must fully comply with the laws of the country express his allegiance to them.

It is worth to mention that the provisions of article 1 and 18 of the International Human Rights declaration, the provisions of articles 1, 3, and 4 of the declaration for doing away with all features religious discrimination and ethnic bigotry based on compliance with the affording considerations to the Jewish religious and ethnic rights, irrespective of their nationality and their citizenship status are in support the said statements and the provisions of articles 13,14, 19, 20, and 37 of the IRI constitution as well as the visions held by the late Imam Khomeini (RH) in addition to the principle of international right have all put the seal of approval on the rights of the Iranian Jews.

Haroun Yashayaei then called on the clerics of all religions to intervene in political affairs of their countries in order to stop political aggressions waged by governments against various nations.

On the invitation of TJC On Wednesday, December 11, 2002, Siieem Hazbiovic, the Muslim deputy to Joint Association of Polish Muslims and Catholics Zicislav Bilinski, the Christian deputy to the above-mentioned association and Withold Schmidovski, the ambassador of Poland to Tehran along with the embassy's First Secretary and the IRI foreign Ministry representative in the culture affairs attended Yousef Abad synagogue in Tehran. They met and held talks with rabbi Cohen, the Jewish cleric, Mr. Motamed, the Jewish MP from Tehran, and the members of board of directors of TJC. During this meeting, the Jewish officials gave a rundown on the conditions of the Iranian Jews and the Polish delegation then presented a report on its religious activities in Poland. The latter then gave a short history of the Polish Jews and explained their conditions. Later this said delegation called for cultural ties to be established between Tehran and Poland in the arena of Dialogue Among Religions and understanding among the religious minorities of the two countries.

Literature of FARSIHOOD Cultural Heritage of Iranian Jews

By: Nahid Pir Nazar

Farsihood includes Farsi writings with Hebrew alphabet. It must be added that, what is available in Farsihood writing except for some cases such as translation of Davood's Psalters to Pahlavi language and scripts, are devoted to the new Farsi era. According to this description Farsihood impressions except for some Pahlavi copies, mostly contain classical writings or any local dialect new Farsi Language and it is in Hebrew letters. For the lack of coordination of Hebrew Alphabet with some Farsi vowels, a Hebrew letter, following with some additional signals can be applied as several Farsi vowels. As, the way in which printed Hebrew letters differ from that of Hebrew written letters. Farsihood printed subjects also differ from that of writing point of view with their manuscript copies.

The selection of Hebrew writing instead of Farsi scripts for writing the cultural impressions of Iranian Jews, are interpretable in different forms. What seems certain is the reason for selection of Hebrew letters for Farsihood writers, is the practical aspect of it. Because, possibly the lack of acquaintance with Farsi writing in illiterate group of Jewish

people and their acquaintance with the Hebrew writing, with the purpose of reading and performing religious practices, it supplied a larger number of readers for Farsihood impressions.

Therefore, from the evidences can be understood that Farsihood Literature mostly for one particular group of readers whom consists of the public rank of Iranian Jews, were written. The rank that in spite of the fact that communicated in Farsi language could not read it in Farsi writing. It should be regarded that the Hebrew knowledge of most of these people, possibly did not get beyond the reading of religious benedictions (prays). The evidence for this allegation is the transformation of Farsi literature masterpieces into Farsihood writings, which their samples are largely found in libraries of writing copies. Literal writers of Farsihood mostly have been affected by non-Jewish Iranian professionals and /or have been affected by non-Iranian Jewish experts. The expression of this fact is their authority on Iranian, Jewish and even in some cases on Islamic culture.

Voice of David Radio Station broadcasts unbiased programs and reports, which are projected to address all the Jews around the world

Voice of David Radio Station, which is stationed in Tehran, has been broadcasting programs in Hebrew language for a few months. To this effect, the Palestinian daily Al-Sanareh Bab of Jordan has conducted an interview with Amir Behjati, the editor of the radio. The following is the script of the interview:

Amir Behjati underscores the fact that the Iranian have an absolutely different vision of the Jewish faith, which stands in total contrast to the Iranian perspective of Zionism and the ruling regime in the Zionist entity.

Q. Why did you decide to call this radio station "the Voice of David"?

A. You may have asked us this very question if we had; for instance, given this radio broadcast services the name "Moshe (Moses)." The Jewish prophet, David was privileged with numerous fine attributes. Among his many fine attributes was his immensely sweet and heart-warming voice.

Q. Almost everyone around the world knows perfectly well that there is no diplomatic relations between the Islamic Republic of Iran (IRI) and the so-called state of Israel. The question now goes begging as to what has been at the core of your intentions for establishing this radio broadcast service?

A. It goes without saying that we as Muslims extend our official recognition to Jewish religion as a monotheistic divine faith and regard the Jewish prophets among our own. In fact, the holy Koran has allocated a whole verse to prophet Joseph and other prophets of Israel. However, as far as Zionism and the Zionist ideology are concerned, we should assert that we do not recognize them since the

added, this negative aspect comes as a natural consequence of the Revolution and we hope the day comes when circumstances change and all Iranian nationals living abroad return to their homeland.

Hashemi Rafsanjani then focused on the stipulated rights by the Jewish MP and the head of the Tehran Jewish Committee and promised his personal assistance for following up the case for their grievances. He concluded by expressing hope that the Palestinian question be soon settled once and for all.

Inauguration of the rehabilitated mausoleum of Mullah Moshe Halevi in Kashan

Rabbi Moshe Halevi, who is among prominent Iranian Jewish scholars, emigrated from Spain to Iran almost 400 years ago and passed away in the city of Kashan in 1600 AD (5360 of Hebrew calendar). He is well known to be the founder of new Jewish religious schools in Iran, and is immensely respected by the Iranian Jewish community, in particular Jews of Kashan. Many Iranian Jews especially those from Kashan pay annual visits to this well-respected clergy's mausoleum in order to pray for blessings.

The gravesite of Mullah Moshe Halevi was located in the open and not commensurate with his religious standing. However, last year, an Iranian expatriate Jew called Elliahu ben Davoud Alliance Kashani has set aside some funds so that the TJC may take the required measures to rehabilitate and rebuild this Jewish shrine. Mr. Aqa Jan Shadi, who is a member of the board of directors of the TJC and the member of Yousef Abad synagogue of Tehran, sponsored the reconstruction of the aforementioned shrine and reconstruction works, which was put into effect through cooperation with the municipality of the city of Kashan, ended in November 2002. A delegation of Jewish officials along with the chairman of TJC as well as the Jewish representative at the Iranian Parliament travelled to Kashan to take part in the inauguration ceremonies of the said shrine.

Another Jewish delegation responsible for the religious education affairs of Jews in the central city of Esfahan that was headed by Shahrokh Paknahad also attended the afore-said inaugural services, performed special Jewish religious services, and recited

prayers for blessing to soul of the late cleric, Harav Mullah Moshe Halevi.

Islamic Human Rights Commission Meeting

The fifth specialized conference of "status of human rights in the Islamic Republic of Iran government" was held on December 21, 2002.

On the invitation of Mr. Muhammad Hassan Ziaifar, the Secretary of the Islamic Human Rights Commission, a Jewish delegation participated in the said session.

During this meeting, representatives of various ministries presented reports on their activities in the arena of human rights. Mr. Motamed, the Jewish representative at the Iranian Parliament and Mr. Haroun Yashayaei, the chairman of the TJC also provided a thorough explanation of different aspects of human rights violation cases against the Iranian Jews at this meeting. The aforementioned then started to discuss other cases and exchanged views with the representatives of various ministries and attorneys at law and certain cases were identified for further legal follow-ups. The Jewish delegation also registered its strong protest against some specific profanation and disrespect shown to their religious sanctities.

Polish Scholars Participate in The Dialogue Among Religions Conference

The conference for the dialogue among religions was held between the Iranian Muslim and Polish Christian scholars at the Center for Cultural Studies of the Iranian Foreign Ministry on Tuesday December 10, 2002. On the invitation of Hojjat-ul-Islam Muhammad Masjed Jamei, the Director General of the Cultural Affairs of the Islamic Republic of Iran (IRI) foreign Ministry and the president of the conference, and invitation of the Polish ambassador to the IRI, a Jewish delegation participated in the aforementioned conference.

Scholars from both the IRI and Poland made several speeches at this meeting and the topic of their addresses were in the main focused on the commonalities of the monotheistic religions. References were also made to the foundation for creation of love, which was established in Poland with the purpose of bringing about rapprochement among monotheistic faiths.

The chairman of first touched on the especial ceremonies held for the Polish Jews at Tehran Jewish cemetery in the spring of 2002 and then recited a short history on the presence of the Polish Jews in that country and the cultural influence of Poland on Jews. He then referred to the significant part played by Polish Jews in the contemporary history of the Jewish people.

OFEGH BINA

אפק בינה

Cultural, Social and News magazine of
TEHRAN JEWISH COMMITTEE
 Vol. 4 – No. 19 December 2002 - March 2003

"Ofegh-BINA" in Hebrew means "Horizon of Knowledge"

Managing Director: Haroun Yashayaie **Editor-in-chief:** Arash Abaie

Assistants in this Issue: Farhad Aframian (*News - Subscription*), Dr. Yunes Hamami Lalezar (*Religion*), Sima Moghtader (*Cultural*), Mahyar Cohen Bash (*Literature & Arts*), Marjan Ebrahimi (*Social*), Liora Saeed (*General*), Sara Hai (*Children & Youth*). **Page layout control / Computer Support:** Farid Toubian

Type setting & page layout: Nastaran Jazeb – Robin Hamedani Cohen (Hebrew)

Cover design: "Kadous Negareh" **Interior cover photos:** Davod Goharian

Add: # 385, 3rd Floor, Sheikh Hadi St. 11397-3-3317, Tehran - Iran

Tel: (+98 21) 6702556 **Fax:** (+98 21) 6716429

Internet Site: www.iranjewish.com

E-mail: bina@iranjewish.com

ABSTRACTS

**It was brought up during a meeting with the Jewish delegation:
 The Chairman of the IRI
 Expediency Council (EC):
 The officials of the IRI
 are absolutely against any insult
 to the Jewish community**

On Sunday December 31, 2002, the Jewish representative at the Iranian Parliament set up a meeting between a Jewish delegation headed by Rabbi Yousef Hamedani Cohen and Ayatollah Akbar Hashemi Rafsanjani, the Chairman of the IRI Expediency Council (EC) of the country.

At this meeting, Mr. Morris Motamed, the Jewish MP at first presented a short history of the presence and activities of the Iranian Jewish community and then gave a run-down on the present difficulties experienced by the said community in Iran. Mr. Motamed in particular underlined the recent propaganda onslaught waged by the mass media and press in the country against the sanctities of the Jewish faith.

Later, Haroun Yashayaei, the head of the Tehran Jewish Committee cited certain instances of such insults to the sanctities of the Jews and explained the negative effects that these insults may have on the relations between the Muslim and Jewish

communities in Iran. He also touched on Imam Khomeini's (RH) views on drawing a line between Zionism and those faithful to prophet Moses' religion.

After the ceremonies for the introduction of the Jewish delegation members and a friendly chat with Rabbi Cohen, Ayatollah Rafsanjani expressed his sincere and deep regret on the current state of affairs regarding insults made on the sanctities of the Iranian Jewish community. He went on to add that the officials of the IRI would under no circumstances accept contemptuous treatments and insults afforded to other faiths including Judaism, as this principle constitutes the bases of the IRI political system. He then said that in the early days of the post Revolution era, when people were brimming with emotions and in spite of many pressures, the officials of the IRI vehemently insisted on the rights of the religious minorities in the country and made sure to stipulate and include their rights in the constitution of the country. Painstaking efforts, he added, have been taken to safeguard these rights to this day.

The Chairman of the EC also touched on the fact that it is only natural that the Iranian Jewish community should experience certain negative side effects in the face of current anti Zionism campaign. Mr. Rafsanjani then stated that the IRI officials were truly sorry to see that some religious minorities leave the country for good of they feel they are being oppressed; however, he



ببک

HAIR STYLING CREAM



کرم موی سر
برای فرم دادن مرتب کردن
و تقویت موی سر

Product of Phariab Laboratory